



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

دانشی و مریخی
پیرایه هنرهای کلاسیک، هنر کلاسیک، هنر مدرن

مؤلف: محمد علی قاسمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانستنی های علمی پیرامون قاعدگی، همجنس گرایی، همجنس بازی و استمناء

نویسنده:

مهدی آقابابائی

ناشر چاپی:

نورالحیات

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	دانشتیی های علمی پیرامون قاعدگی، همجنس گرایی، همجنس بازی و استمناء
۱۲	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۱۷	فهرست
۳۱	بخش اول : دانشتیی های علمی پیرامون قاعدگی در قرآن، روایات و پزشکی
۳۱	اشاره
۳۲	مقدمه
۳۳	قاعدگی زنان از دیدگاه قرآن
۳۳	اشاره
۳۳	نکات ادبی آیه
۳۶	توضیح و تفسیر
۳۹	زبان های آمیزشی در حال حیض
۳۹	پزشکی قاعدگی
۳۹	سندرم پیش از قاعدگی مشکلی که جدی گرفته نمی شود
۴۱	تجربه ای برای هر ماه (اولین خون ریزی ماهانه)
۴۲	منشا پیدایش رگل
۴۳	دستور عادلانه اسلام در مورد عادت ماهیانه زنان
۴۵	روایات پیرامون قاعدگی (رگل، حیض)
۴۵	علت پیدایش حیض در زنان
۴۵	حضرت زهرا علیها السلام خون حیض نمی دید
۴۶	نظر صدر المتالهین قدس سره و علامه شعرانی قدس سره
۵۰	حیض نجاست و پلییدی در زنهاست
۵۲	سر این که جایز نیست زن حائض خضاب کند

۵۲	سر اینکه زن حامل حیض نمی شود
۵۲	سر این که جایز نیست جنب و حائض موقع تلقین میت حاضر باشند
۵۳	عذاب زنی که وقتی پاک شد غسل ننماید
۵۴	روزی فرزند در شکم مادر
۵۵	مجامعت در حال حیض
۵۵	احکام حیض، از رساله آیت الله فاضل لنکرانی قدس سره
۶۳	بخش دوم : همجنس گرایی و همجنس بازی
۶۳	اشاره
۶۴	مقدمه
۶۶	فصل اول: ارضای میل جنسی
۶۶	ارضای میل جنسی
۶۶	تعریف ارضای میل جنسی
۶۷	راههای ارضای میل جنسی
۶۸	راه سالم ارضای میل جنسی
۷۰	راههای ناسالم ارضای میل جنسی
۷۱	هم جنس خواهی
۷۱	اشاره
۷۱	انواع هم جنس
۷۱	اشاره
۷۱	لواط
۷۱	مساحقه
۷۲	فصل دوم: عوامل و آثار هم جنس خواهی
۷۲	آثار هم جنس خواهی
۷۲	بلای همجنس گرایی !
۷۴	برخی از عوامل هم جنس خواهی
۷۶	فصل سوم: امراض و بیماریهای همجنس بازان

۷۶	بیماری‌های رودهای در همجنس بازان
۷۷	عوامل قابل انتقال در همجنس بازان
۷۸	التهاب معده (proctitis)
۷۹	فصل چهارم: همجنس گرایی از دیدگاه قرآن
۷۹	همجنس گرایی از دیدگاه قرآن
۸۰	عذاب‌های قوم لوط بر ظالمین
۸۱	فصل پنجم: فلسفه همجنس گرایی
۸۱	فلسفه تحریم هم جنس گرایی
۸۷	فصل ششم: همجنس بازی از دیدگاه روایات
۸۷	اشاره
۸۷	۲- پیدا کردن شهوت زنانگی
۸۷	۳- دعوت به سوی خود
۸۷	۴- قطع نسل
۸۸	۵- گسترش فساد و فحشاء
۸۸	۶- برای امتم می‌ترسم
۸۸	۷- غضب خدا
۸۹	۸- لواط کننده
۸۹	۹- لواط کفر است
۹۱	۱۵- سنگ عذاب هنگام مرگ
۹۱	۱۶- غلامی که مولایش را کشت
۹۱	اشاره
۹۱	لاطی به قوم لوط ملحق می‌شود
۹۲	۱۷- لواط هم فاحشه و زشت است
۹۵	مساحقه
۹۵	اشاره
۹۶	حد سحقی

۹۷	فصل هفتم: همجنس گرایی از دیدگاه جامعه شناسی
۹۷	جنسیت بیمارانه
۹۸	هم جنس گرایی
۹۸	اشاره
۹۸	۱- نظریه‌ای که هم جنس گرایی را تبیین جنسیت بهنجار می‌داند
۹۸	احتجاج های تاریخی
۹۹	احتجاجات زیست شناسی
۹۹	احتجاجات رفتاری
۹۹	۲- نظریه‌ای که همجنس گرایی را گناه می‌داند
۱۰۰	۳- برخورد پزشکی : همجنس گرایی به عنوان انحراف در غریزه جنسی
۱۰۰	اشاره
۱۰۱	الف) احساس متفاوت بودن از دیگران
۱۰۱	ج) فاجعه این هیکل ناقص، ضمیمه و ملازمی دارد
۱۰۲	د) کثرت طرف های مقابل
۱۰۴	ه) در اینجا با روان شناسی مسکن و منزل و مأوا سر و کار پیدا می‌کنیم
۱۱۰	فصل هشتم: راههای پیشگیری از همجنس گرایی
۱۱۰	روشهای پیشگیری
۱۱۰	اشاره
۱۱۰	۱- آموزش مسائل جنسی
۱۱۰	اشاره
۱۱۰	الف) آموزش جنسی چیست؟
۱۱۱	ب) آیا آموزش مسائل جنسی جایز است؟
۱۱۲	ج) ضرورت طرح و آموزش مسائل جنسی
۱۱۶	د) آثار بی توجهی به آموزش صحیح جنسی
۱۱۹	ه) آثار و فوائد آموزش صحیح جنسی
۱۲۰	و) شیوه آگاه کردن متربی از مسایل جنسی

- ب: دیگر زیانهای استمناء ۱۴۲
- ج: آثار وخیم استمناء ۱۴۴
- د: عوارض سوء استمناء ۱۴۶
- جواب یک سؤال مهم ۱۴۶
- فصل سوم: داستان‌هایی از اشخاص استمناء کننده ۱۴۸
- اشاره ۱۴۸
- الف: تا کام مرگ ۱۴۸
- ب: تیمارستان تهران ۱۴۹
- فصل چهارم: سخنان بزرگان و وروان شناسان و پزشکان ۱۵۱
- اشاره ۱۵۱
- الف: سخنان ابو علی سینا ۱۵۱
- ب: سخنان دکتر تومانیاس مسیحی ۱۵۲
- ج: سخنان دکتر صدر الدین نصیری ۱۵۳
- د: سخنان دکتر دبس ۱۵۴
- فصل پنجم: جواز استمناء در بابت و بهائیت ۱۵۵
- اشاره ۱۵۵
- تولید نسل از راه دیگر ۱۵۵
- فصل ششم: راههای پیشگیری ۱۵۷
- دستورهای دهگانه ۱۵۷
- راههای درمان استمناء ۱۵۸
- اشاره ۱۵۸
- ۱- اجتناب از هرگونه تحریک مصنوعی ۱۵۹
- ۲- تهیه برنامه فشرده و مهم ۱۶۱
- ۳- توجه مخصوص به ورزش ۱۶۲
- ۴- باید عادت‌های جانشین عادت‌های گردد ۱۶۳
- ۵- پرهیز مطلق از تنهایی ۱۶۴

- ۱۶۴ ----- ۶- ازدواج در نخستین فرصت
- ۱۶۵ ----- ۷- تلقین و تقویت اراده
- ۱۶۶ ----- ۸- پرهیز کامل
- ۱۶۶ ----- ۹- تقویت عمومی و رژیم غذایی
- ۱۶۷ ----- ۱۰- استمداد از نیروی ایمان و عقائد مذهبی
- ۱۷۰ ----- فصل هفتم: آیات قرآن درباره استمناء
- ۱۷۱ ----- فصل هشتم: روایات پیرامون استمناء
- ۱۷۱ ----- اشاره
- ۱۷۱ ----- روایات
- ۱۷۲ ----- سؤال مهم
- ۱۷۶ ----- فصل نهم: سخنان فقهاء و صاحب جواهر الکلام
- ۱۷۶ ----- اشاره
- ۱۷۶ ----- الف: استمناء در حج
- ۱۷۶ ----- ب: استمناء در ماه مبارک رمضان
- ۱۷۸ ----- فصل دهم: استمناء کننده باید تعزیر شود
- ۱۷۸ ----- نتیجه گیری
- ۱۸۰ ----- منابع و مأخذ
- ۱۸۳ ----- درباره مرکز

دانستنی های علمی پیرامون قاعدگی، همجنس گرایی، همجنس بازی و استمناء

مشخصات کتاب

سرشناسه : آقابابایی، مهدی، ۱۳۶۲

عنوان و نام پدید آور : دانستنی های علمی پیرامون قاعدگی، همجنس گرایی، همجنس بازی و استمناء / تحقیق مهدی آقابابایی.

مشخصات نشر : اصفهان: نورالحيات، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری : ۱۶۴ ص.؛ ۵/۱۴ × ۲۱/۵ س م.

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۴۵۲-۲-۲

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : قاعدگی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : Menstruation -- Religious aspects -- Islam

موضوع : قاعدگی

موضوع : Menstruation

موضوع : همجنس گرایی

موضوع : Homosexuality

موضوع : استمناء

موضوع : Masturbation

رده بندی کنگره : BP ۱۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۲

شماره کتابشناسی ملی : ۵۹۴۷۳۶۷

اشاره

دانستی های علمی پیرامون قاعدگی، همجنس گرایی، همجنس بازی و استمناء

دانستی های علمی پیرامون

قاعدگی، همجنس گرایی، همجنس بازی و استمناء

تحقیق: مهدی آقابابایی

ص: ۴

تقديم به :

تمامی رهپويان حق و حقيقت

فهرست

بخش اول : دانستنی های علمی پیرامون قاعدگی در قرآن، روایات و پزشکی ۱۳

مقدمه ۱۴

قاعدگی زنان از دیدگاه قرآن ۱۵

نکات ادبی آیه ۱۵

توضیح و تفسیر ۱۸

زیان‌های آمیزشی در حال حیض ۲۱

پزشکی قاعدگی ۲۱

سندرم پیش از قاعدگی مشکلی که جدی گرفته نمی‌شود ۲۱

تجربه‌ای برای هر ماه (اولین خون ریزی ماهانه) ۲۳

منشأ پیدایش رگل ۲۴

دستور عادلانه اسلام در مورد عادت ماهیانه زنان ۲۵

روایات پیرامون قاعدگی (رگل، حیض) ۲۷

علت پیدایش حیض در زنان ۲۷

حضرت زهرا علیها السلام خون حیض نمی‌دید ۲۷

نظر صدر المتالهین قدس سره و علامه شعرانی قدس سره ۲۸

حیض نجاست و پلیدی در زنهاست ۳۲

سر این که جایز نیست زن حائض خضاب کند ۳۴

سر اینکه زن حامل حیض نمی‌شود ۳۴

سر این که جایز نیست جنب و حائض موقع تلقین میت حاضر باشند

۳۴

عذاب زنی که وقتی پاک شد غسل ننماید ۳۵

روزی فرزند در شکم مادر ۳۶

مجامعت در حال حیض ۳۷

احکام حیض، از رساله آیت الله فاضل لنکرانی قدس سره ۳۷

بخش دوم: همجنس گرایی و همجنس بازی ۴۵

مقدمه ۴۶

فصل اول: ارضای میل جنسی ۴۸

ارضای میل جنسی ۴۸

تعریف ارضای میل جنسی ۴۸

راه‌های ارضای میل جنسی ۴۹

راه سالم ارضای میل جنسی ۵۰

راه‌های ناسالم ارضای میل جنسی ۵۲

هم جنس خواهی ۵۳

انواع هم جنس ۵۳

لواط ۵۳

مباحثه ۵۳

فصل دوم: عوامل و آثار هم جنس خواهی ۵۴

بلاى همجنس گرايى! ۵۴

برخى از عوامل هم جنس خواهى ۵۶

فصل سوم: امراض و بيمارى‌هاى همجنس بازان ۵۸

بيمارى‌هاى روده‌اى در همجنس بازان ۵۸

عوامل قابل انتقال در همجنس بازان ۵۹

التهاب معده (۶۰) proctitis

فصل چهارم: همجنس گرايى از ديدگاه قرآن ۶۱

همجنس گرايى از ديدگاه قرآن ۶۱

عذاب‌هاى قوم لوط بر ظالمين ۶۲

فصل پنجم: فلسفه هم جنس گرايى ۶۳

فلسفه تحريم هم جنس گرايى ۶۳

فصل ششم: هم جنس بازى از ديدگاه روايات ۶۹

پيدا كردن شهوت زنانگى ۶۹

دعوت به سوي خود ۶۹

قطع نسل ۶۹

گسترش فساد و فحشاء ۷۰

براى امتم مى ترسم ۷۰

غضب خدا ۷۰

لواط كننده ۷۱

لواط کفر است ۷۱

سنگ عذاب هنگام مرگ ۷۳

غلامی که مولایش را کشت ۷۳

لاطی به قوم لوط ملحق می‌شود ۷۳

لواط هم فاحشه و زشت است ۷۴

مساحقه ۷۷

حد سحق ۷۸

فصل هفتم: همجنس‌گرایی از دیدگاه جامعه‌شناسی ۷۹

جنسیت بیمارانه ۷۹

هم‌جنس‌گرایی ۸۰

۱- نظریه‌ای که هم‌جنس‌گرایی را تبیین جنسیت بهنجار می‌داند

۸۰

احتجاج‌های تاریخی ۸۰

احتجاجات زیست‌شناسی ۸۱

احتجاجات رفتاری ۸۱

۲- نظریه‌ای که همجنس‌گرایی را گناه می‌داند ۸۱

۳- برخورد پرشکی: هم‌جنس‌گرایی به عنوان انحراف در غریزه جنسی

۸۲

الف) احساس متفاوت بودن از دیگران ۸۳

ج) فاجعه این هیکل ناقص، ضمیمه و ملازمی دارد ۸۳

د) کثرت طرف‌های مقابل ۸۴

ه) در اینجا با روان‌شناسی مسکن و منزل و مأوا سر و کار پیدا می‌کنیم

فصل هشتم: راه‌های پیشگیری از همجنس‌گرایی ۹۲

روش های پیشگیری ۹۲

۱- آموزش مسائل جنسی ۹۲

الف) آموزش جنسی چیست؟ ۹۲

ب) آیا آموزش مسائل جنسی جایز است؟ ۹۳

ج) ضرورت طرح و آموزش مسائل جنسی ۹۴

د) آثار بی توجهی به آموزش صحیح جنسی ۹۸

ه) آثار و فوائد آموزش صحیح جنسی

۱۰۱

و) شیوه آگاه کردن متربی از مسایل جنسی ۱۰۲

۲- توجه به عزت و کرامت انسانی ۱۰۲

۳- توجه به ارزش ها ۱۰۳

۴- استمداد از خداوند و اهل بیت علیهم السلام ۱۰۵

روایات ۱۰۵

نگاه شهوتی بر پسر حرام است ۱۰۵

لجام آتشین برای بوسه شهوت ۱۰۶

خوابیدن دو مرد یا دو زن ۱۰۷

پاسخ به دو سؤال ۱۰۷

سؤال اول: حد لواط چقدر است؟ ۱۰۷

سؤال دوم: چرا حد لواط قتل است

داستانی زیبا ۱۱۱

توبه می کند و نمی سوزد ۱۱۱

یک مسئله ۱۱۳

بخش سوم: کامجویی بدلی

(استمناء و راه‌های پیشگیری از آن، ازدواج بدون مقدمه) ۱۱۵

پیشگفتار ۱۱۶

یک نامه مهم و یک مسئله مهم ۱۱۶

مسئله مهم و اشتباه پزشکان ۱۱۷

فصل اول: تاریخچه استمناء ۱۱۹

تاریخچه ی عمل استمناء ۱۱۹

زمینه های مبتلا شدن ۱۲۰

خودتان قضاوت کنید ۱۲۰

فصل دوم: شیوع استمناء ۱۲۲

الف: مضرات جسمی و روحی استمناء ۱۲۲

ب: زیانهای استمناء ۱۲۴

جواب یک سؤال مهم ۱۲۸

فصل سوم: داستان‌هایی از اشخاص استمناء کننده ۱۳۰

الف: تا کام مرگ ۱۳۰

ب: تیمارستان تهران ۱۳۱

فصل چهارم: سخنان بزرگان و روان شناسان و پزشکان ۱۳۳

الف: سخنان ابو علی سینا ۱۳۳

ب: سخنان دکتر تومانیاس مسیحی ۱۳۴

د: سخنان دکتر دبس ۱۳۶

فصل پنجم: جواز استمناء ۱۳۷

تولید نسل از راه دیگر ۱۳۷

اگر صیغه را حرام نمی کرد کسی زنا نمی کرد ۱۳۸

فصل ششم: دستورات دهگانه یا راههای پیشگیری از استمناء ۱۳۹

راههای درمان استمناء ۱۴۰

۱- اجتناب از هرگونه تحریک مصنوعی ۱۴۱

۲- تهیه برنامه فشرده ۱۴۳

۳- توجه مخصوص به ورزش ۱۴۴

۴- باید عادت‌های جانشین عادت‌های گردد ۱۴۵

۵- پرهیز مطلق از تنهایی ۱۴۶

۶- ازدواج در اولین فرصت ۱۴۶

۷- تلقین و اراده ۱۴۷

۸- پرهیز کامل ۱۴۸

۹- تقویت عمومی و رژیم غذایی ۱۴۸

۱۰- استمداد از نیروهای ایمان و عقائد مذهبی ۱۴۹

فصل هفتم: آیات درباره استمناء ۱۵۲

فصل هشتم: استمناء در روایات ۱۵۳

سؤال مهم ۱۵۴

فصل نهم: سخنان فقهاء و مراجع و صاحب جواهر الکلام ۱۵۷

الف: استمناء در حج ۱۵۷

ب: استمناء در ماه مبارک رمضان ۱۵۷

ص: ۱۲

فصل دهم: تعزیر استمناء کنندہ ۱۶۰

نتیجہ گیری ۱۶۰

منابع و مأخذ ۱۶۲

بخش اول : دانستنی‌های علمی پیرامون قاعدگی در قرآن، روایات و پزشکی

اشاره

یکی از مسائل مهمی که در زندگی زنان نقش مهمی دارد و اگر آن مسئله برای آنها به وجود نیاید افرادی مریض به حساب می آیند مسئله قاعدگی و رگل می باشد که در هر ماه زنان و دختران به آن مبتلا می شوند. در این مقاله بحث از این مسئله مهم و حیاتی زنان شده و زیانهای آمیزشی آن برای کسانی که در این دوره نزدیکی نمایند که از قرآن و پزشکی مباحثی را ارائه نموده ایم.

مقدمه

در قرآن واژه «یستلونک» بسیار آمده است و این واژه هر کدام پیرامون موضوعهای مهمی می باشد که خداوند با پیامبرش در میان نهاده است. مثلاً می فرماید:

«یستلونک عن المحيض، یستلونک عن الروح، یستلونک عن الخمر والمیسر و...»

« ای رسول خدا از تو درباره حیض، روح و شراب و قمار می پرسند. و...»

در این بخش یکی از احکام زنان به نام حیض، رگل و یا قاعدگی است و آثار نزدیکی کردن در این زمان که هر فرقه ای برای خود عقیده ای دارد را بیان می فرماید مثلاً یک فرقه می گوید در این زمانی که زن مریض است اصلاً نباید سراغ زن رفت حتی نباید با او هم غذا شد و فرقه دیگری می گوید: باید با زن هم غذا، و هم حرف و حتی نزدیکی هم نمود و همه چیز را در این زمان حلال می داند ولی مسلمانان به پیروی از دین مقدس اسلام راه

اعتدال و میانه‌روی را پیش گرفته‌اند و در این زمان با زنان هم غذا، هم حرف و حتی در بستر هم با هم می‌خوابند ولی نزدیکی نمی‌نمایند. که همان دخول باشد که در این زمان بر زنان حرام می‌باشد که اگر کسی در این زمان با زنش مجامعت نماید باید کفاره پردازد که به احکام آن در آخر این بخش می‌پردازیم.

قاعدگی زنان از دیدگاه قرآن

اشاره

«وَيَسِيئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (۱)

«و از تو، در باره خون حیض سؤال می‌کنند، بگو: «چیز زیانبار و آلوده ای است؛ از این رو در حالت قاعدگی، از آنان کناره‌گیری کنید! و با آنها نزدیکی ننمایید، تا پاک شوند! و هنگامی که پاک شدند، از طریقی که خدا به شما فرمان داده، با آنها آمیزش کنید! خداوند، توبه‌کنندگان را دوست دارد، و پاکان را (نیز) دوست دارد.»

نکات ادبی آیه

۱ - «محيض» مصدر میمی از حاض یحیض حیضاً به معنای خون غلیظی است که از زنها در ایام عادت ماهانه بیرون می‌آید و اصل حیض در لغت به

معنای سیلان و جریان است. توجه کنیم که در آیه کلمه «محيض» دو بار تکرار شده که اولی مصدر میمی است و دومی اسم زمان است و علت تکرار هم همین است. در معجم مقاییس اللغه، آمده است که این واژه، در اصل به معنی خارج شدن آب قرمز از درختی است به نام سمره، (سپس به عادت ماهیانه زنان اطلاق شده است) ولی در تفسیر فخر رازی آمده که حیض در اصل به معنی سیل است، و لذا هنگامی که سیل جریان پیدا کند، گفته می شود حاض السیل، و حوض را نیز به همین مناسبت حوض می گویند که آب به سوی آن جریان پیدا می کند.

ولی از گفته راغب در مفردات عکس این استفاده می شود که این واژه در اصل به معنی همان خون عادت است (سپس به معانی دیگر اطلاق شده).

کلمه (محيض) مانند کلمه (حيض) مصدر (حاضت المراءه - تحيض) است، و معنایش جریان خون معروفی است که صفات مخصوصی دارد، و زنان حائض آن صفات را می شناسند، و چون این مصدر مختص زنان است لذا اسم فاعل آن را مذکر هم می آورند، و می گویند زن حائض، همچنانکه می گویند زن حامل.

۲- «اذی» به معنای رنج و آزار است چون زن در حال حیض در زحمت و آزار است.

و کلمه (اذی) - به طوری که گفته اند - به معنای ضرراست، لیکن این حرف قابل خدشه است، چون اگر اذیت ضرر بود، باید صحیح باشد در مقابل نفع استعمال شود، همانطور که کلمه ضرر در مقابل کلمه نفع استعمال می شود، و معلوم است که هیچ وقت به جای دواى مضر نمی گوئیم:

دوای موذی ، چون موذی یک معنای دیگری غیر مضر را افاده می کند و به همین جهت است که خدای تعالی فرموده : (لن یضروکم الا اذی).
 و اگر فرموده بود: (لن یضروکم الا ضررا) کلام فاسد می شد، و نیز اگر کلمه (اذیت) را به معنای ضرر بگیریم آنگاه در امثال آیه : «ان الذین یوذون الله و رسوله» و آیه : «لم توذوننی و قد تعلمون انی رسول الله الیکم»

دچار اشکال می شویم چون در اینگونه آیات کلمه (اذیت) ظهوری در معنای ضرر ندارد، پس ظاهر این است که کلمه (اذی) به معنای هر عارضه‌ای باشد برای چیزی که ملایم با طبع آن نباشد، که این معنا به وجهی منطبق با معنای ضرر نیز هست .

و اینکه محیض را اذی خوانده ، به همان معنائی است که گفتیم ، چون خون حیض که به عادت زنان مربوط است ، از عمل خاصی حاصل می شود که طبیعت زن در مزاج خون طبیعی زن انجام می دهد، و مقداری از خون طبیعی او را فاسد، و از حال طبیعی خارج نموده ، و به داخل رحم می فرستد، تا بدین وسیله رحم را پاک کند، و یا اگر جنین در آن باشد، با آن خون جنین را غذا دهد، و یا اگر بچه بدنیا آمده ماده اصلی برای ساختن شیر جهت کودک را آماده سازد.

و بنابر آن تفسیری که کلمه (اذی) را به معنای ضرر گرفتند، محیض را هم به معنای جمع شدن با زنان در حال حیض گرفته ، و در معنای آیه گفته اند: از تو می پرسند آیا در چنین حالی جایز است با زنان جمع شد؟ جواب داده شده این عمل ضرر است ، و درست هم هست چون پزشکان گفته اند: طبیعت زن در حال حیض سرگرم پاک کردن رحم ، و آماده

کردن آن برای حامله شدن است ، و جماع در این حال نظام این عمل را مختل می‌سازد، و به نتیجه این عمل طبیعی یعنی به حمل (و به رحم زن) صدمه می‌زند. (۱)

۳ - «اعتزال» کناره‌گیری و در اینجا کناره‌گیری از همبستر شدن.

۴ - «یطهرن» مضارع از طهر یطهر طهراً به معنای پاکی است و در اینجا به معنای قطع شدن خون حیض است و اگر «یطهرن» با تشدید خوانده شود به معنای غسل کردن است.

جمله یطهرن به گفته بسیاری از مفسران به معنی پاک شدن زنان از خون حیض است ، و اما جمله فاذا تطهرن را بسیاری به معنی غسل کردن گرفته‌اند، بنابراین طبق جمله اول ، به هنگام پاک شدن از خون ، آمیزش جنسی جایز است هر چند غسل نکرده باشد و طبق جمله دوم ، تا غسل نکند جایز نیست .

توضیح و تفسیر

«و یسئلونک عن المحیض...»: پرسش دیگری که از سوی برخی از مسلمانان مطرح شده بود، پاسخ داده می‌شود. پرسش درباره حیض و احکام آن است و پاسخی که داده می‌شود شامل بیان یکی از آثار طبیعی حیض و حکم خاص آن است. می‌دانیم که حیض خون غلیظی است که از زنها در ایام عادت ماهانه دفع می‌شود و از نظر فقهاء شیعه کمترین مدت آن سه روز و بیشترین مدت آن ده روز است و اگر کمتر یا بیشتر باشد به آن استحاضه

گفته می‌شود که حکمش با حکم حیض فرق دارد و خون حیض و استحاضه غیر از خون نفاس است که از زنها در حال زایمان دفع می‌شود.

در پاسخ به سؤال از حیض، چنین اظهار می‌دارد که حیض حالتی است که زن در آن حالت دچار ناراحتی و آزار و رنج است و بنابراین در این حالت باید آنها را به حال خود رها کرد و از همبستر شدن با آنها دوری نمود. اینکه می‌فرماید: از زنها در حال حیض کناره‌گیری کنید و به آنها نزدیک نشوید منظور همان پرهیز از همبستر شدن است به قرینه اینکه بلافاصله می‌فرماید: وقتی پاک شدند از همانجا که خدا فرمان داده در آید یعنی با آنها همبستر شوید.

این حکم اسلامی حد وسط میان یهود و نصاری است یهودی‌ها و همچنین اعراب جاهلی در حال حیض به کلی از زنها فاصله می‌گرفتند و با آنها غذا نمی‌خورند و در یک اطاق نمی‌خوابیدند و هر گونه تماسی را با آنها قطع می‌کردند و مانند یک مریض جذامی محل خواب و ظرفهای آنها را جدا می‌کردند. در مقابل آنها نصاری هیچ عکس‌العملی نشان نمی‌دادند و حتی در حال حیض با زنها همبستر می‌شدند. این افراط و تفریط‌ها به ضرر زنها بود کار یهود توهین به زنها و کار نصاری اذیت کردن به آنها بود.

اسلام حدّ وسط را برگزید و تنها همبستر شدن با زنها را ممنوع کرد که در حال حیض هم موجب رنج و اذیت زنها و هم باعث کثیف شدن خود آنها می‌شد و از این گذشته رحم زن در حال حیض نوعی شستشو می‌شود و با دفع خونهای کثیف، آماده برای حاملگی می‌شود و همبستر

شدن در این حال علامه بر کثافت ظاهری ممکن است به کارهای طبیعی رحم و فعالیت‌های آن آسیب برساند و موجب بیماری زن شود.

این حکم تا وقتی ادامه دارد که زنها پاک شوند ولی باید دید که منظور از پاک شدن آنها چیست؟ آیا منظور قطع خون حیض است یا منظور انجام غسل حیض است؟ اگر کلمه «یَطْهَرْنَ» را بدون تشدید بخوانیم همانگونه که در قرائت معمول قرآن آمده است، منظور از آن قطع خون حیض است و چون خون قطع شد اگر چه غسل نکرده باشد ممنوعیت برداشته می‌شود ولی اگر این کلمه را «یَطْهَرْنَ» با تشدید بخوانیم، منظور انجام غسل است و تا غسل حیض را انجام نداده ممنوعیت باقی است. و این قرائتها هر دو متواتر است و لذا میان فقهاء در این مسأله اختلاف نظر وجود دارد ولی به نظر می‌رسد که وجه دوم موافق با احتیاط است و ضمناً در جمله بعدی آیه آمده است: «فاذا تطهرن» که جواز همبستر شدن را به «تطهر» یعنی همان غسل کردن تعلیق نموده است.

پس از حصول پاکی از حیض، آیه فرمان می‌دهد از آنجا که خدا دستور داده در آئید یعنی در همبستر شدن با زنها موازین شرعی را رعایت کنید و تنها در فکر اطفاء شهوت نباشید. در پایان می‌فرماید: خداوند بسیار توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست می‌دارد. اشاره به اینکه اگر در اثر طغیان شهوت در حال حیض با زنان خود همبستر شدید و مرتکب این معصیت شدید از این عمل توبه کنید و خود را از آلودگی‌های ظاهری و باطنی پاک نمایید که خدا توبه کنندگان و پاکان را دوست می‌دارد. (۱)

زیان‌های آمیزشی در حال حیض

قاعدگی، همان خون است که قرآن، آن را اذی (چیز آلوده یا زیان آور) معرفی کرده است، و در حقیقت این جمله، فلسفه حکم اجتناب از آمیزش جنسی زنان را در حالت قاعدگی که در جمله بعد آمده است بیان می‌کند، زیرا آمیزش در چنین حالتی، علاوه بر اینکه تنفرآور است، زیان‌های بسیاری به بار می‌آورد که طب امروز نیز آن را اثبات کرده، از جمله احتمال عقیم شدن مرد و زن، و ایجاد یک محیط مساعد برای پرورش میکرب بیماری‌های آمیزشی (مانند سفلیس و سوزاک) و نیز التهاب اعضاء تناسلی زن و وارد شدن خون آلوده به داخل عضو تناسلی مرد و غیر اینها که در کتب طب آمده است، لذا پزشکان، آمیزش جنسی با چنین زنانی را ممنوع اعلام می‌کنند. (۱)

پزشکی قاعدگی

سندرم پیش از قاعدگی مشکلی که جدی گرفته نمی‌شود

مسائل بهداشتی زنان ارتباط تنگاتنگی با سلامت و احساس آرامش در خانواده و به تبع آن در جامعه دارد. سیکل ماهانه یکی از مسائل مهم زنان در دوران باروری است که روحیات و مسائل بهداشتی آنها به شدت به آن وابسته است. زنان در طول باروری خود حدود ۴۲۰ سیکل ماهانه را تجربه می‌کنند. از هر ۳ زن ۲ نفر قبل از شروع عادت ماهانه دچار مشکلات جسمی و روحی می‌شوند که در فعالیتهای اجتماعی آنها وقفه ایجاد می‌کند. بیش از ۲۰۰

علامت برای این سندرم شناخته شده است که از جمله این علائم می توان به سر درد، کمردرد، ورم، آکنه، بدگمانی، خشونت، زودرنجی، کاهش اعتماد به نفس و حتی در موارد شدید اقدام به خودکشی را نام برد. نتایج مطالعات انجام گرفته در ایران نشان می دهد کاهش کارایی و لذت بردن از فعالیت های اجتماعی از جمله عواملی هستند که بیشترین تداخل را با عملکرد فردی- اجتماعی ایجاد می کنند. این در حالی است که بسیاری از بانوان در کشور ما این سندرم را طبیعی می دانند. اگر شما نیز مبتلا به PMS هستید دانستن این موضوع که بسیاری از زنان مانند شما به این اختلال مبتلا هستند و مشکل یک نقص به مشار نمی رود می تواند شما را امیدوارتر کند. هنوز علت این مشکل به درستی مشخص نیست اما بر هم خوردن تعادل بین هورمون های جنسی زنانه و کمبود برخی مواد مغذی از جمله دلایلی هستند که تاکنون شناخته شده اند. دکتر معصومه خیرخواه عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران، در گفتگو با خبرنگار بهداشت و درمان ایسنا بر خورداری از برنامه ورزشی مناسب، رژیم غذایی کم نمک و کم کافئین، استفاده از ترکیبات گیاهان دارویی مانند گل پامچال، رزماری، ملاس و تخم کتان، دریافت مکمل های حاوی ویتامین B6 و E را در بهبود علائم آزاردهنده سندرم پیش از قاعدگی مؤثر دانسته و می گوید: ترجیحاً افراد مبتلا به این نوع علائم بهتر است به منظور رد سایر بیماری هایی که دارای علائم مشابه هستند با پزشک خود مشاوره کنند. (۱)

تجربه‌ای برای هر ماه (اولین خون ریزی ماهانه)

اولین خون ریزی ماهانه، آغاز دوره جدیدی از زندگی یک دختر نوجوان است. آنچه در ظاهر رخ می‌دهد، نمایانگر دنیایی از تحولات در درون بدن اوست. در دوران جنینی یک جفت تخمدان با تعداد معینی فولیکول (کیسه‌هایی که تخمک در آنها تولید می‌شود) در بدن جنین تشکیل می‌شود. تعداد این فولیکول‌ها در دوران پس از تولد ثابت است و در هر سیکل ماهانه یک یا چند تا از این فولیکول‌ها آزاد و برای بارور شدن آماده می‌شوند. درون فولیکول‌ها سلول‌های اووسیت قرار دارند که تخمک‌های یک زن را تشکیل می‌دهند. در روز اول هر سیکل ۲۸ روزه با تخریب دیواره داخلی رحم و عروق خونی، خونریزی آغاز و از ضخامت این لایه کاسته می‌شود. این کاهش ضخامت تا حوالی روز دهم ادامه دارد و سپس به تدریج ضخامت دیواره افزایش می‌یابد. پروژسترون هورمونی است که کاهش آن در انتهای هر دوره، تخریب دیواره رحم و خونریزی مجدد را سبب می‌شود. ورمون استروژن نیز با افزایش ناگهانی در میانه دوره ماهانه، موجب افزایش میزان هورمون لوتئینی کننده (LH) می‌شود. به واسطه این هورمون و افزایش پروژسترون، دیواره رحم به بالاترین حد رشد خود می‌رسد و اگر در این دوران تخمک با اسپرم لقاح پیدا کند، این دیواره با عروق خونی فراوانی که پیدا کرده است جایگاه مناسبی برای پذیرش جنین و تغذیه آن خواهد بود. در غیر این صورت تغییرات هورمونی موجب تخریب دیواره رحم و آغاز مجدد دوره می‌شود. (۱)

منشا پیدایش رگل

منشا پیدایش خون حیض، مربوط به احتقان و پر خون شدن عروق رحم، سپس پوسته پوسته شدن مخاط آن، و جریان خون... های موجود است، ترشح خون مزبور، ابتداء نامنظم و بی رنگ است، ولی بزودی سرخ رنگ و منظم می شود و در اواخر کار بار دیگر کم رنگ و نامرتب می گردد.

اصولا- خونی که هنگام عادت ماهیانه دفع می شود، خونی است که هر ماه در عروق داخلی رحم، برای تغذیه جنین احتمالی جمع می گردد، زیرا میدانیم رحم زن در هر ماه تولید یک تخمک می کند، و مقارن آن عروق داخلی رحم به عنوان آماده باش برای تغذیه نطفه مملو از خون می شود، اگر در این موقع که تخمک وارد رحم می شود، اسپرم که نطفه مرد است در آنجا موجود باشد، تشکیل نطفه و جنین می دهد و خونهای موجود در عروق رحم صرف تغذیه آن می شود، در غیر این صورت، بر اثر پوسته پوسته شدن مخاط رحم، و شکافتن جدار رگها، خون موجود خارج می شود و این همان خون حیض است، و از اینجا دلیل دیگری برای ممنوع بودن آمیزش جنسی در این حال به دست می آید، زیرا رحم زن در موقع تخلیه این خونها هیچ گونه آمادگی طبیعی برای پذیرش نطفه ندارد و لذا از آن صدمه می بیند.

دستور عادلانه اسلام در مورد عادت ماهیانه زنان

اقوام پیشین در مورد زنان در عادت ماهیانه عقائد مختلفی داشتند: یهود فوق العاده سخت گیری می کردند و در این ایام به کلی از زنان در همه چیز جدا می شدند، در خوردن و آشامیدن و مجلس و بستر، و در تورات کنونی احکام شدیدی در این باره دیده می شود.

و به عکس آنها مسیحیان هیچ گونه محدودیت و ممنوعیتی برای خود، در برخورد با زنان، در این ایام قائل نبودند، و اما بت پرستان عرب، دستور و سنت خاصی نزد آنها در این زمینه یافت نمی شد، ولی ساکنان مدینه و اطراف آن، بعضی از آداب یهود را در این زمینه اقتباس کرده بودند، و در معاشرت با زنان در حال حیض، سختگیریهایی داشتند، در حالی که سایر عرب چنین نبودند، و حتی شاید آمیزش جنسی را در این حال جالب می دانستند و معتقد بودند اگر فرزندی نصیب آنها شود بسیار خونریز خواهد بود، و این از صفات بارز و مطلوب، نزد اعراب بادیه نشین خونریز بود.

ذکر طهارت و توبه در کنار یکدیگر در آیات فوق ممکن است اشاره به این باشد که طهارت، مربوط به پاکیزگی ظاهر، و توبه اشاره به پاکیزگی باطن است.

این احتمال نیز وجود دارد که طهارت در اینجا به معنی آلوده نشدن به گناه بوده باشد یعنی خداوند، هم کسانی را که آلوده به گناه نشده اند دوست دارد و هم کسانی که بعد از آلودگی توبه کنند، و در زمره پاکان در آیند.

ضمناً اشاره به مساله توبه در اینجا ممکن است ناظر به این باشد که بعضی بر اثر فشار غریزه جنسی نمی توانستند خویشتن داری کنند و بر خلاف امر خدا

به گناه آلوده می‌شدند، سپس از عمل خود نادم شده و ناراحت می‌گشتند، برای اینکه راه بازگشت را به روی خود بسته نبینند و از رحمت حق مایوس نشوند، طریق توبه را به آنها نشان می‌دهد. (۱)

زنان در هر ماه به مدت حد اقل سه روز و حد اکثر ده روز قاعده می‌شوند و آن عبارت از خونی است که با اوصاف خاصی که در کتب فقه آمده از رحم زن خارج می‌گردد، زن را در چنین حال حائض و آن خون را خون حیض می‌گویند، آیین کنونی یهود و نصارا احکام ضد یکدیگر در مورد آمیزش مردان با چنین زنانی دارند که برای هر کس حالت استفهام ایجاد می‌نماید

جمعی از یهود می‌گویند: معاشرت مردان با اینگونه زنان مطلقاً حرام است هر چند که به صورت غذا خوردن سر یک سفره و یا زندگی در یک اطاق باشد مثلاً می‌گویند جائی که زن حائض بنشیند مرد نباید بنشیند، اگر نشست باید لباس خود را بشوید و الانجس است، و نیز اگر در رختخواب او بخوابد لباس و بدن را باید شستشو دهد، به طور خلاصه زن را در این مدت یک موجود ناپاک و لازم الاجتناب می‌دانند.

در مقابل این گروه نصارا هستند که می‌گویند: هیچ گونه فرقی میان حالت حیض زنان و غیر حیض نیست، همه گونه معاشرت حتی آمیزش جنسی با آنان بی‌مانع است!

مشرکین عرب به خصوص آنها که در مدینه زندگی می‌کردند، کم و بیش به خلق و خوی یهود انس گرفته بودند و با زنان حائض مانند یهود رفتار می‌کردند و در زمان عادت ماهیانه از آنها جدا می‌شدند، همین اختلاف در آیین

و افراط و تفریط‌های غیر قابل گذشت سبب شد که بعضی از مسلمانان از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره سؤال کنند، در پاسخ آنان این آیه نازل شد.

روایات پیرامون قاعدگی (رگل، حیض)

علت پیدایش حیض در زنان

حضرت ابوجعفر علیه السلام فرمودند: دختران پیامبران صلوات الله علیهم اجمعین حیض نمی‌بینند، زیرا حیض عفونت و مؤاخذه می‌باشد و اولین زنی که حیض دید ساره می‌باشد. (۱)

حضرت زهرا علیها السلام خون حیض نمی‌دید

از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرمود: از حضرت سول سؤال شد که بتول چیست؟ ما از شما ای رسول خدا شنیدیم که فرموده‌اید: مریم بتول است و فاطمه بتول است.

حضرت پاسخ داد: بتول به آن زنی گفته می‌شود که هیچ‌گاه خونی نبیند، یعنی حیض نشود؛ زیرا حیض شدن در دختران پیامبر مکروه و ناپسند است. (۲)

حضرت باقر علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل می‌فرماید: فاطمه دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از آن جهت «طاهره» نامیده شد که از هر پلیدی و ناپاکی برکنار و از هر آلودگی پاک بود. او هیچ‌گاه خون حیض و نفاس ندید. (۳)

۱- علل الشرایع، ج ۱، باب ۲۱۵، ص ۹۱۳.

۲- فاطمه شادمانی دل پیامبر، فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفی، ص ۲۲۹.

۳- فاطمه شادمانی دل پیامبر، فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفی، ص ۲۲۹.

نظر صدر المتالهین قدس سره و علامه شعرانی قدس سره

درباره علت این ویژگی و کیفیت آن چنین می‌توان گفت: خداوند در عالم طبیعت سنت‌ها و قوانینی بر طبق نظام علی، علت و معلولی و اسباب و شرایطی دارد، همان گونه که حضرت صادق علیه السلام فرموده است:

«ابی الله ان یجری الاشیاء الا باسباب، فجعل لكل شیء سبباً»

خداوند از این که کارها از غیر طریق اسباب اجرا شود، ابا و امتناع داد و برای هر چیزی سببی قرار داده است.

صدرالمتالهین گوید: این مساله‌ای مهم است که مهمتر از آن وجود ندارد؛ زیرا مساله علیت اساس و پایه‌ی تمامی علوم است و علم توحید، خداشناسی، معاد، رسالت، امامت، روانشناسی و دیگر علوم قبل و بعد از آن، علم تهذیب اخلاق و علوم سیاسی و دیگر علوم، مبتنی بر این اساس است و با انکار این اصل و ممکن دانستن اراده‌ی جزاف - چنان که بیشتر اهل سنت بدان معتقدند(۱)

تمامی پایه‌های علم و یقین منهدم می‌شود.

علامه شعرانی در توضیح این گفتار ملاصدرا چنین گوید: اگر علیت از بین برود طبیب علت بیماری مریض را نمی‌داند، راه درمان او را تشخیص نخواهد داد و پزشکی به کلی از بین می‌رود، کشاورز نخواهد دانست که آبیاری و تابش خورشید علت رویش گیاهان است و امر کشاورزی باطل و بیهوده می‌گردد و دیگر نمی‌داند که چه باید بکند، صنعتگران نمی‌دانند

۱- مقصود اشاعره هستند که علیت را انکار و ترجیح بلامرجح را جایز دانسته اند.

که آیا ذوب شدن فلزات بر اثر حرارت است یا علتی دیگر دارد و خواه و ناخواه امور صنعت از بین می‌رود. و همچنین علم دین، زیرا هیچ کس نمی‌داند که نماز و زکات و دیگر دستورات دینی اسباب و عوامل سعادت اخروی می‌باشند و نمی‌داند که علت ارسال پیامبران و تعیین امامان و دیگر مسائل اعتقادی لطف پروردگار است... (۱)

بنابراین، لازم است برای هر رویداد مادی علت و عاملی باشد، همان‌طور که در هر جا آتش سوزی بینیم، بدون شک و تردید حکم می‌کنیم که آتشی و یا اصطکاک و یا عاملی وجود داشته است. همچنین می‌دانیم که زاد و ولد، به جز راه انتقال نطفه مرد به رحم زن (از جمله تلقیح نطفه مرد و زن در خارج رحم به صورت مصنوعی) و سیر تکاملی آن تا وقتی که به صورت جنینی در آید، ممکن نیست و می‌بایست زوج و زوجه جوان دارای اعتدال مزاج باشند، شوهر پیرمردی فرتوت و زن نیز پیره زنی از کارافتاده نباشد که از فرط زمین گیر شده باشد و یا اینکه یائسه و نازا باشد و همچنین دیگر شرایط لازمه ...

آری نظام علیت و معلولیت، سببیت و مسببیت قانونی فراگیر در تمامی ممکنات است، اما نه بدان گونه که دست قانونگذار را بسته باشد و از دخالت و تصرف در ملک خویش به گونه‌ای دیگر بازش داشته باشد، چنانکه قرآن مجید در پاسخ به قوم یهود می‌گوید: بلکه دست‌های خداوند متعال باز و گشوده است و به هر گونه که بخواهد دخالت کرده اشیاء را دگرگون می‌سازد. و همان قانون عام و فراگیر، تحت قدرت قاهره و اراده

۱- به حاشیه شرح مولی صالح مازندرانی قدس سره بر اصول کافی، ج ۵، ص ۱۶۸ مراجعه کنید.

مسلط او خاضع و سرسپرده است، چنانکه این مطلب از فرمایش مولایمان حضرت علی بن الحسین علیهما السلام استفاده می... شود و در آنجا که فرمود:

« ذلت لقدرتك الصعاب و تسبب بلطفك الاسباب» (۱)

یا اینکه در برخی از دعاهای دیگر آمده است:

« یا مسبب الاسباب من غیر سبب»

و همچنین در قرآن مجید داستان‌ها و حکایات و رویدادهایی نقل شده که بر طبق جریان عادی و مشهور طبیعت و بر طبق نظام علت و معلولی نیست، مانند حامله شدن حضرت مریم علیها السلام در حالی که دست هیچ انسانی به او نرسیده بود و یا همانند حامله شدن ساره به اسحاق علیه السلام زمانی که پیر و از کار افتاده بود، و یا باردار شدن زن زکریا علیه السلام به یحیی علیه السلام با اینکه یائسه شده بود و نمونه‌هایی دیگر از این قبیل معجزات و خوارق عادات که قرآن مجید برای عده‌ای از پیامبران بزرگ اثبات می‌کند، مانند معجزات حضرت نوح، هود، صالح، ابراهیم، لوط، داوود، سلیمان، موسی و عیسی و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، که همه آنها امور خارق العاده و بر خلاف جریان معمولی طبیعت بودند. (۲)

۱- صحیفه سجادیه، دعای هفتم: سخنی در مقابل قدرت تو رام و مطیع گشته و اسباب و علل به لطف تو سبب شده‌اند.

۲- مخفی نماند که معجزه از نظام علت بیرون نیست، بلکه خود دارای علل و اسبابی است که برای ما تازگی دارد و از قبل شناخته شده نیست. معجزه خارق عادت است نه خارق علل و اسباب.

با توجه به این گفتار برای خوانندگان گرامی بطلان این سخن ثابت می‌شود که گفته‌اند: حیض در زنان از لوازم خلقت است و نبود آن در یک زن نقصانی در خلقت او به شمار می‌آید و عادت ماهانه نشانه و سببی است برای زایمان و باردار بودن، زیرا می‌گوئیم: خروج از تنگ‌های طبیعت نقص شمرده نمی‌شود، بلکه چه بسا خود کرامتی محسوب شود. به علاوه، خون حیض خود نوعی آلودگی و نجاست است و خداوند آن را موجب آزار و اذیت دانسته چنانکه می‌فرماید: «قل هو اذی» (۱) که ناپاکی و آلودگی آن موجب آزار است، زیرا زنان به هنگام بروز عادت ماهانه دچار خجالت و سرافکنندگی می‌شوند و خوششان نمی‌آید که به همه کس، هر چند نزدیکترین افراد فامیل باشد، گفته شود. گاهی هم ضعف و سستی در آنها به وجود می‌آید و به همین جهت در این ایام نماز و روزه از آنها ساقط می‌شود و ایستادن و توقف در مساجد بر آنها حرام می‌... گردد و دیگر احکامی که در کتب فقهی ذکر شده، تا جایی که گفته شده در آن دوران از ایمانشان کاسته شده و «ناقصه... الایمان» می‌شوند، چنانکه حضرت علی علیه السلام این مطلب را فرموده‌اند: «نقصان ایمان آنان به خاطر رفع تکلیف نماز و روزه در ایام عادت ماهانه‌شان می‌باشد» (۲).

بنابراین، خداوند متعال بر بانوی جهان حضرت فاطمه علیها السلام تفضل کرده و او را کرامت بخشیده است که بتواند بدون دیدن خون حیض مبتلا شدن به عادت ماهانه به طور کامل و صحیح زایمان کند و این خود فضیلتی والا و پاکی فوق العاده‌ای در ذات پاک آن حضرت که سلام و درود خداوند بر او

۱- بقره / ۲۲۲.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۷۸.

باد بوده است و خود نشان از آن دارد که خداوند متعال راضی نشده است که آن حضرت، که بانوی زنان جهان از اولین و آخرین است، به این پلیدی و یا دیگر ناپاکی‌های ظاهری و باطنی آلوده باشد، همان‌گونه که درباره آن حضرت فرمود:

« انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيراً » (۱)

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که به عایشه فرمود: ای حمیرا! فاطمه مانند دیگر زنان آدمیزاد نیست. او مانند دیگران معلول و بیمار نمی‌شود. (۲)

روایات درباره حضرت زهرا علیها السلام که خون حیض و نفاس نمی‌دیدند بسیار است ما به همین‌ها بسنده می‌نماییم).

کسانی که خواهان تفصیل بیشتری در این مورد هستند می‌توانند به کتاب «الامام علی بن ابی طالب»، اثر آیت الله شیخ احمد رحمانی همدانی قدس سره در بحث آیه تطهیر مراجعه کنند.

حیض نجاست و پلیدی در زنهاست

حضرت ابو جعفر محمد بن علی علیهما السلام فرمودند:

حیض نجاست و پلیدی است که حق تعالی در زنان قرار داده، سپس فرمودند: در زمان حضرت نوح علیه السلام زنان در هر سال یک بار حیض می‌دیدند تا اینکه جماعتی از زنان که تعدادشان هفتصد نفر بود از حجاب بیرون آمدند و رها و

۱- احزاب / ۳۳.

۲- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۶.

آزاد گشته، لباس‌های سرخ پوشیده و خود را زینت کرده و معطر ساختند و سپس در بلاد و شهرها پراکنده شدند، با مردان همنشین شده و در اعیاد با آنها همراه بوده و در صفوف آنها در آمده و کاملاً با مردان آمیزش پیدا نمودند در چنین وقتی حق تعالی آنها را مبتلا ساخت به دیدن حیض در هر سال، خون حیض این زنان از آنها جاری گشت لذا مجبور شدند که از بین مردان خارج شوند، همان طوری که ذکر شد ایشان در هر ماه یک بار حیض می دیدند حضرت فرمودند: خداوند تبارک و تعالی ایشان را مشغول به حیض و کثرت شهوتشان فرمود و سایر زنان که عمل ایشان را انجام نداده بودند در هر سال یک بار حیض می شدند، سپس حضرت فرمودند:

پسران آن زنان که در هر ماه حیض می شدند با دختران این زنان که سالی یک مرتبه به آن مبتلا می گردیدند ازدواج نموده و بدین ترتیب بین طائفه امتزاج برقرار گردید و دخترانی که از این وصلت و ازدواج متولد شدند جملگی در هر ماه یک بار حیض می دیدند باری فرزندان زنانی که در هر ماه یک بار حیض می شدند زیاد گردیدند و جهتش آن بود که حیض آنها مستقیم و متعادل بود و در مقابل زنانی که در هر سال یک بار حائض می شدند چون مبتلا به فساد خون بودند فرزندانشان کم بود و از این رو نسل آن زنان زیاد و نسل این‌ها اندک گردید. (۱)

۱- علل الشرایع، ج ۱، باب ۲۱۵، ص ۹۱۵، من لا یحضر الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۹.

سر این که جایز نیست زن حائض خضاب کند

ابوبکر حضرمی می گوید از حضرت ابی عبدالله علیه السلام پرسیدم: آیا زن حائض خضاب بکند؟

حضرت فرمودند: خیر زیرا از شیطان بر او خوف و هراس می باشد. (۱)

سر اینکه زن حامل حیض نمی شود

حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمودند: سلمان (رحمه الله علیه) از حضرت علی علیه السلام راجع به روزی فرزند مادامی که در شکم مادرش هست پرسید؟

حضرت فرمودند: خداوند تبارک و تعالی خون حیض را حبس کرد پس آن را رزق و روزی فرزند در شکم مادر قرار داد. (۲)

سر این که جایز نیست جنب و حائض موقع تلقین میت حاضر باشند

امام صادق علیه السلام فرمودند: زن حائض و شخص جنب هنگام تلقین میت حاضر نشوند؛ زیرا فرشتگان که حضور دارند از این دو آزار و اذیت می شوند. (۳)

اسماعیل جعفی گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: مغیره گمان می کند که زن حائض همچنان که روزه اش را قضا می کند، نمازش را نیز باید قضا نماید؟

۱- علل الشرایع، ج ۱، باب ۲۱۸، ص ۹۱۹.

۲- علل الشرایع، ج ۱، باب ۲۱۹، ص ۹۱۹.

۳- علل الشرایع، ج ۱، باب ۲۳۶، ص ۹۳۹.

حضرت فرمود: چه شده به او؟ خدای موفّقش ننماید، همانا زن عمران گفت: «خدایا! آنچه در رحم دارم بر تو نذر کردم که «محرّر» (و آزاد برای خدمت به خانه تو) باشد» و آنکه به مسجد نذر شده هرگز از آن خارج نمی‌شود، چون او مریم را زائید. گفت: «خدایا من او را دختر آوردم... و پسر همانند دختر نیست».

و چون زائید او را به مسجد برد، و چون به سن زنها رسید و زن شد از مسجد بیرون برده شد، پس او چه وقت پیدا می‌کرد تا نمازهایش را قضا نماید، و حال آن که همه عمرش در مسجد بود؟ (۱)

عذاب زنی که وقتی پاک شد غسل ننماید

در ضمن حدیث طولانی به هنگامی که رسول خدا در شب معراج زنانی را مشاهده فرمود که به انواع عذاب‌ها گرفتار شده بودند، حضرت فاطمه علیها السلام عرض کرد: ای حبیب من و ای نور چشم من مگر کار و رفتار این زنها چه بود که خداوند این گونه عذابها را بر آنها مقرر داشت؟ رسول خدا فرمود: ... و آن کسی که دست و پایش به هم بسته شده بود و مارها و عقربها بر او مسلط شده بودند، به خاطر آن بود که جامه‌هایش چرکین و وضو ساختنش با بدن نجس بود و از جنابت و حیض غسل نکرده و رعایت نظافت نمی‌نمود و نماز را سبک می‌شمرد. (۲)

۱- پرسش‌های مردم و پاسخهای امام باقر ۷، ص ۵۱۶.

۲- فاطمه زهرا شادمانی قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ص ۴۳۴.

روزی فرزند در شکم مادر

سلمان فارسی - رحمه الله علیه - از امیر المؤمنین علیه السلام پرسید در باره روزی طفل در شکم مادرش، آن حضرت فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی خون حیض را حبس می کند و آن را روزی او در شکم مادرش قرار می دهد.

و زن آستن هر گاه خون مشاهده کرد نماز را ترک می کند چه بسا اتفاق می افتد که زن باردار خون دفع می کند و آن زمانی است که خون بسیار و سرخ رنگ می بیند و اگر خونی که دیده کم و زرد رنگ باشد باید نماز خود را بخواند و جز وضو چیز دیگری بر او واجب نیست، و زن حائض هنگامی که پاک شد قضای روزه بگردن اوست ولی قضای نماز بر او لازم نیست و در این امر دو علت وجود دارد یکی اینکه: مردم بدانند سنت مورد قیاس واقع نمیشود، و دیگر اینکه: روزه تنها یکماه در سال است ولی نماز در هر شبانه روز واجب است. به این جهت خدای عزّ و جلّ قضای روزه را بر ایشان واجب ساخت و قضای نماز را واجب نگردانید.

و جایز نیست (کراهت شدید دارد) جنب و حائض به هنگام احتضار بر بالین محتضر حضور یابند زیرا فرشتگان با بودن آن دو مورد آزار واقع می شوند.

و اشکالی ندارد که غسل او را انجام دهند و بر او نماز بخوانند، ولی درون قبر او نروند، پس اگر به ناچار بر بالین او حاضر بودند هنگام خروج جان از بدنش از آنجا بیرون بروند. (۱)

۱- من لا یحضره الفقیه، ترجمه؛ ج ۱، ص ۱۲۳-۱۲۴.

مجامعت در حال حیض

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس با همسر خویش در حال حیض مجامعت نماید و فرزندش با بیماری جذام یا برص و پیسی متولد شود جز خود کسی را ملامت نکند. (۱)

احکام حیض، از رساله آیت الله فاضل لنکرانی قدس سره

حیض خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زنها خارج می شود و زن را در موقع دیدن خون حیض، حائض می گویند.

مسأله ۴۲۷: خون حیض در بیشتر اوقات، غلیظ و گرم و رنگ آن سرخ مایل به سیاهی یا سرخ تیره است و با فشار و کمی سوزش بیرون می آید.

مسأله ۴۲۸: زندهای سیّده بعد از تمام شدن شصت سال قمری یائسه می شوند یعنی خون حیض نمی بینند و زندهایی که سیّده نیستند، بعد از تمام شدن پنجاه سال قمری یائسه می شوند.

مسأله ۴۲۹: خونی که دختر پیش از تمام شدن نه سال قمری و زن بعد از یائسه شدن می بیند حیض نیست.

مسأله ۴۳۰: زن حامله و زنی که بچه شیر می دهد، ممکن است حیض ببیند.

مسأله ۴۳۱: دختری که نمی داند نه سالش تمام شده یا نه اگر خونی ببیند که نشانه های حیض را نداشته باشد حیض نیست، بلکه حتی اگر نشانه های حیض را داشته باشد نمی شود گفت حیض است.

مسأله ۴۳۲: زنی که شك دارد يائسه شده يا نه، اگر خونی ببیند و نداند حیض است یا نه باید بنا بگذارد که يائسه نشده است.

مسأله ۴۳۳: مدت حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نمی‌شود و اگر مختصری هم از سه روز کمتر باشد، حیض نیست.

مسأله ۴۳۴: باید سه روز اول حیض پشت سرهم باشد، پس اگر مثلاً دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند حیض نیست.

مسأله ۴۳۵: لازم نیست در تمام سه روز خون بیرون بیاید، بلکه اگر در ابتدا، خون بیرون بیاید ولی بعداً در فرج خون باشد کافی است، و چنانچه در بین سه روز مختصری پاک شود و مدت پاک شدن به قدری کم باشد که بگویند در تمام سه روز در فرج خون بوده باز هم حیض است.

مسأله ۴۳۶: لازم نیست شب اول و شب چهارم را خون ببیند ولی باید در شب دوم و سوم خون قطع نشود، پس اگر از طلوع آفتاب روز اول تا غروب روز سوم پشت سرهم خون بیاید، یا در وسطهای روز اول شروع شود و در همان موقع از روز چهارم قطع شود و در شب دوم و سوم هم هیچ خون قطع نشود، حیض است.

مسأله ۴۳۷: اگر سه روز پشت سرهم خون ببیند و پاک شود، چنانچه دوباره خون ببیند و روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده روی هم از ده روز بیشتر نشود روزهایی هم که در وسط پاک بوده حیض است.

مسأله ۴۳۸: اگر خونی ببیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد و نداند خون دمل است یا خون حیض، چنانچه نداند دمل در طرف چپ است یا طرف راست در صورتی که ممکن باشد مقداری پنبه داخل کند و

بیرون آورد پس اگر خون از طرف چپ بیرون آید، خون حیض است و اگر از طرف راست بیرون آید خون دمل است.

مسأله ۴۳۹: اگر خونی ببیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد و نداند خون حیض است یا زخم، اگر قبلاً حیض بوده حیض و اگر پاک بوده پاک قرار دهد، و چنانچه نمی‌داند پاک بوده یا حیض همه چیزهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و همه عبادت‌هایی که زن غیر حائض انجام می‌دهد به جا آورد.

مسأله ۴۴۰: اگر خونی ببیند و شک کند که خون حیض است یا نفاس، چنانچه شرایط حیض را داشته باشد، باید حیض قرار دهد.

مسأله ۴۴۱: اگر خونی ببیند و نداند خون حیض است یا بکارت، باید خود را واریسی کند، یعنی مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند بعد بیرون آورد پس اگر اطراف آن آلوده باشد، خون بکارت است و اگر به همه آن رسیده، حیض است.

مسأله ۴۴۲: اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود و بعد از سه روز دوباره خون ببیند، و سه روز ادامه داشته باشد خون دوّم حیض است و خون اوّل حیض نیست.

احکام حائض

مسأله ۴۴۳: چند چیز بر حائض حرام است:

اوّل: عبادت‌هایی که مانند نماز باید با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود، ولی بجا آوردن عبادت‌هایی که وضو و غسل و تیمم برای آنها لازم نیست، مانند نماز میت، مانعی ندارد.

دوم: تمام چیزهایی که بر جنب حرام است و در احکام جنابت گفته شد.

سوم: جماع کردن در فرج، که هم برای مرد حرام است و هم برای زن، اگرچه به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید بلکه احتیاط واجب آن است که مقدار کمتر از ختنه گاه را هم داخل نکند و وطی کردن در دُبر زن حائض، اگر راضی باشد، کراهت شدید دارد.

مسئله ۴۴۴: جماع کردن در روزهایی هم که حیض زن قطعی نیست ولی شرعاً باید برای خود حیض قرار دهد حرام است. پس زنی که بیشتر از ده روز خون می بیند و باید به دستوری که بعداً گفته می شود روزهای عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، شوهرش نمی تواند در آن روزها با او نزدیکی نماید.

مسئله ۴۴۵: اگر شماره روزهای حیض زن به سه قسمت تقسیم شود و مرد در قسمت اول آن، با زن خود در قُبُل جماع کند، بنابر احتیاط واجب باید هیجده نخود طلا کفاره به فقیر بدهد و اگر در قسمت دوم جماع کند، نه نخود طلا و اگر در قسمت سوم جماع کند، باید چهار نخود و نیم بدهد. مثلاً زنی که شش روز خون حیض می بیند، اگر شوهرش در شب یا روز اول و دوم با او جماع کند باید هیجده نخود طلا بدهد و در شب یا روز سوم و چهارم نه نخود و در شب یا روز پنجم و ششم باید چهار نخود و نیم بدهد.

مسئله ۴۴۶: وطی در دُبر زن حائض، کفاره ندارد.

مسئله ۴۴۷: اگر قیمت طلا در وقتی که جماع کرده با وقتی که می خواهد به فقیر بدهد فرق کرده باشد، باید قیمت وقتی را که می خواهد به فقیر بدهد حساب کنید.

مسئله ۴۴۸: اگر کسی هم در قسمت اول و هم در قسمت دوم و هم در قسمت سوم حیض، با زن خود جماع کند، باید هر سه کفاره را که روی هم سی و یک نخود و نیم می شود بدهد.

مسئله ۴۴۹: اگر انسان بعد از آن که در حال حیض جماع کرده و کفاره آن را داده دوباره جماع کند باز هم باید کفاره بدهد.

مسئله ۴۵۰: اگر با زن حائض چند مرتبه جماع کند و در بین آنها کفاره ندهد احتیاط واجب آن است که برای هر جماع یک کفاره بدهد.

مسئله ۴۵۱: اگر مرد در حال جماع بفهمد زن حائض شده، باید فوراً از او جدا شود و اگر جدا نشود بنا بر احتیاط واجب باید کفاره بدهد.

مسئله ۴۵۲: اگر مرد با زن حائض زنا کند یا با زن حائض نامحرمی به گمان این که عیال خود او است جماع نماید، احتیاط واجب آن است که کفاره بدهد.

مسئله ۴۵۳: کسی که نمی تواند کفاره بدهد بنا بر احتیاط باید به اندازه سیرشدن یک فقیر گرسنه: صدقه بدهد و اگر نمی تواند استغفار کند و هروقت توانست باید کفاره را بدهد.

مسئله ۴۵۴: طلاق دادن زن در حال حیض، به طوری که در کتاب طلاق گفته می شود باطل است.

مسئله ۴۵۵: اگر زن بگوید: حائضم یا از حیض پاک شده ام، باید حرف او را قبول کرد.

مسئله ۴۵۶: اگر زن در بین نماز حائض شود، نماز او باطل است.

مسئله ۴۵۷: اگر زن در بین نماز شک کند که حائض شده یا نه، نماز او صحیح است ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز حائض شده نمازی که خوانده باطل است.

مسأله ۴۵۸: بعد از آن که زن از خون حیض پاک شد، واجب است برای نماز و عبادت‌های دیگری که باید با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود، غسل کند. و دستور آن مثل غسل جنابت است ولی برای نماز پیش از غسل یا بعد از آن بهتر است وضو هم بگیرد و اگر پیش از غسل وضو بگیرد افضل است.

مسأله ۴۵۹: بعد از آن که زن از خون حیض، پاک شد، اگرچه غسل نکرده باشد، طلاق او صحیح است، و شوهرش هم می‌تواند با او جماع کند، ولی احتیاط مستحب آن است که پیش از غسل از جماع با او خودداری نماید. اما کارهای دیگری که در وقت حیض بر او حرام بوده مانند توقف در مسجد و مس خط قرآن، تا غسل نکند بر او حلال نمی‌شود.

مسأله ۴۶۰: اگر آب برای غسل کافی نباشد ولی به اندازه‌ای باشد که بتواند وضو بگیرد، باید وضو بگیرد و عوض غسل تیمم نماید، و اگر به اندازه هیچ یک از آنها آب ندارد، باید دو تیمم کند، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو.

مسأله ۴۶۱: نمازهای یومی‌ای که زن در حال حیض نخوانده قضا ندارد. ولی روزه‌های واجب را باید قضا نماید.

مسأله ۴۶۲: هرگاه وقت نماز داخل شود و بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد حائض می‌شود باید فوراً نماز بخواند.

مسأله ۴۶۳: اگر زن نماز را تأخیر بیندازد و از اوّل وقت به اندازه انجام واجبات یک نماز بگذرد و حائض شود، قضای آن نماز بر او واجب است، ولی در تند خواندن و کند خواندن و چیزهای دیگر باید ملاحظه حال خود را بکنند؛ مثلاً زنی که مسافر نیست اگر اول ظهر نماز نخواند، قضای

آن در صورتی واجب می شود که به مقدار خواندن چهار رکعت نماز به دستوری که گفته شد از اول ظهر بگذرد و حائض شود، و برای زنی که مسافر است گذشتن وقت به مقدار خواندن دو رکعت کافی است و نیز باید ملاحظه تهیه شرایطی را که دارا نیست بنماید. پس اگر به مقدار فراهم آوردن آن مقدمات و خواندن یک نماز بگذرد و حائض شود قضا واجب است و گرنه واجب نیست.

مسئله ۴۶۴: اگر زن در آخر وقت نماز از خون پاک شود و به اندازه غسل و وضو و مقدمات دیگر نماز مانند تهیه کردن لباس یا آب کشیدن آن و خواندن یک رکعت نماز یا بیشتر از یک رکعت وقت داشته باشد، باید نماز را بخواند و اگر نخواند باید قضای آن را به جا آورد.

مسئله ۴۶۵: اگر زن حائض به اندازه غسل وقت ندارد ولی می تواند با تیمم نماز را در وقت بخواند آن نماز بر او واجب نیست، اما اگر گذشته از تنگی وقت تکلیفش تیمم است مثل آن که آب برایش ضرر دارد، باید تیمم کند و آن نماز را بخواند.

مسئله ۴۶۶: اگر زن حائض بعد از پاک شدن شک کند که برای نماز وقت دارد یا نه، باید نمازش را بخواند.

مسئله ۴۶۷: اگر به خیال این که به اندازه تهیه مقدمات نماز و خواندن یک رکعت وقت ندارد نماز نخواند و بعد بفهمد وقت داشته، باید قضای آن نماز را به جا آورد.

مسئله ۴۶۸: مستحب است زن حائض در وقت نماز، خود را از خون پاک نماید و پنبه و دستمال را عوض کند و وضو بگیرد و اگر نمی تواند وضو

بگیرد تیمم نماید و در جای نماز رو به قبله بنشیند و مشغول ذکر و دعا و صلوات شود.

مسأله ۴۶۹: خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن به حاشیه و مابین خط‌های قرآن و نیز خضاب کردن به حنا و مانند آن برای حائض مکروه است. (۱)

۱- توضیح المسائل آیت الله العظمی فاضل لنکرانی قدس سره.

بخش دوم : همجنس گرایی و همجنس بازی

اشاره

یکی از انحرافات که متأسفانه در این جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، جامعه‌ای که از همه طرف مورد تهاجم دشمنان داخلی و خارجی از طریق تبلیغات از رسانه‌ها، ماهواره‌ها، و فضای مجازی به جوان حمله می‌شود و این جوان را دارد از پای در می‌آورد و وارد منجلاب فساد می‌گردد به نام همجنس‌بازی و همجنس‌گرایی می‌باشد که این عمل در بعضی از زنان و مردان وجود دارد. که در مردان به آن لواط و در زنان به آن مساحقه می‌گویند. در این مقاله سعی شده که راه‌های مبتلا شدن به این پدیده خطرناک مورد بحث و بررسی قرار گرفته و راه‌های جلوگیری از این فعل، از روایات و منظر و دید جامعه‌شناسی مورد بحث و کنکاش قرار گرفته است امید است که مقبول در گاه احدیت واقع شود.

از آن جایی که قوانین اسلام برای بشر قوانینی تشریحی و تکوینی می‌باشد. و خلقت موجودات بر دو گونه است: گونه اول: مبنی بر تولد است و آنها حیواناتی هستند که خلقت آنها دو (نر و ماده) لازم ندارد بلکه روی عواملی آفریده می‌شوند بدون اینکه احتیاج به جفت دیگری داشته باشند.

گونه دوم: مبنی بر تولد است مثل انسان که خلقت آنها مبنی بر جفت‌گیری است خدا در این رقم حیوانات ماده‌ای به نام منی یا نطفه خلق کرده است هم در نر و هم در ماده و این دو ماده با هم مخلوط می‌شوند و تولید

مثل می‌کنند و اگر این دو ماده نباشند نسل آن حیوان منقطع می‌شود و برای این دو ماده در نر جای معین و مشخص قرار داده و در ماده هم همینطور و نیز محل معین و مشخصی برای اختلاط این دو ماده قرار داده و بعد از اختلاط هم جای معین و مشخصی برای نشو و نما قرار داده تا آن وقت که «مثل» از نظر خلقت کامل شود و غرض از خلقت این دو ماده (تولید مثل) به دست آید.

این: عالم خلقت تکوینی حیوانات توالدی هستند و اگر یکی از این مراتب جا به جا شود این نطفه که خدا خلق کرده برای بقاء نسل ضایع می‌شود. در حیوانات دیگر غیر انسان چون عقل ندارند عالم تشریح ندارند اما انسان چون عقل دارد علاوه بر عالم تکوین عالم تشریح هم دارد و عالم تشریح هم مثل عالم تکوین است و به اندازه سر سوزنی نباید جا به جا شود. اگر جابجا شد غرض از خلقت (تولید مثل) ضایع و کان لم یکن می‌شود انسان مسئول است و در عالم ازدواج اگر به همان ترتیب که در عالم تکوین گفته شد (البته با مجوز شرعی) رفتار شد غرض از خلقت (تولید مثل) تضییع نشده و انسان مسئول نیست و الا (اگر جابجا شد) مثل مساحقه و لواط و استمناء شد انسان مسئول است چون نطفه که خدا خلق کرده برای بقاء نسل آن را ضایع و کان لم یکن کرده علاوه می‌شود بر اینها عدم تمایل به جنس مخالف و تولید امراض گوناگون و عقیم شدن چون نطفه در غیر محل ریخته می‌شود و اسلام در مورد لواط مجازات سنگینی قرار داده حتی تا سر حد اعدام.

و در اینجا ما به راه‌های پیشگیری از این اعمال شنیع می‌پردازیم و مورد بحث و بررسی قرار داده این امور خطرناک را برای فردی که وارد آن صحنه شود و خود را به آن آلوده نماید و از راه روایات و جامعه‌شناسی و دیگر طرق دیگری به این مبحث پرداخته‌ایم و زمینه‌ای مبتلا- شدن به آن و راه‌های جلوگیری از آن بیان نموده‌ایم و راه‌های صحیح ارضای میل جنسی اشاره شده است.

فصل اول: ارضای میل جنسی

ارضای میل جنسی

انسان مجموعه‌ای از روح و بدن است و این دو بخش به نوبه خود نیازهایی دارند که باید به موقع رفع شود. نیازهای انسان مختلف و گوناگون است و در سطوح متفاوت ظاهر می‌گردد. «مزلو» نیازهای انسانی را بر اساس سلسله مراتب ویژه‌ای تنظیم کرده و معتقد است نیازهای جنسی بشر (مانند نیاز به غذا، آب، هوا و خواب) جزء نیازهای جسمانی محسوب می‌شود. او هم چون بسیاری از روان‌شناسان دیگر، ارضای میل جنسی را برای نسل بشر اساسی می‌داند. (۱)

تعریف ارضای میل جنسی

آنگاه که نیازی در انسان به وجود می‌آید، فرد آرامش و قرار ندارد تا این که آن نیاز بر طرف گردد. وقتی که نیازمندی برطرف شد، شخص راضی می‌شود و از تلاش برای رفع آن صرف نظر می‌کند. نیاز شکل گرفته

۱- تربیت جنسی در اسلام، ص ۱۱۳.

ممکن است واقعی باشد؛ همان گونه که ممکن است خیالی باشد؛ به این معنا که فرد در واقع نیازی ندارد؛ اما خیال می کند که نیازمند است. غریزه و میل جنسی نیز بخشی از غرایز انسانی است و هنگامی که در انسان شکل گرفت، باید آن را برآورده کرد؛ از این رو ارضای میل جنسی، عبارت است از رفع نیاز از غریزه. (۱)

راه‌های ارضای میل جنسی

انسان از راه‌های مختلفی می تواند نیاز جنسی خود را برطرف کند؛ اما صرف وجود راه‌های متنوع دلیل بر صحیح بودن همه آنها نیست؛ مثل این که کسی بخواهد از مکان مرتفعی پایین بیاید؛ او می تواند از نردبان، پله یا طناب استفاده کند و یا خود را از بالا به پایین بیندازد. این فرد از هر ابزاری استفاده کند، خواه ناخواه به پایین می رسد؛ اما این که چه ابزاری باشد و چگونه مورد استفاده قرار گیرد، فرق می کند. انسان برای ارضای نیاز جنسی خود راه‌های گوناگونی مانند ازدواج، همجنس بازی و خود ارضایی را پیش روی خود دارد؛ اما باید بنگرد که کدام یک از نظر شرعی، اجتماعی و قانونی صحیح است تا همان را برگزیده و از بقیه اجتناب کند. دین مبین اسلام انسان را به ارضای طبیعی غریزه جنسی از طریق ازدواج فرا خوانده است.

گاهی ارضا به وسیله موجود غیر زنده رخ می دهد؛ مثلاً لباس جنس مخالف می پوشد و از نظر جنسی لذت می برد. گاهی به وسیله موجود زنده

انجام می‌شود که این خود دو گونه است: گاهی با موجود زنده غیر انسان است و گاهی به وسیله انسان. آن‌گاه که بوسیله انسان است، دو صورت دارد: گاهی به وسیله خود فرد انجام می‌شود که «خودارضایی» نام دارد. خودارضایی در مردها به «استمناء» و در زن‌ها به «استشهاء» معروف است. گاهی ارضا به وسیله فرد دیگری تحقق می‌یابد؛ این هم دو قسم است:

۱- هر دو هم جنس باشند که به «هم جنس بازی» مشهور می‌باشد به این عمل در مردان «لواط» و در زنان «مساحقه» گفته می‌شود.

۲- غیر هم جنس باشد که در این صورت اگر عمل جنسی آن دو طبق موازین قانونی و شرعی صورت می‌گیرد، به آن «ازدواج»، اگر خارج از موازین و مقررات باشد، به آن «زنا» گفته می‌شود.

راه سالم ارضای میل جنسی

برای رشد و نمو، تولید، تکثیر و بقای نوع انسانی، شهوت‌های گوناگونی در انسان قرار داده شده است و باید به گونه‌ای که با هدف خلقت منافات نداشته باشد، آن‌ها را ارضا کرد. کسی که تشنه یا گرسنه است، آرامش ندارد؛ آن که نیاز به خواب دارد، قرار ندارد تا این که این میل ارضا شود.

کسی که میل جنسی در او شکل گرفته، باید آن را ارضا کند تا به سکون و آرامش برسد. سخن در این است که آیا اصل اولی در مورد نیازهای طبیعی (مانند آن‌ها خوردن و آشامیدن و نیاز جنسی) و عدم آن سرکوب، کنترل و تعدیل آنها اصل ثانوی به حساب می‌آید و یا بر عکس، اصل این

است که انسان غرایز و امیال خود را سرکوب کند و از روی ناچاری و اضطرار آن‌ها را ارضا نماید؟^(۱)

آیت الله ابراهیم امینی معتقد است:

نیاز جنسی مانند نیاز به آب و غذاست. مگر به یک انسان گرسنه یا تشنه می‌توان گفت: از خوردن آب و غذا خودداری کن؟ مگر کار دیگری حتی ورزش و تفریح و بازی می‌تواند انسان گرسنه و تشنه را از فکر غذا و آب منصرف سازد؟ نیاز جنسی مانند گرسنگی و تشنگی؛ بلکه به مراتب شدیدتر و نیرومندتر از آن‌ها می‌باشد. اگر از طریق مشروع ارضا نشد، ممکن است جوان را به سوی انحراف و گناه بکشد و مهار کردن آن بسیار دشوار است... بر فرض این که جوان توانست با نیروی ایمان و عفت و حیاء غریزه نیرومند جنسی را مهار کند و دامن خود را به گناه آلوده نسازد؛ اما با عواقب سوء روانی و جسمانی آن چه باید کرد؟ بنابر این در سنین معین جز ازدواج چاره‌ای نیست.^(۲)

از ظاهر آیات و روایات نیز استفاده می‌شود که اصل اولیه در نیازهای طبیعی، ارضا کردن آن است؛ از این رو اشباع انگیزه‌ها امری طبیعی است که به اقتضای وجود و سرشت انسان صورت می‌پذیرد و ادامه زندگی و بقای نوع به اشباع آنها بستگی دارد؛ از این جهت احکام و فرمان‌های موجود در قرآن و سنت در خصوص این انگیزه‌ها، با فطرت انسان

۱- تربیت جنسی در اسلام، ص ۱۱۸.

۲- انتخاب هسمر، ابراهیم امینی، ص ۳۲.

هماهنگی دارد و اشباع آن‌ها را می‌پذیرد و به آن‌ها اقرار می‌کند و در حدودی که شرع مقدس اجازه می‌دهد، خواهان اشباع آن‌هاست.

تنها راه صحیح ارضای نیاز جنسی در انسان ازدواج است، چه دائم و چه موقت. البته منظور ما از ازدواج، پیوند زناشویی بین دو جنس مذکر و مؤنث می‌باشد، نه ازدواج هم‌جنس با هم که امروزه در بعضی از کشورها نوعی ازدواج به حساب می‌آید و حتی به صورت قانونی در آمده است.

راه‌های ناسالم ارضای میل جنسی

اگر انسان در ارضای انگیزه‌ها زیاده روی کند؛ به گونه‌ای که استفاده از آن‌ها هدف اصلی قرار گیرد، انگیزه‌ها از اهداف اصلی خود دور شده‌اند و دیگر وسیله‌ای برای ادامه زندگی فرد و بقای نوع به شمار نمی‌آیند؛ بلکه خودشان فی‌نفسه به هدف نهایی تبدیل می‌شوند. در این صورت انسان در مهار کردن انگیزه‌های خود و مسلط بودن بر آن‌ها شکست می‌خورد و امیال و غرایز بر او حاکم می‌شوند. یکی از مهمترین انگیزه‌های فیزیولوژیک که در معرض انحراف قرار دارد، انگیزه جنسی است. میل جنسی مانند سایر نیازها، امری طبیعی است که باید ارضا شود و اصل اولی هم ارضای آن می‌باشد. با این حال اگر کسی امکان ازدواج ندارد، نباید به راه‌های ناصواب میل جنسی رو بیاورد. انحرافات که ممکن است در انگیزه جنسی رخ دهد، فراوان است. در این جا ما فقط به بررسی مهم‌ترین راه‌های غیر صحیح میل جنسی می‌پردازیم.

هم جنس خواهی

اشاره

هم جنس خواهی به این معناست که انسان میل جنسی خود را با انسان دیگری از جنس خود ارضا کند.

انواع هم جنس

اشاره

انسان از دو جنس خارج نیست: یا مذکر است و یا مونث؛ از این رو دو نوع هم جنس خواهی بیش تر وجود ندارد که در این ... جا به توضیح آن دو می پردازیم.

لواط

به ارتباط جنسی دو مذکر با هم لواط گفته می شود. از منابع اسلامی استفاده می شود که این انحراف از زمان قوم لوط شروع شده است،

مساحقه

عبارت است از ارضای میل جنسی جنس مونث با هم جنس خود. در این هم یکی در نقش فاعل و دیگری در نقش مفعول ظاهر می شود و ممکن است به صورت های مختلفی، از جمله تماس با بدن هم جنس مونث، در آغوش کشیدن و یا مباشرت باشد.

فصل دوم: عوامل و آثار هم جنس خواهی

آثار هم جنس خواهی

تمایل به جنس موافق، موجب می شود که انسان به ارضای غریزه جنسی با هم جنس خود متمایل گردد. این میل در ابتدا ضعیف است؛ ولی در ادامه شدت پیدا می کند تا جایی که فرد تن به این کار می دهد و نیاز جنسی خویش را با هم جنس ارضاء می کند.

از دیگر آثار این انحراف، پیدا شدن احساس زنانه در فرد و ضعف مفرط جنسی فاعل و مفعول (به اصطلاح سرد مزاجی) است؛ به گونه ای که بعد از مدتی قادر به آمیزش جنسی به صورت طبیعی نیستند. از طرف دیگر، از دست دادن احساسات طبیعی بر روح و جسم اثر بد می گذارد؛ در خود یک نوع از خود بیگانگی نسبت به خویشتن و جامعه می بیند و قدرت اراده را که رمز توفیق در کارهاست، کم از دست می دهند و سرانجام یک نوع سرگردانی و بی تفاوتی در روح آنان ایجاد می ... شود. (۱)

بلای همجنس گرایی!

(همجنس گرایی) چه در میان مردان باشد (لواط) و چه در میان زنان (مساحقه) از بدترین انحرافات اخلاقی است که سرچشمه مفاسد زیادی در جامعه خواهد بود.

اصولا- طبیعت زن و مرد آن چنان آفریده شده است که آرامش و اشباع سالم خود را در علاقه به جنس مخالف (از طریق ازدواج سالم) می بینند، و هرگونه تمایلات جنسی در غیر این صورت، انحراف از طبع سالم انسانی

و یک نوع بیماری روانی است که اگر به آن ادامه داده شود روز به روز تشدید می‌گردد و نتیجه‌اش بی میلی به (جنس مخالف) و اشباع ناسالم از طریق (جنس موافق) است.

این گونه روابط نامشروع در ارگانسیم بدن انسان و حتی در سلسله اعصاب و روح اثرات ویرانگری دارد: مرد را از یک مرد کامل بودن، و زن را از یک زن کامل بودن ساقط می‌کند، به طوری که چنین زنان و مردان همجنس باز، گرفتار ضعف جنسی شدید می‌شوند و قادر نیستند پدر و مادر خوبی برای فرزندان آینده خود باشند و گاه قدرت بر تولید فرزند را به کلی از دست می‌دهند.

افراد (همجنس گرا) تدریجاً به انزوا و بیگانگی از اجتماع و سپس بیگانگی از خویشان رو می‌آورند، و گرفتار تضاد پیچیده روانی می‌شوند، و اگر به اصلاح خویش پردازند ممکن است به بیماری‌های جسمی و روانی مختلفی گرفتار شوند.

به همین دلیل و به دلایل اخلاقی و اجتماعی دیگر، اسلام شدیداً همجنس گرایی را در هر شکل و صورت تحریم کرده، و برای آن مجازاتی شدید که گاه به سرحد اعدام می‌رسد قرار داده است.

موضوع مهم این است که بی بندوباری و تنوع طلبی بیمارگونه دنیای متمدن مادی، بسیاری از پسران و دختران را به سوی این انحراف بزرگ می‌کشاند، نخست پسران را تشویق به لباس‌های جلف و زنانه و خودآرایی مخصوص و دختران را به لباس‌های پسرانه دعوت می‌کند، و از اینجا انحراف و همجنس گرایی شروع می‌شود تا جایی که به وقیح‌ترین اعمال در این زمینه، شکل

قانونی می‌دهند و از هرگونه پیگرد و مجازات برکنار می‌دادند که قلم از شرح و وصف آن شرم دارد. (۱)

برخی از عوامل هم جنس خواهی

بستر پیدایش هم جنس بازی این است که افرادی که به تازگی نقش جنسی خود را کشف کرده‌اند و در بیان مسایل شخصی با دیگران خجالت می‌کشند و بنابراین به دنبال محرم رازند؛ از این رو دوستانی همدل و هم راز پیدا می‌کنند. بحران غریزه و زمینه روانی سبب می‌شود آنان با هم به انحرافات تن دهند و کار به انجام اعمال منافی عفت بکشد.

گاهی این عمل به دلیل شرم و حیای افراطی یا برای جلب محبت و یافتن تحسین دیگران در عمل صورت می‌پذیرد و ممکن است به سبب وسوسه‌ها و دسترسی نداشتن به جنس مخالف باشد. (۲)

علاوه بر عوامل بالا، همجنس خواهی ممکن است از عوامل زیر نیز ناشی شود:

۱- قانع نبودن از ارضای نیاز جنسی به وسیله جنس مخالف (همسر)

۲- دوستی‌های بی حساب نسبت به هم جنس.

۳- ارتباط زیاد با افراد هم جنس زیبا یا توجه بیش از حد به تصویر آنان.

۴- زندگی دسته جمعی افراد هم جنس؛ مانند زندگی در پادگان‌ها و خوابگاه‌های مدارس و دانشگاه‌ها

۵- محیط‌های خانه، مدرسه و ... که آلوده باشد.

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۲۵۷-۲۵۸.

۲- شناخت، هدایت و تربیت نوجوان و جوان، علی قائمی، ص ۱۶۷.

۶- آزادی فردی در ارتباط ، معاشقه و شوخی با هم جنس.

۷- تماس جسمی با هم جنس

۸- زیاد نشستن در توالت.

۹- نارضایتی از تجربه جنسی گذشته با جنس مخالف.

در یک تحقیق این نتیجه به دست آمده است که زنان و مردان هم جنس خواه مورد پژوهش، در دوران کودکی و نوجوانی چندان هم از تجارت دیگر جنس خواهی بی بهره نبودند. فرقی که آنان از این لحاظ با همگنان دگر جنس خواه خود داشتند، این بود که این تجربه‌ها را مایه خشنودی نیافته بودند.

۱۰- ارتباط ضعیف با پدر

در همین پژوهش نتیجه گرفته‌اند که در مورد زنان و مردان مورد پژوهش ، به نظر می‌رسید که ارتباط ضعیف با پدر نقش بیشتری در مستعد ساختن آنان به هم جنس خواهی آنان داشته است تا کیفیت ارتباطشان با مادر.

این بررسی نشان می‌دهد که تداوم در خور توجهی بین احساسات جنسی دوران کودکی فرد و رجحان جنسی او در دوره بزرگسالی وجود دارد بر خلاف نظر رایجی که در آن پدر و مادر به گونه‌ای مسئول هم جنس خواهی فرزند خود شناخته می‌شوند، این تحقیق نشان می‌دهد در تعیین رجحان جنسی، پدر و مادر نقش مهمی ندارند. رجحان جنسی به الگوی پیچیده... ای از احساسات و واکنش‌های خود کودک بستگی دارد که هنوز به آن پی نبرده‌ایم. (۱)

فصل سوم: امراض و بیماری‌های همجنس بازان

بیماری‌های روده‌ای در همجنس بازان

سندرم روده‌ای همجنس بازان (Gay bowel syndrome) اصطلاحی است که در اواخر دههٔ هفتاد میلادی مرسوم شد و به معنی گروهی از عفونت‌های روده‌ای در مردان همجنس بازان نیز به نوعی شیوع دارد ولی این اصطلاح در این مورد دقت کافی ندارد.

همجنس بازان مرد در خطر بیشتری هستند زیرا نوع خاصی از تماس جنسی را تجربه می‌کنند و شرکای جنسی در آنها متعدد است و در عین حال زودتر برای درمان مراجعه می‌کنند.

تماس جنسی در همجنس بازان مرد باعث می‌شود که عوامل بیماری‌زای روده‌ای از فردی به فرد دیگر منتقل شود.

تماس جنسی از راه معقد و سپس تماس دهانی در شریک جنسی دیگر یکی از دیگر راه‌های انتقال این بیماری‌هاست. اگر چه بسیاری از همجنس بازان مرد ممکن است برای مدت‌های طولانی یک شریک جنسی را انتخاب کنند ولی فرهنگ کلی در این گروه داشتن شرکای جنسی متعدد است که خود آنها نیز در سطح وسیعی شریک جنسی متعدد دارند. به طوری که یک مرد همجنس باز ممکن است در طول زندگی به هزار شریک جنسی برخورد کند و حتی گاهی در یک جلسه با چند نفر تماس جنسی اتفاق افتد به طوری که تعداد شرکای جنسی را در سال گاهی به صد نفر می‌رساند. در عین حال

ناشناس بودن شرکای جنسی به مراتب خطر بیشتری نسبت به تعداد آنها محسوب می‌شود زیرا پیگیری راه اپیدمیولوژیک را بسیار مشکل می‌کند.

بسیار از بیماریها ممکن است به صورت بی علامت در فردی موجود باشند به همین دلیل این افراد هرگز دنبال درمان نخواهند رفت و بسیاری افراد دیگر را آلوده می‌کنند.

دلایل دیگری نیز برای انتقال بیماری در این گروه وجود دارد که شامل:

- کمبود ایمنی به صورت بالقوه در بعضی از همجنس بازان مرد وجود دارد.

- ارزیابی غیر دقیق بعضی از پزشکان که نه عامل اتیولوژیک در پیگیری و نه بیمار را به عنوان همجنس باز شناسایی می‌کنند.

- نقش آلت تناسلی مردانه به عنوان یک ابزار آسیب رسان به مخاط و انتقال دهنده عامل بیماری زا.

عوامل قابل انتقال در همجنس بازان

این عوامل عمده شامل باکتری‌ها، انگل‌ها، اسپروکت‌ها، ویروس‌ها و قارچ‌هاست. بیماری‌های روده‌ای در این گروه عبارت است از پروکیت، کولیت و آنتریت‌هاست. باید توجه داشت که علائم بیماری‌های روده‌ای بسیار محدود است و از طریق این علائم نمی‌توان پاتوژن تاکید نمود و در عین حال یک بیمار همزمان ممکن است چند نوع از ارگانسیم‌های پاتوژن را حمل نماید. (۱)

التهاب معده (proctitis)

این حالت عمدتاً با تیسفموس، درد آنورکتال و ترشح از معقد بروز می‌کند. تب، خارش معقد و تغییر در اجابت مزاج کمتر ظاهر می‌شوند. شایعترین عوامل ایجاد کننده آن عبارتند از: نیسریاگونوره، ترپونم سیفلیس، و کلامیدیا تراکوماتیس، که حداقل هشتاد درصد موارد را تشکیل می‌دهند.

عوامل دیگری نیز در این رابطه شناسایی شده‌اند و حداقل در یازده درصد موارد عامل ایجاد کننده آن متعددند بسیاری از موارد پروکتیت گونوکوکی بدون علامت بوده و در کشت روتین از رکتوم تشخیص داده می‌شوند. بسیاری مطالعات نشان داده‌اند که پنجاه درصد مردان همجنس بازی که به کلینیک بیماری‌های مقاربتی مراجعه می‌کنند کشت مثبت از نظر سوزاک دارند. افراد واجد علامت معمولاً از درد رکتوم و ترشح شکایت دارند. آلودگی با کلامیدیا نیز علائمی شبیه به این دارد در حالی که پروکتیت زخمی ناشی از هرپس بسیار دردناکتر است. در هرپس ضایعات و زیکولار ممکن است در اطراف معقد قابل رؤیت باشند.

بیماری‌های ناشی از ترپوسماپالیدوم معمولاً همراه با درد و ترشح خونی از معقد است. گاهی فقط با مشاهده یک توده بدون درد و یا یک زخم در رکتوم می‌توان تشخیص داد. (۱)

فصل چهارم: همجنس گرایی از دیدگاه قرآن

همجنس گرایی از دیدگاه قرآن

در قرآن مجید در سوره‌های اعراف ، هود، حجر، انبیاء، نمل و عنکبوت اشاراتی به وضع قوم لوط و گناه شنیع آنها شده است ، منتها در هر مورد تعبیرش با مورد دیگر متفاوت است ، در حقیقت هر کدام از این تعبیرات به یکی از ابعاد شوم این عمل ننگین اشاره می‌کند:

در سوره اعراف می‌خوانیم که لوط به آنها می‌گوید: «بل انتم قوم مسرفون ؛ شما جمعیتی اسرافکارید.»^(۱)

در سوره انبیاء می‌خوانیم: «و نجیناه من القریه الی کانت تعمل الخبائث انهم کانوا قوم سوء فاسقین ؛ ما لوط را از قریه‌ای که خبائث انجام می‌داد رهایی بخشیدیم ، آنها قوم بد و فاسقی بودند.»^(۲)

و در سوره شعراء آیه ۱۶۶ می‌خوانیم که لوط به آنها می‌گوید: «بل انتم قوم عادون ؛ شما جمعیت تجاوزگری هستید.»

و در سوره نمل آمده است: «بل انتم قوم تجهلون ؛ شما قومی جاهل و نادانید»^(۳)

۱- اعراف / ۸۱

۲- انبیاء / ۷۴

۳- نمل / ۵۵

و در سوره عنكبوت آیه ۲۹ از زبان لوط چنین آمده است که به آنها می گوید: انکم لتاتون الرجال و تقطعون السبیل؛ شما به سراغ مردان می روید و راه فطرت و نسل انسان را قطع می کنید.»

به این ترتیب این عمل زشت تحت عنوان اسراف، خبیث، فسق، تجاوز، جهل، قطع سبیل مطرح شده است.

اسراف از این نظر که آنها نظام آفرینش را در این امر فراموش کرده و از حد تجاوز نمودند و تعدی نیز به همین خاطر بر آن اطلاق شده است.

خبیث به معنی کار یا چیز آلوده‌ای است که طبع سالم آدمی از آن تنفر دارد، و چه عملی از این عمل تنفر آمیزتر است.

فسق به معنی خروج از اطاعت پروردگار و برهنگی از شخصیت انسانی است که از لوازم حتمی این کار است.

جهل به خاطر بی خبری از عواقب شومی است که این عمل برای فرد و جامعه دارد.

و بالاخره قطع سبیل نتیجه شوم این عمل را که در صورت گسترش منتهی به قطع نسل انسانی می گردد، چرا که تدریجاً علاقه به جنس موافق جانشین علاقه طبیعی به جنس مخالف می شود می باشد.

عذاب‌های قوم لوط بر ظالمین

در قرآن مجید سه نوع عذاب برای قوم لوط بیان فرموده: صیحه باریدن سنگ عذاب بر آنها، زیر و رو شدن شهرهای آنها، بعد می فرماید: عذابی که بر قوم لوط نازل شد از ظلم کنندگان دور نیست. (۱)

و این تهدید سختی است به کسانی که عمل آنها را مرتکب می شوند.

فصل پنجم: فلسفه همجنس گرایی

فلسفه تحریم هم جنس گرایی

گر چه در دنیای غرب که آلودگی‌های جنسی فوق العاده زیاد است ، این گونه زشتی‌ها مورد تنفر نیست و حتی شنیده می... شود در بعضی از کشورها همانند انگلستان طبق قانونی که با کمال وقاحت از پارلمان گذشته این موضوع جواز قانونی پیدا کرده !! ولی شیوع این گونه زشتی‌ها هرگز از قبح آن نمی‌کاهد و مفسد اخلاقی و روانی و اجتماعی آن در جای خود ثابت است.

گاهی بعضی از پیروان مکتب مادی که این گونه آلودگی‌ها را دارند برای توجیه عملشان می‌گویند ما هیچ گونه منع طبی برای آن سراغ نداریم !.

ولی آنها فراموش کرده اند که اصولاً هرگونه انحراف جنسی در تمام روحيات و ساختمان وجود انسان اثر می‌گذارد و تعادل او را بر هم می‌زند.

توضیح اینکه: انسان به صورت طبیعی و سالم تمایل جنسی به جنس مخالف دارد و این تمایل از ریشه دارترین غرائز انسان و ضامن بقاء نسل او است .

هرگونه کاری که تمایل را از مسیر طبیعی منحرف سازد، یکنوع بیماری و انحراف روانی در انسان ایجاد می‌کند.

مردی که تمایل به جنس موافق دارد و یا مردی که تن به چنین کاری می‌دهد هیچ کدام یک مرد کامل نیستند، در کتابهای امور جنسی هموسکو آلیسم (همجنس گرایی) به عنوان یکی از مهمترین انحراف ذکر شده است .

ادامه این کار تمایلات جنسی را نسبت به جنس مخالف در انسان تدریجاً می‌کشد و در مورد کسی که تن به این کار در می... دهد احساسات زنانه

تدریجاً در او پیدا می‌شود، و هر دو گرفتار ضعف مفرط جنسی و به اصطلاح سرد مزاجی می‌شوند، به طوری که بعد از مدتی قادر به آمیزش طبیعی (آمیزش با جنس مخالف) نخواهند بود.

با توجه به اینکه احساسات جنسی مرد و زن هم در ارگانیسم بدن آنها مؤثر است و هم در روحیات و اخلاق ویژه آنان، روشن می‌شود که از دست دادن احساسات طبیعی تا چه حد ضربه بر جسم و روح انسان وارد می‌سازد، و حتی ممکن است افرادی که گرفتار چنین انحرافی هستند، چنان گرفتار ضعف جنسی شوند که دیگر قدرت بر تولید فرزند پیدا نکنند.

این گونه اشخاص از نظر روانی غالباً سالم نیستند و در خود یکنوع بیگانگی از خویشتن و بیگانگی از جامعه‌ای که به آن تعلق دارند احساس می‌کنند.

قدرت اراده را که شرط هر نوع پیروزی است تدریجاً از دست می‌دهند، و یکنوع سرگردانی و بی تفاوتی در روح آنها لانه می‌کند.

آنها اگر به زودی تصمیم به اصلاح خویشتن نگیرند و حتی در صورت لزوم از طیب جسمی یا روانی کمک نخواهند و این عمل به صورت عادت برای آنها در آید، ترک آن مشکل خواهد شد، ولی در هر حال هیچ وقت برای ترک این عادت زشت دیر نیست، تصمیم می‌خواهد و عمل.

به هر حال سرگردانی روانی تدریجاً! آنها را به مواد مخدر و مشروبات الکلی و انحرافات اخلاقی دیگر خواهد کشانید و این یک بدبختی بزرگ دیگر است.

جالب اینکه در روایات اسلامی در عباراتی کوتاه و پر معنی اشاره به این مفاسد شده است، از جمله در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که، کسی از او سؤال کرد لم حرم الله اللواط: چرا خداوند لواط را حرام کرده

است فرمود: «من اجل انه لو كان اتیان الغلام حلالا لاستغنی الرجال عن النساء و كان فيه قطع النسل و تعطیل الفروج و كان فی اجازه ذلک فساد کثیر»

« اگر آمیزش با پسران حلال بود مردان از زنها بی نیاز (و نسبت به آنان بی میل) می شدند، و این باعث قطع نسل انسان می شد و باعث از بین رفتن آمیزش طبیعی جنس موافق و مخالف می گشت و این کار مفسد زیاد اخلاقی و اجتماعی بخ بار می آورد.»^(۱)

ذکر این نکته نیز قابل توجه است که اسلام یکی از مجازات‌هایی را که برای چنین افرادی قائل شده آن است که ازدواج خواهر و مادر و دختر شخص مفعول بر فاعل حرام است، یعنی اگر چنین کاری قبل از ازدواج صورت گرفته شد، این زنان برای او حرام ابدی می شوند.

کشیده شدن افراد به اینگونه انحراف جنسی علل بسیار مختلفی دارد و حتی گاهی طرز رفتار پدر و مادر با فرزندان خود، و یا عدم مراقبت از فرزندان همجنس، و طرز معاشرت و خواب آنها با هم در خانه ممکن است از عوامل این آلودگی گردد.

گاهی ممکن است انحراف اخلاقی دیگر سر از این انحراف بیرون آورد.

قابل توجه این که در حالات قوم لوط می خوانیم که عامل آلودگی آنها به این گناه این بود که آنها مردمی بخیل بودند و چون شهرهای آنها بر سر راه کاروان‌های شام قرار داشت و آنها نمی خواستند از میهمانان و عابرین پذیرایی کنند در آغاز چنین به آنها وانمود می کردند که قصد تجاوز جنسی به آنان

۱- میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۳۶۶، باب ۳۵۸۹، ح ۱۸۳۸۱.

دارند تا میهمانان و عابرین را از خود فرار دهند، ولی این عمل تدریجاً به صورت عادت برای آنها در آمد و تمایلات انحراف جنسی تدریجاً در وجود آنها بیدار شد و کارشان به جایی رسید که از فرق تا قدم آلوده شدند.

حتی شوخی‌های بی‌موردی که گاهی در میان پسران و یا دختران نسبت به همجنسان خود می‌شود گاهی انگیزه کشیده شدن به این انحرافات می‌گردد، به هر حال باید به دقت مراقب این گونه مسائل بود، و آلودگان را به سرعت نجات داد و از خدا در این راه توفیق طلبید. (۱)

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌خوانیم: «لا یجد ریح الجنة زنوق، و هو المخنث!»
«بوی بهشت به مشام کسی که مورد همجنس‌گرایی واقع می‌شود نخواهد رسید!»

در حدیث دیگری از حضرت علی علیه السلام می‌خوانیم که لواط را در سر حد کفر معرفی فرموده است. (۲)

در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا علیه السلامدر فلسفه تحریم همجنس‌گرایی چنین آمده است:

«عله تحریم الذکران للذکران، و الاناث للاناث، لما ركب فی الاناث و ما طبع علیه الذکران، و لما فی اتیان الذکران، الذکران و الاناث للاناث، من انقطاع النسل، و فساد التدبیر، و خراب الدنیا»

۱- تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۱۹۴-۱۹۶.

۲- عین الحیوه، ص ۴۰۱.

« فلسفه تحریم مردان بر مردان و زنان بر زنان این است که این امر بر خلاف طبیعتی است که خداوند برای زن و مرد قرار داده (و مخالفت با این ساختمان فطری و طبیعی ، سبب انحراف روح و جسم انسان خواهد شد) و به خاطر این است که اگر مردان و زنان همجنس گرا شوند، نسل بشر قطع می گردد، و تدبیر زندگی اجتماعی به فساد می گراید، و دنیا به ویرانی می کشد.»^(۱)

این مسأله تا به آنجا از دیدگاه اسلام زشت و ننگین است که در ابواب حدود اسلامی حد آن بدون شك اعدام شمرده شده است ، و حتی برای کسانی که مراحل پائین تر همجنس گرایی را انجام می دهند مجازاتهای شدیدی ذکر شده ، از جمله در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می خوانیم :

«من قبل غلاما من شهوه الجمه الله يوم القيامة بلجام من نار»

«کسی که پسری را از روی شهوت ببوسد خداوند در روز قیامت لجامی از آتش بر دهان او می زند!»

مجازات کسی که مرتکب چنین عملی شود از سی تا ۹۹ تازیانه ذکر شده است. به هر حال شك نیست که انحراف جنسی از خطرناکترین انحرافات است که ممکن است در جوامع انسانی پیدا شود، چرا که سایه شوم خود را بر همه مسائل اخلاقی می افکند و انسان را به انحراف عاطفی می کشاند.^(۲)

و در روایتی دیگر هم آمده است که مولا علی علیه السلام فرموده اند:

«فرض الله الايمان يطهر من الشرك ... و ترك اللواط تكثيراً للنسل.»

۱- میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۳۶۶، باب ۳۵۸۹ (عله التحريم اللواط)، ح ۱۸۳۸۰.

۲- تفسیر نمونه ، ج ۱۵ ، ص .

«خداوند ایمان را برای پاک کردن از لوث شرک واجب فرمود ... و ترک لواط را از بهر افزایش نسل.»^(۱)

حضرت علی علیه السلام درباره فلسفه تحریم لواط می‌فرماید:

خداوند ترک زنا را واجب کرد تا نسب‌های بین افراد حفظ شود و ترک لواط را واجب نمود تا نسل انسان تکثیر شود.^(۲)

این مباشرت و معاشرت‌ها به زن و مرد محدود نمی‌شود؛ بلکه رابطه مرد با مرد و زن با زن را هم شامل می‌شود مردها به لواط و زن‌ها به مساحقه اکتفاء می‌کنند، در نتیجه اثر سوء قطع نسل را به دنبال خواهد داشت.

۱- میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۳۶۷، باب ۳۵۸۹، ح ۱۸۳۸۲.

۲- نهج البلاغه، حکمت، ۲۵۲/۴.

فصل ششم: همجنس بازی از دیدگاه روایات

اشاره

لواط یکی از گناهانی است که به کبیره بودن آن تصریح شده است. حرمت و عقوبت آن هم از زنا شدیدتر می باشد.

۱- حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

«حرمت لواط از زنا بیشتر است، به درستی که خداوند قومی را برای عمل لواط هلاک فرمود (قوم لوط) ولی کسی را برای زنا هلاک نفرمود.» (۱)

۲- پیدا کردن شهوت زنانگی

امام علی علیه السلام می فرماید:

«ما امکن احد من نفسه طائعاً يلعب به الا القى الله عليه شهوه النساء»

«هیچ کس از روی میل خود تمیکن نمی کند که با او ملاحظه شود، مگر اینکه خداوند شهوت زنان را بر او القاء می کند.» (۲)

۳- دعوت به سوی خود

قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «من الح فى وطى الرجال لم يمت حتى يدعوا الرجال الى نفسه»

«هر کس در وطی با مردان الحاح و اصرار کند، نمی میرد مگر اینکه مردان را (برای عمل جنسی) به سوی خود دعوت می ... کند.» (۳)

۴- قطع نسل

۱- وسائل الشیعه، کتاب النکاح، باب ۱۷، ص ۲۴۹.

۲- میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۳۶۶، باب ۳۵۸۸، ح ۱۸۳۷۹.

۳- میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۳۶۶، باب ۳۵۸۸، ح ۱۸۳۷۸.

یکی از آثار سوء هم جنس خواهی، ترک ازدواج و در نتیجه عدم زاد و ولد است.

در روایات و منابع اسلامی، لواط موجب قطع نسل شناخته شده است.

۵- گسترش فساد و فحشاء

از امام صادق علیه السلام سؤال شد که چرا خداوند لواط را حرام کرده است؟

فرمود: زیرا اگر وطی پسر با پسر حلال بود، مردان از زنان بی‌نیاز می‌شدند و در این کار قطع نسل بود و دیگر مردها سراغ زنان نمی‌رفتند و با مجاز بودن این کار فساد زیاد می‌شد. (۱)

۶- برای امتم می‌ترسم

قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «ان اخوف ما اخاف على امتي من عمل قوم لوط»

«بیشترین چیزی که برای امتم از آن می‌ترسم عمل قوم لوط است». (۲)

قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «من وجدتموه يعمل عمل قوم لوط، فاقتلوا الفاعل و المفعول به»

«اگر دیدید کسی کار قوم لوط را می‌کند، کننده و دهنده را بکشید». (۳)

۷- غضب خدا

رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم فرمودند: کسی که با پسری جمع شود روز قیامت جنب وارد محشر می‌شود و آب دنیا او را پاک نمی‌کند و خشم خدا بر او است و او را لعنت فرموده، دوزخ را برایش آماده می‌فرماید و بدجایگاهی است.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۵۲.

۲- میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۳۶۶ / باب ۳۵۸۸، ح ۱۸۳۷۶.

۳- میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۳۶۶، باب ۳۵۸۸، ح ۱۸۳۷۷.

سپس فرمود: هرگاه کسی لواط کند، عرش خدا به لرزه در آید و خداوند او را لعنت و غضب فرموده و جهنم را برایش آماده می‌فرماید و ملوط (مفعول) را در کنار جهنم نگاه می‌دارند تا خلائق از حساب فارغ شوند، پس او را در جهنم می‌اندازند و در طبقات دوزخ همیشه معذب خواهد بود. (۱)

و چنین روایتی هم از وجود نازنین آقا امام صادق علیه السلام در کتاب عین الحیوه علامه مجلسی در صفحه ۴۰۱ نقل شده است.

۸- لواط کننده

قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «الا لعنه الله الملائكة و الناس اجمعين ... على ناكح يده و على من اتى الذکران من اللعالمين.»

«هان لعنت خدا و فرشتگان و مردم همگی بر کسی که خودارضایی کند و بر هر کسی که به غلام‌بازگی (لواط با جنس مذکر) روی آورد.» (۲)

۹- لواط کفر است

حذیفه بن منصور گفت که از حضرت صادق علیه السلام از لواط که از گناهان کبیره است پرسیدم، حضرت فرمود: ما بین دو ران است، پرسیدم از کسی که در دبر دخول می‌نماید فرمود: که این عمل کفر و انکار آنچه خدا بر پیغمبرش فرستاده می‌باشد یعنی انکار قرآن است. (۳)

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۴۹، عین الحیوه، ص ۴۰۱.

۲- میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۳۶۸، باب ۳۵۹۰، ح ۱۸۳۸۳.

۳- وسائل الشیعه، کتاب النکاح، باب ۲۰، ص ۲۵۷.

۱۰- از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منقول است: هر که به حرام با زنی جماع کند یا با مردی یا پسری اغلام کند (جمع شود) خدا او را در قیامت محشور گرداند و از مردار گندیده تر که مردم از بوی او متأذی باشند، به جهنم داخل شود و خدا از او قبول نکند هیچ عملی را و اعمالش را همه ضبط نماید و او را در تابوتی داخل کند و بفرماید که او را به میخ‌های آهن بر آن تابوت بدوزند و در عذابی باشند که اگر رگی از رگ‌های او را بر ۴۰۰ هزار کس بگذارند همه بمیرند و از همه کس عذابش بیشتر باشد. (۱)

۱۱- امام صادق علیه السلام فرمودند: حرمت اغلام زیاده از زناست؛ زیرا حق تعالی با اغلام امتی را هلاک کرد (یعنی قوم لوط را) و کسی را به زنا در دنیا هلاک نکرد. (۲)

۱۲- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: لواط آن است که در پایین تر از دبر با او مباشرت کند و مباشرت کردن در دبر کفر است به خدا. (۳)

۱۳- قال الصادق علیه السلام: «حرم الله علی کل دبر مستکح الجلوس علی استبرق الجنه»

« خداوند نشستن بر استبرق بهشت را بر دبرهای نکاح شده حرام کرده است» (۴)

۱۴- امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند عالمیان می‌فرماید به عزت و جلال خودم قسم می‌خورم که بر استبرق و حریر بهشت نمی‌نشیند کسی که مردم در دبر او وطی کنند. (۵)

۱- عین الحیوه، مجلسی، ص ۴۰۰.

۲- عین الحیوه، مجلسی، ص ۴۰۱.

۳- عین الحیوه، مجلسی، ص ۴۰۱.

۴- میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۳۶۸، باب ۳۵۹۱، ح ۱۸۳۸۸.

۵- عین الحیوه، ص ۴۰۱.

۱۵- سنگ عذاب هنگام مرگ

از حضرت صادق علیه السلام مرویست که: نیست بنده‌ای که عمل قوم لوط را حلال بداند (و در روایت دیگر کسی که بر لواط کردن اصرار داشته باشد) نمی‌میرد. مگر اینکه در آن ساعت خداوند بر او سنگی از همان سنگ‌های عذابی که قوم لوط بارید، می‌اندازد و مرگ وی در خوردن همان سنگ است و برای اینکه رسوا نشود خداوند از آن سنگ را از نظر خلق پوشیده است. (۱)

۱۶- غلامی که مولایش را کشت**اشاره**

در زمان عمر، غلامی که مولای خودش را کشته بود پس از اقرار، عمر امر به کشتنش نمود، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از غلام پرسید چرا مولای خودت را کشتی؟

عرض کرد: با زور با من لواط کرد پس او را کشتم آن حضرت از اولیای مقتول پرسید آیا او را دفن کرده‌اید؟ گفتند: آری! هم اکنون از دفنش می‌آییم پس به عمر فرمود: غلام را تا سه روز نگهدار و پس از سه روز اولیای مقتول حاضر شوند.

لاطی به قوم لوط ملحق می‌شود

پس از گذشتن سه روز آن حضرت به اتفاق عمر و اولیای مقتول بر سر قبرش آمدند از اولیایش پرسیدند این قبر صاحب شماست؟

گفتند: آری.

سپس فرمود: قبر را بشکافید تا به لحد برسید چون به لحد رسیدند و آن را برداشتند جنازه را ندیدند، پس آن حضرت تکبیر گفت و فرمود: به خدا سوگند! دروغ نگفتم. و هرگز دروغ بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نبسته ام. شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس از امت من، عمل قوم لوط را مرتکب شود و بدون توبه از دنیا برود پس در قبرش بیش از سه روز نمی ماند تا اینکه زمین او را فرو می برد و به جایی که قوم لوط هستند و هلاک گردیده اند ملحق می ... نماید پس در زمره ایشان محشور می شود. (۱)

پس از آن فرمود: غلام را آزاد کنید، زیرا آقای خود را به حق به قتل رسانیده است و جرم و گناهی ندارد.

در این هنگام عمر فریاد زد و گفت: یا علی! همه قضاوت های تو عجیب است و این از همه آنها عجیب تر است، خداوند مرا بعد از تو باقی نگذارد. (۲)

۱۷- لواط هم فاحشه و زشت است

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

«(اتق الزنا و اللواط و هو اشد من الزنا و هما یورثان صاحبها اثنین و سبعین داء فی الدنیا و الآخرة؛ بترس و ترک زنا و لواط را و لواط بدتر از زنا است و این دو گناه موجب هفتاد و دو گونه درد در دنیا و آخرت برای صاحبش می شود.» (۳)

۱- گناهان کبیره، ج ۱، ص ۲۰۵.

۲- داستان هایی از کیفر گناهکاران، ص ۵۸ به نقل از خزینه الجواهر، ص ۱۳۳ و لثالی الاخبار، ج ۵، ص ۲۰۵.

۳- گناهان کبیره، ج ۱، ص ۲۰۵.

در قرآن مجید چنانچه از زنا به فاحشه تعبیر فرموده این عمل شنیع را هم فاحشه خوانده چنانچه در سوره اعراف می فرماید:

« لوط بر قوم خود گفت: آیا کاری را می کنید که در نهایت زشتی است، پیش از شما کسی از افراد بشر گرد چنین کار زشتی نگشته آیا شما با مردان جمع می شوید در هنگام شهوت زنان را رها می کنید، بلکه شما سراف کنندگانید» (۱).

چه اسرافی بدتر از اینکه نطفه‌ای که به منزلهٔ بذر است برای بقاء نوع و نسل انسان و باید در رحم زن قرار گیرد در غیر محلی که خدا قرار داده بریزد.

برای تهدید دیگران از نزدیک شدن به این عمل خلاف انسانی در سوره‌های اعراف، هود، نمل، عنکبوت، قمر و نجم و قوم لوط را یادآوری و کیفیت عذاب ایشان را متذکر می شود باشد که دیگران اندرزی بگیرند.

از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می خوانیم:

« لما عمل قوم لوط ما عملوا بکت الارض الی ربها حتی بلغ دموعها الی السماء، بکت السماء حتی بلغ دموعها العرض ، فوحي الله الی السماء ان احصیهم ، و اوحی الی الارض ان اخسفی بهم »

«هنگامی که قوم لوط آن اعمال ننگین را انجام دادند زمین آن چنان ناله و گریه سر داد که اشک‌هایش به آسمان رسید، و آسمان آن چنان گریه کرد که اشک‌هایش به عرش رسید، در این هنگام خداوند به آسمان وحی

فرستاد که آنها را سنگباران کن! و به زمین وحی فرستاد که آنها را فرو بر!» (بدیهی است گریه و اشک جنبه تشبیه و کنایه دارد).

و در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«من جامع غلاما جاء يوم القيامة جنبا لا ينقيه ماء الدنيا و غضب الله عليه و لعنه و اعد له جهنم و ساءت مصيرا... ثم قال ان الذكر يركب الذكر فيهتز العرض لذلك»

«هر کس با نوجوانی آمیزش جنسی کند روز قیامت ناپاک وارد محشر می‌شود، آن‌چنان که تمام آب‌های جهان او را پاک نخواهند کرد، و خداوند او را غضب می‌کند و از رحمت خویش دور می‌دارد و دوزخ را برای او آماده ساخته است و چه بد جایگاهی است ... سپس فرمود: هرگاه جنس مذکر با مذکر آمیزش کند عرش خداوند به لرزه در می‌آید.»

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: آنها که تن به چنین کاری در می‌دهند بازماندگان سدوم (قوم لوط) هستند سپس اضافه فرمود: من نمی‌گویم از فرزندان آنها هستند ولی از طینت آنها هستند سؤال شد همان شهر سدوم که زیورود شد، فرمود: آری! چهار شهر بودند سدوم و صریم و لدنا و غمیرا (عمورا).

در روایت دیگری از امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم چنین می‌... فرمود:

«لعن الله المتشبهين من الرجال بالنساء و المتشبهات من النساء بالرجال»

« لعنت خدا بر آن مردانی باد که خود را شبیه زنان می سازند، (با مردان آمیزش جنسی می کنند) و لعنت خدا بر زنانی باد که خود را شبیه مردان می کنند. »^(۱)

مساحقه

اشاره

یکی از کبائری که در نصوص معتبر بر آن وعده عذاب داده شده و علاوه بر آن حد معین شده، مساحقه است.

زنی به حضرت صادق علیه السلام گفت: زنانی که با یکدیگر مساحقه می کنند (فرج خود را به فرج یکدیگر می مالند) حدشان چیست؟

امام علیه السلام فرمود: حد زنا است (یکصد تازیانه) به راستی چون قیامت شود آنها را می آورند و لباس هایی از آتش بریده شده بر آنها می پوشانند، و مقنعه هایی آتشین بر سرشان می بندند و زیر جامه هایی آتشین به بدنشان می پوشانند، و عمودهای آتشین در جوفشان فرو می کنند و آنها را در جهنم می اندازند. ای زن! اولین قومی که مساحقه بینشان رواج یافت، قوم لوط بودند که مردها به عمل لواط سرگرم شدند و زنان بی شوهر ماندند. پس به یکدیگر مشغول شدند چنانچه مردان با هم مشغول بودند.^(۲)

(و هنگام نزول عذاب همگی به هلاکت رسیدند).^(۳)

و در حدیث دیگر فرمود: به خدا سوگند، مساحقه زنای بزرگ است.^(۴)

۱- تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۱۹۴.

۲- وسائل الشیعه، کتاب النکاح، باب ۲۴، ج ۱۴، ص ۲۶.

۳- گناهان کبیره، ج ۲، ص ۳۲۷.

۴- گناهان کبیره، ج ۲، ص ۳۲۷.

و نیز حضرت در پاسخ زنی که از مساحقه زنان با یکدیگر پرسید، فرمود: در جهنم اند. چون قیامت شود، چادرهایی از آتش بر آنها پوشیده می گردد و عمودهای آتشین در باطن و عورت‌هایشان داخل می کنند و آنها را در جهنم می اندازند. زن گفت: از این عمل، در قرآن مجید یادی نشده؟ فرمود: بلی. عرض کردم: کجا؟ فرمود: و اصحاب الرس (۱)

و(۲)

در تفسیر صافی، روایت مفصلی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره اصحاب رس نقل کرده است. و همچنین مرحوم مجلسی هم آن را در جلد سوم حیوه القلوب ذکر فرموده است. برای اطلاع از سرگذشت ایشان و گناهایی که مرتکب می شدند که از آن جمله مساحقه زنان بودن، به کتب مزبور مراجعه شود.

کیفیت هلاکتشان را اینطور بیان می فرماید: که خداوند باد سرخی بر آنها فرستاد و زمین آنها هم آتش فشانی کرد و ابر سیاهی بالای سرشان نمودار شد و بر آن صاعقه بارید، به طوری که همه را آب کرد هلاک ساخت.

حد سحقی

هرگاه زن، چهارمرتبه به این عمل حرام اقرار کرد، یا چهارمرد عادل شهادت دادند، باید هر یک از آن دو زن را یکصد تازیانه بزنند. و در صورتی که پیش از اقرار یا شهادت عدول توبه کرده باشند، حد ساقط می شود.

خوابیدن دو مرد یا دو زن عریان با هم زیر یک لحاف به طوری که حائلی بینشان نباشد حرام است. و اگر نزد حاکم شرع ثابت شود، باید آنها را به

۱- سوره فرقان / ۴۰.

۲- گناهان کبیره، ج ۲، ج ۲، ص ۳۲۸.

کمتر از یکصد تازیانه (به هر اندازه که صلاح بداند) تعزیر و تأدیب کند و در چند روایت حدشان را یکصد تازیانه ذکر کرده است. (۱)

فصل هفتم: همجنس گرایی از دیدگاه جامعه شناسی

جنسیت بیمارانه

هر نوع بیماری روانی، خواه ناشی از دلایل «جسمی - روحی» باشد و یا به طور جداگانه از عوارض عصبی یا روانی ناشی شود، مسائل جنسی متعددی را مطرح می کند.

خصوصیت برجسته انحرافات جنسی عبارت است از ابرام مطلق فرد منحرف در دنبال کردن شیوه معینی برای تحصیل ارضای جنسی که از نقطه نظر پزشکی، بیمارانه و نابهنجار است. تعریف این نابهنجاری دو وجه دارد: اول، خصلت کودکانه ارضاء حاصله: شیوه مورد استفاده در این وجه ناشی از توقف فرد در یکی از مراحل کودکانه رشد جنسی است. دوم، تکرار سماجت آمیز اعمال منحرفانه ای که به صورت امر بزرگ زندگی فرد در می آید. این نوع افراد را به غلط عقده ای های جنسی توصیف کرده اند: در واقع کسی که باید منحرف به حساب آورده شود در جستجوی ارضایی است که نباید در پی آن بوده باشد، یا نباید دیگر به دنبال آن برود، در حالی که «عقده ای» خود را مجبور به اعمالی می بیند که از آن ها بیزار است و از این که خود را از روی ناچاری در معرض آن اعمال قرار می دهد رنج می برد.

هم جنس گرایی

اشاره

هم جنس گرایی از نظر بعضی‌ها یکی از عادی‌ترین شیوه‌های جنیست است، عده‌ای دیگر آن را گناهی نفرت انگیز می‌دانند، و بالاخره باز هم از نظر عده‌ای دیگر گرایش است که همهٔ افراد به طرزی کم و بیش فعالانه و کم و بیش آگاهانه آن را در دوران ما قبل شباب «می‌گذرانند» ولی در کسانی که صفت هم جنس‌گرا در موردشان اطلاق است این گرایش به طور نابهنجار مداومت پیدا می‌کند و به صورت رفتار جنسی آن‌ها در سن بلوغ در می‌آید.

۱- نظریه‌ای که هم جنس گرایی را تبیین جنیست بهنجار می‌داند

احتجاج‌های تاریخی

سابقهٔ هم جنس بازی به قدمت جهان است. حتی افلاطون هم فصول هیجان آمیزی را در آثارش وقف آن کرده است. تاریخ و اساطیر یونان باستان پر از نمونه‌هایی است که طبق آن‌ها هم جنس بازی در موارد مختلف ظاهراً وسیله‌ای برای بالیدن صفات مردانه بوده است. «محبوب» و «دوستدار» به صورت رفقای میدان‌ها به جنگ در می‌آمدند و یاران یکدیگر در مبارزات سیاسی می‌شدند. مدارکی را که حکایت از پذیرفته بودن هم جنس بازی می‌کند می‌توان در بسیاری از تمدن‌های (مصری، ژاپنی) مشاهده کرد. «نورمان‌ها» آن را معمولاً به جرأت و شجاعت سربازی نسبت می‌دادند. هم جنس گرایی نقش بزرگی در رنسانس ایفا کرده است. «میکل آنژ» معروف‌ترین نمونه‌ای است که در این مورد می‌توان اسم برد. در قبایل

مغرب مبادرت به استعمار شمال آفریقا کردند و اسپانیا را به تصرف در آوردند ، هم جنس بازی رواج فراوان داشته است.

احتجاجات زیست شناسی

از آن جا که مرد و زن هر دو از روی الگوی بدنی یکسانی ساخته شده‌اند تنها فرقتشان عدم شباهت کالبدی و فیزیولوژیکی مختصری است که روی هم رفته ناچیز است: هر یک از دو جنس اندام‌های جنسی طرف مقابل را به صورت بقایایی جنینی در خود حفظ می‌کند. حتی هورمون‌های زن و مرد از نظر ترکیب شیمیایی به هم نزدیکند. بنابراین، پیدا شدن تمایل به هم جنس زاییده مختصر تغییر شیمیایی هورمون‌ها در جهت جنس مقابل است.

احتجاجات رفتاری

نظر به این که روان شناسان ثابت کرده‌اند که هر یک از ما در دوره قبل از شباب مرحله‌ای هم جنس گرایانه را طی می‌کند، پس نباید چندان غیر عادی به نظر رسد که بعضی افراد در همان مرحله متوقف مانده باشند یا در صورت پیدا شدن فرصت مساعد به آن مرحله باز گردند. زندگی فشرده و پر آمیزشی که در مدارس، اردوگاه‌ها، کشتی‌های زمان سابق، زندان‌ها و غیره برقرار است (یا برقرار بوده) چنین امکاناتی را نمایان می‌کند.

۲- نظریه‌ای که همجنس گرایی را گناه می‌داند

این نظریه‌ای است متعلق به اهل فقه که در اناجیل عهد قدیم و عهد جدید و در قرآن کریم هم به چشم می‌خورد. همجنس بازی عملی جنسی است

که خارج از ازدواج و بر خلاف طبیعت صورت می‌گیرد. این عمل لااقل به سه دلیل نوعی معصیت به درگاه خداوند به حساب می‌آید:

الف) غیر عادی بودن هدفی که برای عشق ورزیدن انتخاب می‌شود.

ب) پیوندی است که قابلیت تشریح ندارد.

ج) در مورد مرد، با اتلاف نطفه همراه است. پیامبران یهودی و همچنین پاپ (در مراسله با قرنطیان) صریحاً هم جنس بازی را محکوم کرده‌اند. محمد صلی الله علیه و آله و سلم از زبان لوط (خطاب به قومش) می‌گوید: « به درستی که شما به جای پرداختن به زنان میل به شهوت راندن با مردان دارید»^(۱)

۳- برخورد پرشکی : همجنس‌گرایی به عنوان انحراف در غریزه جنسی

اشاره

ملاحظات آنکه ذیلاً ذکر می‌شود برای آن نیست که همجنس‌گرایی را معذور بدارد یا به اصطلاح مشروعیتی بدان عطا کند هر چند در مطالبی که می‌آید غرض این است که هم جنس بازی را به عنوان نوعی انحراف- و نه نوعی تبه کاری- توضیح دهد، معذک آن را هم چون آفتی اجتماعی که به طرزی استثنایی پدید و زیان آور است در نظر می‌گیرد. رفتار هم جنس‌گرایانه برای آن که به درستی درک شود باید همراه با علل روانی- فیزیولوژیکی و اجتماعی تعیین کننده آن مورد مطالعه قرار گیرد.

پدید آمدن هم جنس‌گرایی عموماً دارای جنبه پیشرس است. این پدیده به عنوان یک بیماری به وسیله سلسله کاملی از

علامات خاص خودنمایی می‌کند:

الف) احساس متفاوت بودن از دیگران

اولین نشانه‌ای که باید توجه را جلب کند عدم رضایت فرد از پیکر خود و احساس ناقص بودن آن است. بدن با حرکات و سکنت‌های خود، با سایر موجودات و یا جهان ارتباط برقرار می‌کند. خاطرات شخصی به خودی خود اهمیتی، یا ارزش تعیین کننده‌ای ندارند مگر از این نظر که کسی یا کسانی از اطرافیان و از مردم بر آن خاطرات وقوف داشته، آن‌ها را درک و ارزیابی کرده و رأی یا نظری راجع به آن‌ها به هم رسانده باشند. غالباً دخالت ناشیانه یا بی رحمانه‌ای که پدر یا مادر به صورت نهی و منع یا تنبیه اعمال می‌کنند تبدیل به عاملی برای خودنمایی نخستین علامات هم‌جنس‌گرایی می‌شود. گاهی این نوع دخالت‌ها به صورت عامل تداعی کننده‌ای چنان خاطره یا لذتی در می‌آید که دلپذیری بی حد آن تمام چیزهای دیگر را زایل می‌کند و به تثبیت انحراف منجر می‌گردد.

ب) آنچه در بالا گفته شد معادل است با بیان تمام اهمیتی که انزوا در سنین پایین فرد هم‌جنس‌گرا در بردارد. احساس ناخوشایند او نسبت به پیکر خودش در مقایسه با پیکرهای دیگران (آن‌هایی که زیباتر و مسن‌ترند و لذا از جهات عضلانی و جنسی بهتر رشد کرده‌اند) احساس عدم امنیت به وجود می‌آورد و آگاهی از این حقارت نیاز به قبولاندن خود، به بخشایاندن خود، از طریق تسلیم شدن به آن «دیگری» را بر می‌انگیزد.

ج) فاجعه این هیکل ناقص، ضمیمه و ملازمی دارد

که عبارت از علاقه فرد هم‌جنس‌گرا به لباس‌های عجیب و جلف، آراستن پیکر خود، مواظبت از آن، بها دادن به آن و مورد توجه قرار دادن آن

است. اگر تماشاگری نباشد خود فرد جای تماشاگر را می‌گیرد و در صدد بر می‌آید چهرهٔ خودش را تماشا کند (اسطورهٔ نارسیس)^(۱)

او در این جا به مرحلهٔ خودستایی [کذا = شیفتگی نسبت به خود] می‌رسد (پی در پی در آینه نگاه کردن، افراط در آرایش، علاقهٔ غیر عادی به لباس‌های شکیل و غیره). در

مرحله‌ای که از لحاظ آسیب‌شناختی اهمیت بالاتری دارد پای استمناء مفرط به میان می‌آید که خود نوعی هم‌جنس‌گرایی خالص است این عمل در واقع یکی دیگر از شیوه‌های خودشیفتگی است.

به عبارت دیگر روشی است که فرد می‌خواهد از طریق آن به خودش ثابت کند که پیکر او از نظر وظایف اعضایی کم و کسری ندارد. هم‌جنس‌گرایی جستجوی مستمر و دلهره‌آمیز «خویشتن» دیگری است که از نایل آمدن هم‌جنس‌گرا به بلوغ، یعنی رو آوردن او به دیگران - به جنس مقابل - جلوگیری می‌کند.

(د) کثرت طرف‌های مقابل

سال‌های ماقبل‌شباب دوره‌ای است که در آن وقوع همه چیز ممکن است، ولی برای رسیدن به بلوغ بیشتر باید به یک بخش قناعت کرد و بنابراین «صرف نظر کردن» را پذیرفت. این گفته چه در انتخاب رشتهٔ تحصیلی و چه در زمینه‌های عشقی به یک اندازه صدق می‌کند. «میل نکردن» برابر با محکوم کردن خود به عدم تکامل است. در عشق [بچه‌گانه یا بیمارانه] مصداق این حکم عبارت است از وقف کردن خود به طرف‌های متعدد و ماهیتاً وفادار نبودن. همه می‌دانیم که حتی نوجوانان

۱- نارسیس در اساطیر نام مردی است که عاشق پیکر خویش است.

معمولی [بهنجار] با چه سهولتی عشق‌های کوچک و لاس‌های کودکانه خود را برقرار می‌کنند و آن‌ها را به هم می‌زنند. کثرت انتخاب‌ها در واقع یکی از عوامل مهم پیوندهای هم‌جنس‌گرایانه است. این کثرت و تنوع، با توزیع و انتشار «خویشتن» های دیگر - آن هم به شیوه‌ای چنان فراگیر که حضورشان همه جا و در تمام لحظات احساس می‌شود سدی از اعتماد و اطمینان در برابر دلهره به وجود می‌آورد. در عین حال، دستپاچگی و فوریتی هم که از خصوصیات جدایی‌ناپذیر همجنس‌بازی است، به طوری که باید در اولین مکان قابل دسترسی: در رخت‌کن، در توالت، در پارک‌ها و غیره به انجام برسد، از همین جا سرچشمه می‌گیرد. البته به این ترتیب یکی دیگر از ویژگی‌های هم‌جنس‌بازی که اختصار و سرعت آن است و آشکارا نشان می‌دهد که صرفاً جنبه جسمانی دارد (و هرگونه تبادل افکار و احساسات در آن به طور مشهود منتفی است) توضیح داده می‌... شود. پیوند هم‌جنس‌گرایانه حتی هنگامی که از قوه به فعل در می‌آید و موجودیتش را در عرصه‌ای واقعاً اجتماعی برقرار می‌کند، جلوی این پرسه بی‌وقفه، این جستجوی تنوع دائماً تکرار شونده، این زغبت بی‌صبرانه به «طرف» تازه، و این بی‌قراری برای عمل سریع را نمی‌گیرد. چنین پیوندی کمتر از پیوند جنسی سالم و متعارف بر اثر عدم وفاداری دچار اختلال می‌شود. عدم وفاداری، به نحوی بسیار تناقض‌آمیز، در این جا وسیله‌ای برای محکم کردن پیوند است (چیزی که در بعضی ازدواج‌... های کنونی هم به چشم می‌خورد). چرا؟ چون آنچه هم‌جنس‌گرا در جای دیگر به دنبالش می‌گردد، نوعی تقویت و تسلاست که به نوبه خود باید به او اجازه

دهد تا پیوند اصلی را تحکیم کند. این نکته در مورد زوج‌های همجنس‌گرا [زن و شوهری که هر دو هم‌جنس‌بازند] نیز صدق می‌کند. ازدواج این‌ها پایدار نمی‌ماند مگر آن‌که هر کدام ماجراهای هم‌جنس‌گرایانه متعددی برای خود داشته باشد.

ه) در اینجا با روان‌شناسی مسکن و منزل و مأوا سر و کار پیدا می‌کنیم

پیوند هم‌جنس‌گرایانه پابرجا و یا ازدواج متعارف هیچ‌کدام مأمّن‌هایی نیستند که برای هم‌جنس‌گرا به قدر کافی مطمئن، به قدر کافی مسدود و به قدر کافی محفوظ باشند. او در این مقام‌ها جلو چشم است، زیر نظر است بیش از حد در معرض دیده شدن از بیرون قرار دارد. همجنس‌گرا در واقع دوست ندارد خود را مقید کند، خود را از نقطه نظرهای اجتماعی یا شغلی بشناساند.

این ملاحظات، تمام اهمیت قضیه در پیدایش نخستین روابط جنسی را در ارتباط با مأوایی قرار می‌دهد که فرد در آن ایمن است، در آن می‌خورد و می‌خوابد (به یاد عبارتی می‌افتیم که در زبان انگلیسی برای «عمل عشق‌بازی» وجود دارد **with sleep** (خوابیدن با...) خوابیدن با کسی اعتماد کردن به آن کس است. به همین ترتیب، لذت بردن از کسی که به معنای آن است که شخص دل به دریا بزند، خود را جسماً به طرف مقابل واگذارد و البته تاوان آن را هم پردازد. دردهای واقعاً عضوی و جسمانی که از روبرو شدن با عدم وفاداری عارضی شود با همین ملاحظات اخیر ارتباط پیدا می‌کند.

در دنیای مأنوس و اطمینان‌بخشی که در اطراف یک کودک بیش از حد نازپرورده بنا می‌شود، فردی که از جنس مخالف باشد، یک دشمن است، بیگانه‌ای نگران‌کننده و غریبی است که رفتارش غیر قابل پیش‌بینی

است، برجستگی‌های بدنش از نوعی دیگر است، جوهر و ساختمانی متفاوت دارد. شخصی که از جنس مقابل است، ناپذیرفتنی است، نماینده دنیای بیگانه‌ای است که هم جنس گرا نمی‌توانسته است خود را با آن هماهنگ کند، نمی‌توانسته است خود را با آن سازگاری دهد. او احساس می‌کند که به «درون» راهش نمی‌دهند. به کسی می‌ماند که گویی «در بیرون» به زندانش انداخته‌اند. این نکته، منشأ و توضیح دهنده تلاش‌های پرسوز و گداز کسانی است که سعی دارند هم جنس بازی را توجیه کنند و آن را «شیوه بهنجار دیگری» برای حل مسئله جنسی معرفی نمایند.

به سبب درک ناقص اندیشه‌های نوین روان‌شناختی، اینک شاهد نشو و نمای شیوه بسیار زیان‌آوری در تربیت کودکان هستیم که می‌توان آن را ترور اجتماعی نامید. سابقاً بچه از پدر می‌ترسید. امروز غالباً مشاهده می‌کنیم که پدر خود به بچه تعلیم می‌دهد که از جامعه بترسد. با از میان برداشته شدن تنبیه بدنی و توییح مستقیم و منع مبتنی بر انگیزه، فرد امروزی دفاع خود را با نوعی قضا و قدرگرایی تسلیم آمیز، در پشت استحکاماتی جستجو می‌کند که «امر اجتماعی» نامیده می‌شود و فعال ما یثاء است.

غالباً خود پدر کسی است که از همان ابتدا، ترسی را که خودش از جامعه دارد به فرزند منتقل می‌کند. او با پوزخندی حاکی از بی‌حوصلگی هشدار می‌دهد که اگر هم رنگ جماعت نباشی، اگر خود را با خلاق سازگار نکنی، تنها خواهی ماند، به بازی نخواستند گرفت، حتی شاید به زندانت خواهند انداخت.

به این ترتیب، عصر تسطیح است، عصر محو شدن تفاوت‌هاست، ترسیم خطوط جداکننده خیر از شر، فاعل از منفعل و مردانه از زنانه را بیش از

پیش مبهم می کند تا در عوض فقط آنچه را که برای «جامعه» قابل قبول یا غیر قابل قبول است مورد تاکید قرار دهد.

می توان درک کرد که از آن به بعد، کسانی که «من» آن‌ها ضعیف است و به سرعت مرعوب می شوند، این از دست دادن استقلال و آزادی رأی را می پذیرند، ماشین وار به اطاعت او در می آیند، با تمام توان فریاد می کشند که از این که چنین باشند خوش وقت اند، ولی در همان حال به دنیای خصوصی افکار نهفته و اعمال نهانی - تنها عواملی که قادرند اصالت ذاتی زندگی بشر را تضمین کنند - پناه می برند. این روزها اغلب می شنویم که زندگی خانوادگی دارد تغییر می کند. زندگی خانوادگی در حال تغییر نیست، در حال نابود شدن است.

در همان حال که کانون‌های خانوادگی، غالباً زیر فشار حاکمان از هم می پاشند - حاکمانی که به نظر می رسد در درجه اول تمام هم و غم آن‌ها این است که کار خودشان را آسان کنند و با مقرر کردن قواعد مشترک برای همگان، جای خود را در مسند قدرت محکم سازند - و در همان حال که به اصطلاح «توده‌ای شدن» همه چیز - که آن همه صحبتش را می شنویم - پایه‌های خود را محکم می کند (البته با به خاطر سپردن این نکته که پیش گویانی که دم از نزدیکی آن «توده‌ای شدن» می زنند خودشان را به واسطه نبوغی که برای خود قائلند از شمول آن مستثنی می دانند)، نوعی حالت زایل شدن تفاوت جنسی به ظهور می رسد که هم جنسی گرایی نهفته یا آشکار، انعکاس زیان بخش آن را تشکیل می دهد.

گفتگو ندارد که در یونان قدیم ، مدتها پیش از افول آن، هم جنس بازی نه فقط علناً انجام می گرفت بلکه حتی عمومیت داشت و یکی از «شریف» ترین و مهم ترین جنبه های عشق را معرفی می کرد. از روی چنین سابقه ای است که امروز بعضی ها خود را متقاعد می کنند تا خواستار مشروعیت برای هم جنس گرایی در جامعه کنونی شدند.

برای فیصله دادن مسئله ابتدا ببینیم که نتایج عینی یک چنین جابجایی [در روابط جنسی] هنگامی که امکان تحقق آن فراهم می آمد از چه قرار بوده است. به طوری که می دانیم هم جنس بازی سابقاً در میان نورمان ها رواج داشته و نیز بین اعراب، وقتی در اوج قدرت قرار داشتند و در دربار امپراطوری آلمان و در داخل حزب نازی متداول بوده است. «لاندائو» می نویسد:

«هم جنس بازی بعداً برای اینان از سطح سکس به سطح ماوراء طبیعی ارتقاء داده شد و به صورت یک نوع عرفان تعصب آمیز در آمد».

مسئله خلاف روح علمی است که چیزی از قبیل فلان تمایل بالفطره نژادی را در این جا به عنوان مسبب معرفی می کنیم و مثلاً از آن دستاویزی برای زدن برچسب آریایی گری بر پیشانی آلمانی ها بسازیم، یا بگوئیم که هم جنس بازی مختص نژاد آنگلو ساکسن و در خور توصیف بریتانیایی جماعت است و یا مثلاً از سامی بودن خالص اعراب حکایت می کند این جا هم مانند تمام پدیده های روانی - اجتماعی، باید در صدد یافتن توضیح عمیق روان شناختی بود. میل به قدرت و سلطه در یک جامعه با نفرتی به نمایش در می آید که نسبت به امکانات ایجاد کننده نرمش و ضعف - به خصوص عشق زنان - احساس می کند. این تمایل خود را در عین حال بدین طریق نشان می دهد

که کلیه امکانات رشد و بالندگی شخصی را از روی الگویی هم جنس گرایانه، به صورت امری مابه الاشتراک و همگانی در می آورد.

جای هم جنس گرایی را باید مضافاً در فوت و فن های گشودن باب آشنایی جستجو کرد. به همین دلیل بعضی ها آن را نوعی شگرد شناخت و قاپیدن اسرار و مهارت های استاد از طرف شاگرد مبتدی و زبر و زرنگ به حساب می آورند. هم جنس بازی بنابراین نمی تواند حق وجود پیدا کند مگر در جامعه ای که مقام زن را به سطح برده ستایشگر و منفعل تنزل می دهد، برده ای که نقش منحصر به فرد او این است که فقط رحمی بارور برای حمل و زاییدن قهرمانان هم جنس گرایی آینده داشته باشد.

اما قاطع ترین ملاحظات پزشکی نشان می دهند که هم جنس گرایی در بیشتر موارد با کاهلی و بطالت، با نامولد بودن و عدم خلاقیت اجتماعی و با بزهکاری ملازمه دارد: نداشتن ظرفیت برای شکیبایی، برای تحمل محرومیت ها، برای قبول مسئولیت های اجتماعی و خانوادگی در واقع از همان عنادهای کودکانه ای پیروی می کند که زمینه اصلی رفتارهای هم جنس گرایانه را تشکیل می دهد. ناپایداری روابط هم جنس بازانه به اغتشاشی منجر می شود که هر نوع ارزش آبرومندانانه ای را از مناسبات انسانی می گیرد.

اگر همجنس گرایی، و لو به طور نظری (در تئوری) چیزی شبیه به تایید و عدم مخالفت دریافت می کرد، اگر به آن اجازه می دادند که و لو تا حدودی از چارچوب (حیطه) آسیب شناختی خود خارج شود و نوعی بیماری تلقی نگردد، طولی نمی کشید که این امر موجبات انحلال زوج های

مختلف الجنس [زن و شوهر] و خانواده را که شالوده‌های جامعه باختری موجود ما هستند، فراهم می‌آورد.

بدیهی است که در مواردی بسیار متعدد (مگر در مورد سادیسم) این نکته مورد توافق است که باید برای هم جنس‌گرایان قائل به «معایبی با کیفیات ممتاز» بود: اجتماعی بودن، روحیه شهری، طبع هنری، ظرافت احساس. مع هذا این نکته به قوت خود باقی می‌ماند که ملتی برخوردار از تمدن بهنجار نمی‌تواند برای چنین شیوه منحرفانه‌ای از تبیین جنسیت که نهایتاً فقط یکی از فصول روان‌شناسی درمانی است، قائل به نهاد یافتگی شود و آن را به عنوان یک نهاد به رسمیت بشناسد. (۱)

فصل هشتم: راههای پیشگیری از همجنس گرایی

روشهای پیشگیری

اشاره

برای پیش گیری راههای مختلفی وجود دارد که عبارتند از:

۱- آموزش مسائل جنسی

اشاره

یکی از راههایی که برای جلوگیری از انحرافات و بروز حالات بد جسمی و روانی برای نوجوانان پیشنهاد می شود آموزش مسائل جنسی است.

این آموزش می تواند در خانه یا مدرسه صورت پذیرد؟ البته اگر با هماهنگی و همراهی خانواده و مدرسه این مهم انجام شود ، نتیجه بهتر و سریع تری به دست می آید، در اینجا به نقش آموزش جنسی در تربیت جنسی می پردازیم.

الف) آموزش جنسی چیست؟

آن چه در آموزش از مربی به متربی منتقل می شود مجموعه اطلاعاتی است. در مورد مسائل جنسی هم باید فرض بر این باشد که متربی ذهنش خالی است و برای عملکرد درست از امور جنسی به اطلاعاتی در این زمینه نیاز دارد. با توجه به اینکه میل جنسی مانند سایر نیازها به ارضا نیاز دارد، فرد باید وظیفه اعضای خاص را شناخته و هدف هر کدام را مورد توجه قرار دهد؛ راه ارضای صحیح را از راه غلط بشناسد؛ و خوبی ها و بدی ها، هر یک را بداند؛ از این جهت طبیعی است که نادانسته های کودک، نوجوان و جوان، بیش از دانسته هایش می باشد و از این رو ضروری است بر عملش افزوده شود.

(ب) آیا آموزش مسائل جنسی جایز است؟

در زمینه مسائل جنسی این سؤال مطرح می‌شود که آیا از جنبه تربیتی، آموزش مسائل جنسی به مصلحت فرد و جامعه است یا خیر؟ در صورت جواز چنین آموزشی، تا چه اندازه و چگونه می‌توان مسائل مزبور را باز کرد؟ از جمله اموری که در آموزش مسائل جنسی دخالت دارد، مساله باورها و ارزش‌های اجتماعی است که مردم به آن‌ها پایبند هستند و برای آن ارزش قائل می‌شوند. در زمینه آموزش مسایل جنسی، همه به یک صورت به آن نمی‌نگرند و به آن اهمیت نمی‌دهند.

هایم گینات می‌گوید:

«عقاید مربوط به مسائل جنسی نوجوان‌ها، ضد و نقیض است و انسان در این باره به تضاد ارزش‌ها برخورد می‌کند. به اعتقاد بعضی پدر و مادرها وقت آن رسیده است که واقعیات تازه‌ای را بپذیریم. نگرانی این دسته از والدین، بیماری‌های مقاربتی، آبستنی ناخواسته و آبروریزی است و تنها راه مقابله را آموزش جنسی می‌دانند. از طرفی عده‌ای مخالفت می‌کنند و می‌گویند: آزادی‌های جنسی بی‌بندوباری را تشویق می‌نماید و تمدن بشری را به مخاطره می‌اندازد و پدری می‌گوید: وظیفه نوجوان، مطالعه و کسب دانش است؛ لذا باید بر شهوات نفسانی‌اش غالب باشد. به اعتقاد برخی والدین حتی بحث درباره مسائل جنسی درست نیست؛ چون تحریک‌کننده است. نوجوان علاقه‌مند است و می‌خواهد درباره مسایل جنسی هر چه بیشتر بداند؛ از ندانستن ناراحت است و خواهان جواب قانع‌کننده و واقع‌بینانه

است. اگر نوجوان بتواند در بحثی جدی شرکت کند، آزادانه حرف هایش را می‌زند. در اینکه آیا آموزش جنسی لازم است یا نه، باید گفت امروزه جوان‌های غربی از تلویزیون و سینما و مدرسه آموزش می‌بینند و می‌خوانند و می‌شنوند، خیابان‌ها منبع اطلاعات نادرست هستند.»^(۱)

ج) ضرورت طرح و آموزش مسائل جنسی

علاقه به کسب معلومات جنسی قبل از رسیدن به سن بلوغ، به صورت طبیعی در کودکان پیدا می‌شود و آنان به تفاوت‌های میان زن و مرد و بزرگ‌تر و کوچک‌تر زیاد توجه می‌کنند. این توجه و علاقه به کسب معلومات جنسی در کودکی رنگ و بوی جنسی ندارد؛ ولی با توجه به این که او در حال آماده شدن برای ورود به بلوغ جنسی است، باید والدین و مربیان دلسوز آگاهی‌های لازم غیر تحریک کننده را به او بدهند. دختران قبل از حیض شدن باید اطلاعاتی راجع به بلوغ و آنچه یک دختر با آن دست به گریبان است، به دست آورند تا زمانی که در آن موقعیت قرار گرفتند، بدون ترس و اضطراب به وظیفه خود عمل کنند.

پسران نیز با این که دیرتر از دختران به بلوغ جنسی می‌رسند، وضعیتی مشابه دارند؛ از این رو نباید آنان را از معلوماتی که در زمینه بلوغ و مسائل مربوط به آن نیازمندند، محروم گذاشت. ناگفته نماند که به مرور زمان جوانان - چه دختر و چه پسر - ظرف معلومات جنسی خود را پر خواهند

۱- تربیت جنسی در اسلام، ص ۱۶۶-۱۶۷، به نقل از روان‌شناسی بلوغ، هایم گینات، ترجمه مهدی قراچه داغی، ص ۱۳۶-۱۳۸.

کرد؛ اما پیش از آنکه افراد غیر دلسوز و بعضاً ناباب منبع اطلاعات فرزندان شوند، باید مادران برای دختران و پدران برای پسران معلمی کنند و اگر خود به علت ناکافی بودن اطلاعات یا شرم و خجالت نمی‌توانند به این مهم اقدام کنند، نباید دست روس هم بگذارند و بی‌تفاوت از کنار مهم‌ترین دوران زندگی فرزندان خود عبور نمایند؛ بلکه باید افراد دیگری مانند بعضی خویشاوندان، معلمان، طیب خانواده و روحانی معتمد که این شایستگی را دارند، به این کار وادار نمایند. والدین و مربیان وظیفه دارند آن چه خیر و صلاح فرزندان است، به آنان یاد دهند.

حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام می‌فرماید:

به فرزندان خود آن چه را که به وسیله آن خدا به آنها نفع می‌رساند، یاد دهید. (۱)

در این روایت ملاک آموزش مشخص شده، و آن رساندن نفع به فرزند است؛ حال اینکه چه چیزی به نفع متربی است، برخی از راه عقائد و ارزش‌های دینی و اجتماعی حاکم بر جامعه معلوم می‌شود و مقداری هم به تشخیص خود مربی بر می‌گردد.

در فرهنگ ما ایرانیان صحبت کردن دربارهٔ کامجویی، حکم تابو (نگفتنی‌ها، محرمات) دارد و والدین نیز این امور را جزء نگفتنی‌های زندگی قرار داده‌اند و هرگز با فرزندان خود در این خصوص حرف نمی‌زنند؛ حتی قبل ازدواج چیزی در این باره به فرزندان نمی‌آموزند و دختر و پسری که زن و مرد آینده هستند، اطلاعات جنسی ناقصی دارند. گویا فرهنگ ما عمداً چشم و گوش خود را به روی این مسایل بسته و آن را قابل مطرح شدن

نمی‌داند. حال این سؤال مطرح است که آیا دین اسلام با این شیوه برخورد موافق است یا خیر؟ آیا اسلام طرح مسایل جنسی را مجاز می‌شمارد و بلکه در مواردی آن را ضروری و قلمداد کرده است؟

معمولاً می‌گویند تماس جنسی که به منظور رفع نیاز جنسی صورت می‌گیرد، امری طبیعی است؛ همانگونه که خوردن و آشامیدن، جهت رفع گرسنگی و تشنگی امری عادی است. در این صورت چرا نباید درباره امور جنسی صحبت کرد تا همیشه اطلاعات ناقصی از مسایل آن داشته باشیم. مگر نه این است که اطلاعات ناقص و در مواردی غلط باعث می‌شود رفتارهای ما که بر اساس آن اطلاعات است نیز؛ ناقص و غلط باشد. اگر زن و شوهر بدانند برخی از ناراحتی‌های اعصاب و بد رفتاری‌ها و غیره در نتیجه عدم ارضای صحیح میل جنسی است که از اطلاعات ناقص و غلط آنان از امور جنسی ناشی می‌شود، شاید به خود آیند و به فکر تکمیل و تصحیح اطلاعات خود در این باره بیفتند.

از مطالب گذشته روشن شد که اسلام ارضای میل جنسی را مفید و ضروری می‌داند؛ به همین جهت کسب اطلاعات مفید را برای ارضای صحیح آن را نیز، لازم می‌شمارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند هیچ کدام از نیازها را (که انسان به آن احتیاج داشته باشد)، رها نکرده، مگر این که (راه رفع نیازمندی را) به پیامبرش آموخته است (که به مردم بیاموزد) از جمله تعلیمات خدا به پیامبرش این بود که روزی به منبر رفت و حمد و ثنای خدا را گفت سپس فرمود: جبرئیل از طرف خدا آمده و می‌گوید: دختران باکره به منزله میوه بر درخت هستند که وقتی رسیدند و باغبان آن را

نچیند، نور آفتاب آن را فاسد و باد آن را پراکنده می‌کند، و دختران باکره نیز زمانی که بالغ شدند و مثل سایر زنان حیض دیدند، هیچ دوائی جز شوهر کردن برای آنها نیست؛ چون آنان هم انسان هستند»^(۱)

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و گفت: که خدا به تو سلام می‌رساند و می‌گوید: که دختران باکره به منزله میوه بر درخت هستند که وقتی رسیدند هیچ دوائی ندارند، جز این که چیده شوند، و گر نه نور آفتاب و باد آن را فاسد می‌کنند، و دختران باکره نیز زمانی که به رشد زنان رسیدند، هیچ دوائی جز شوهر کردن برایشان نیست، و الا آنان از فتنه در امان نیستند.^(۲)

علاوه بر آن منابع اسلامی آیات و روایاتی وجود دارد که متکفل تبیین شیوه صحیح آمیزش جنسی است و در واقع شیوه آمیزش صحیح را به انسان می‌آموزد. پس می‌توان گفت که نه تنها اسلام آموزش و طرح مسائل جنسی را منع نکرده، بلکه خود بدان اقدام کرده است. جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مواقعه قبل از ملاعبه با همسر نهی کردند.

علاوه بر این اسلام بر مرد سفارش می‌کند که بعد از رفع نیاز جنسی، فوراً خود را کنار نکشد. مطالب این چنینی، فراوان است که در جای خود به

۱- وسایل الشیعه، ج ۷، ص ۳۹.

۲- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۳.

آن‌ها پرداخته شده. ناگفته نماند که برای طرح این قبیل امور، باید حدودی را در نظر گرفت و حریم‌هایی را نگه داشت.

تغییرات جسمی و رشد ناگهانی اعضای بدن در دوران بلوغ و تحولات جنسی نمی‌تواند برای حالات روانی نوجوان بی‌اثر باشد؛ زیرا او پس از ظهور تغییرات جسمی و بدنی که بسیار سریع صورت می‌گیرد، نمی‌تواند خود را به راحتی و به طور صحیح با آن‌ها سازگار کند و در نتیجه دچار نوعی اضطراب، تعجب، تشویش و ناامنی می‌شود؛ از این رو نوجوان حساسیت پیدا می‌کند و هیجان‌های تندی در او ظاهر می‌شود.

برای جلوگیری از این قبیل نگرانی‌ها و ناراحتی‌های روانی در نوجوانان، باید به طریقی سازنده، آنان را قبل از رسیدن به بلوغ، از اتفاقات و تغییرات جسمی ناشی از بلوغ آگاه کرد، و بعد از بلوغ آنان را راهنمایی نمود تا مضطرب و نگران نشوند. بهترین راهی که برای جلوگیری از

انحرافات و بروز حالات بد روانی برای نوجوانان پیشنهاد می‌شود، آموزش جنسی است. این آموزش هم می‌تواند در خانه و هم در مدرسه صورت پذیرد؛ البته اگر با هماهنگی و همراهی هم این مهم انجام شود، نتیجه بهتر و سریع‌تری گرفته می‌شود.

(د) آثار بی‌توجهی به آموزش صحیح جنسی

برخی از والدین اطلاعات کمی درباره مسایل جنسی دارند و در مورد امراضی که دستگاه تناسلی را تهدید می‌کند، بی‌اطلاع هستند؛ مثلاً نمی‌دانند با درد قاعدگی دختران چگونه برخورد کنند. یا به سبب شرم و حیایی که بین

والدین و فرزندان است، فرزندان کم‌تر درباره مسایل جنسی سؤال می‌کنند و والدین هم نمی‌توانند آن چه در مورد مسایل جنسی می‌دانند، به فرزندان خود منتقل کنند.

بر خلاف تصور و باور مردم، مسایل بلوغ از جمله مساله جنسی را نباید به سکوت برگزار کرد و از کنار آن گذشت. نباید نوجوان را در این زمینه به حال خود رها کرد؛ بلکه او را از دگرگونی‌ها و تحولات جنسی، جسمی و روحی این دوره آگاه نمود. در صورتی که والدین و مربیان از این امر مهم غفلت کنند، زمینه به وجود آمدن آسیب‌ها و مشکلاتی برای فرد ایجاد خواهد شد.

برخی از آسیب‌هایی که نوجوانان و جوان را تهدید می‌کند، عبارتند از:

۱- استفاده از کانال‌های اطلاعاتی آلوده، غیر مطمئن و بعضاً مضر در مورد امور جنسی بر اثر ارضانشدن حس کنجکاوی جنسی صورت می‌گیرد.

۲- احساس گناه و خجالت از مشاهده عوارض طبیعی بلوغ که نوعاً به انزوا، درون‌گرایی و خودارضایی می‌انجامد.

۳- عدم اطلاع از تکلیف شرعی و وظایفی که نوجوان از نظر شرعی در قبال عوارض جسمی و جنسی این دوره دارد و در نتیجه بنیان اخلاقی و اعتقادی وی در اوان تکلیف سست می‌شود.

۴- بی‌اطلاعی نوجوان از مسائل قریب الوقوع، باعث عدم انجام تکالیف شرعی شده و نقطه شروع نامناسبی برای حیات دینی و معنوی فرد محسوب می‌گردد.

۵- ناآگاهی نوجوان از علایم جنسی و روانی بلوغ جنسی وی را غافلگیر و مضطرب می کند و باب کانال‌های اطلاعاتی جنسی دیگر را که غالباً منحرف اند و بدآموزی دارند، می‌گشاید. (۱)

۶- شکل‌گیری عادات و رفتارهای نابهنجار جنسی، مبتنی بر اطلاعات غلط جنسی که در زندگی به آن‌ها دست یافته است؛ مثلاً کسی که داشتن روابط جنسی را گناه قلمداد می‌کند، چنین روابطی را شامل رابطه زناشویی نیز می‌داند. در نتیجه آنگاه که خود در نقش یک زن یا شوهر ظاهر می‌شود، این طرز فکر بر رفتارهای جنسی او اثر می‌گذارد و موجب بروز رفتارهای نامتعادل در زمینه جنسی شده و رابطه جنسی به سردی می‌گراید و به اصطلاح در زمینه جنسی سرد مزاج می‌شود. (۲)

با توجه به این مسائل لازم است افراد واجد صلاحیت که مناسبات دوستانه‌ای با نوجوانان دارند، او را از مسایل مبتلا به جنسی خود آگاه کرده و بینش درستی درباره سیر طبیعی رشد جنسی و جسمی به وی بدهند. مرحوم سید بن طاووس از جمله دانشمندانی است که تربیت فرزند را به خصوص در زمان بلوغ مورد توجه خویش قرار داده و درباره دوره بلوغ مسایل مهم و سودمندی را به فرزند خویش متذکر شده‌اند. ایشان در بخشی از نامه‌ای که به مناسبت نزدیک شدن بلوغ فرزندش، محمد، نگاشته است، تشریح به تکلیف را نعمت الهی و روز تکلیف را عیدی بزرگ برای انسان می‌داند و به فرزندش سفارش می‌کند که این روز را مهم‌ترین روز خود به حساب آورد.

۱- مراحل رشد و تحول انسان، ص ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۲۲۱، محمد رضا شرفی.

۲- تربیت جنسی در اسلام، ص ۱۷۷.

ایشان برای این که صداقت خود را به چنین گفتاری نشان دهند ، مبلغی پول به رسم هدیه و عیدی برای او در نظر می ...
گیرند. (۱)

ه) آثار و فوائد آموزش صحیح جنسی

روی آوردن به آموزش جنسی این فایده را دارد که جلو مشکلات را می گیرد، علاوه بر آن آثار مثبت دیگری نیز در پی خواهد داشت که عبارتند از :

۱- اجتناب از راه‌های غیر صحیح ارضی میل جنسی؛

۲- جلوگیری از اختلال در سایر روابط خانوادگی؛

۳- جلوگیری از دل‌سردی و دل‌زدگی از عمل جنسی؛

۴- رسیدن به رابطه جنسی کامل ؛

در پرتو آگاهی‌های سودمند و کامل جنسی است که زن و مرد می‌توانند به یک رابطه کامل جنسی برسند. رابطه کامل جنسی زمانی محقق می‌شود که با عشق بازی شروع شود و طرفین در آن به اوج لذت جنسی برسند. در نزدیکی کامل باید پس از عشق بازی برای مرد و زن تخلیه جنسی- و از مرد انزال کامل- صورت گیرد و بعد از آن هم وقت استراحت باشد. انزال ناقص منی آثار نامطلوبی دارد که از رابطه جنسی ناقص ناشی می‌شود؛ برخی از آنها عبارتند از:

- در پروستات مرد اختلال ایجاد می‌شود؛ غلبه خون در مجاری ادرار و ورم بیضه‌ها از دیگر عوارض آن است.

- اگر تحریک‌پذیری روحی و روانی طرفین که بر اثر تماس جسمانی به وجود آمده و می‌تواند روی اعصاب هر دو اثر بگذارد، تکرار شود، آثار نامطلوبی از جمله ناتوانی جنسی در پی خواهد داشت.

- کم‌طاعت شدن، زود از جا در رفتن و عصبانی شدن، از دیگر خطرهای رابطه جنسی ناقص است؛ چون انرژی، متراکم و سرکوب شده است و راهی برای تخلیه می‌جوید. البته در این خصوص بهترین راه تخلیه، دوش آب سرد یا ولرم است.

۵- بهره کامل از آمیزش جنسی.

(و) شیوه آگاه کردن متربی از مسایل جنسی

آگاه نمودن متربی از مسایل جنسی، به دو صورت امکان پذیر است:

- ارتقای دانش جنسی قبل از طرح سؤال از طرف متربی؛

- ارتقای دانش جنسی از طریق پاسخگویی به سؤال‌های جنسی.

۲- توجه به عزت و کرامت انسانی

یکی دیگر از راه‌هایی که انسان با آن می‌تواند از آلوده شدن به گناه مصون بماند، توجه به عزت و کرامت خود می‌باشد. مسلماً هر کس برای خود، شأن و شخصیتی قائل است و حاضر نیست به سادگی آن را از دست بدهد. توجه به این مساله موجب می‌شود انسان بدون فکر به کاری دست نزند و اگر پیشامدی به شخصیت او آسیب رساند، در صدد جبران بر می‌آید. در مورد تربیت جنسی نیز، می‌توان از این مساله سود جست.

شخصیت و آبرو در جامعه اسلامی - و شاید جوامع غیر اسلامی - جایگاه والایی دارد و نوع مردم از انگشت نما شدن در جامعه به وسیله لغزش‌های جنسی؛ بیش‌تر از بی‌آبرویی به وسیله لغزش‌های دیگر هراس دارند؛ از این رو می‌توان از این زاویه به مرتبی گوشزد کرد و او را از افتادن در گرداب انحرافات جنسی بر حذر داشت. در روایتی از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که حضرت فرموده‌اند:

هر کس برای خودش بزرگی و کرامت قائل باشد، شهوت برایش پست می‌شود. (۱)

و همین‌طور حضرت فرموده‌اند:

هر کس شرافت خویش را بشناسد، او را از پستی شهوت مصون می‌دارد.

بر عکس، اگر نگرش درستی از بلوغ و مسایل آن برای نوجوان و جوان شکل نگیرد و در نتیجه آن را کم‌ارزش و یا بی‌ارزش قلمداد کند، زمینه گرایش به بزهکاری و انحرافات جنسی در او فراهم می‌شود. چه زیبا فرموده است حضرت علی علیه السلام: از شر کسی که نفس خود را خوار کرده است، در امان نباش. (۲)

۳- توجه به ارزش‌ها

سومین راهی که در پیش‌گیری می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، توجه به ارزش‌هاست. در منابع اسلامی به این نکته توجه زیادی شده که در طول

۱- بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۷۱ و ص ۱۳.

۲- تربیت جنسی در اسلام، ص ۲۰۲-۲۰۳.

زندگی به امور ارزشمند تذکر داده شده شود؛ مثلاً هنگام طرح روابط فرزندان با والدین در منزل و بیان محدودیت های آن، وقت نماز را محور قرار می دهد و می فرماید:

ای کسانی که ایمان آوردید، کسانی که مالک آنان هستید و فرزندان‌انی که به حد تمیز رسیده‌اند و هنوز بالغ نشده‌اند، باید هنگام وارد شدن (بر والدین) در سه زمان اجازه بگیرند؛ بعد وارد شوند: یکی قبل از نماز صبح (وقتی که معمولاً زن و شوهر با لباس خواب هستند) دیگری بعد از (نماز) ظهر هنگامی که لباس‌های کامل تان را کنار می گذارید و آخر بعد از نماز عشاء. (۱)

با این که دعاهای متعددی برای زمان آمیزش وارد شده است که در آن هنگام خوانده شود. همه این تأکیدات برای این است که انسان از عمل جنسی، صرفاً قصد لذت جویی نداشته باشد.

دوران بلوغ و ایام جوانی، دوره توجه شدید به ارزش اشیاء و زیبایی‌های زندگی در شئون مختلف مادی و معنوی است. اخلاق نوجوان و جوان بر معیار ارزش‌ها توسعه می‌یابد و شخصیت آنان بر همان اساس رشد می‌کند. «جوان بر حسب منافع خود و افکار باطنی خویش در مقابل ارزشی که برای اشیاء و اعمال و اوضاع قائل می‌شود، خیلی حساس است.» (۲)

برای متخلق شدن به اخلاق پسندیده و رسیدن به رشد شخصیت، توجه به سه نوع ارزش ضروری است:

۱- نور / ۵۸-۶۰.

۲- گفتار فلسفی، ص ۴۶.

۱- ارزش عمر ۲- ارزش زندگی ۳- ارزش اخلاقی. (۱)

۴- استمداد از خداوند و اهل بیت علیهم السلام

انسان باید از ادامه نگاه به زن بیگانه خودداری کند؛ زیرا نگاه پی در پی آتش شهوت را شعله ور می‌سازد. در صورتی که امکان ارضای میل جنسی نبود، با خواندن نماز و توسل به اهل بیت علیهم السلام به آنان پناه ببرد و از آنان کمک بخواهد. توجه به خدا و اهل بیت علیهم السلام به نوبه خود ایمان را تقویت می‌کند و موجب می‌شود فکر گناه به ذهن انسان راه نیابد. به علاوه سبب می‌شود انسان به خود آید و با احساس شرم و حیا در برابر آن بزرگواران، از لغزش مصونیت یابد. (۲)

روایات

اشاره

برای جلوگیری از پیش آمدن چنین عمل شنیعی چند چیز را که مقدمات قریبه و بعیده آن است تحریم فرموده:

نگاه شهوتی بر پسر حرام است

۱- نگاه کردن از روی شهوت به جوان امرد (پسری که هنوز مو به صورتش در نیامده) حرام است. بلکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که: فتنه جوان زیبای امرد از فتنه دختر باکره بیشتر است. پس بر هر

۱- تربیت جنسی در اسلام، ص ۲۰۳-۲۰۵.

۲- تربیت جنسی در اسلام، ص ۲۰۸-۲۰۹.

مسلمانی واجب است از چشمان خود نهایت مواظبت را بکند که به چنین گناه بزرگی مبتلا نشود. (۱)

لجام آتشین برای بوسه شهوت

۲- بوسیدن جوانی از روی شهوت حرام است. چنانچه از حضرت صادق علیه السلام است که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که جوانی را از روی شهوت ببوسد خداوند او را در قیامت به لجامی از آتش لجام می فرماید. (۲)

و از حضرت رضا علیه السلام مرویست که: هرگاه جوانی را از روی شهوت ببوسد ملائکه آسمان و ملائکه های زمین و ملائکه غضب او را لعنت کنند و جهنم برایش آماده شود و مکان بدی جایگاهش می باشد. (۳)

و نیز از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمودند: کسی که جوانی را از روی شهوت ببوسد خداوند او را در آتش جهنم هزار سال معذب می فرماید. (۴)

و اگر مسلم شد که کسی جوانی را از روی شهوت بوسیده باید حد بخورد و حدش از سی تا نود تازیانه است هر قدر حاکم شرع صلاح بداند او را می زند.

۱- وسائل الشیعه، باب نکاح، باب ۲۱، ص ۲۵۸ همان، ج ۱، ص ۲۰۶.

۲- همان.

۳- فقه الرضا .

۴- مستدرک، کتاب نکاح، باب ۱۷، ص ۵۷.

خوابیدن دو مرد یا دو زن

۳- خوابیدن دو مرد در یک بستر و زیر یک لحاف در صورتی که هر دو عریان باشند حرام است و همچنین است حکم دو زن، فرقی بین محرم و بیگانه نیست.

و در چند روایت است که باید آنها را حد زد و برایش هم حد زنا معین شده یعنی آنها را یکصد تازیانه بزنند. (۱)

و بعضی از علماء فرموده‌اند: چون برای خوابیدن دو مرد عریان زیر یک لحاف حد معین شده پس از گناهان کبیره است.

و از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرویست که: بستر فرزندان خود را از ده سالگی جدا سازید یعنی دو برادر یا دو خواهر زیر یک لحاف از همان کوچکی نخوانند. (۲)

پاسخ به دو سؤال**سؤال اول: حد لواط چقدر است؟**

چون حرمت و فساد لواط بیشتر از زنا است حدش شدیدتر است و آن کشتن می‌باشد هرگاه لواط کننده و دهنده هر دو عاقل و بالغ باشند هر دو را باید کشت و فاعل را به وسیله شمشیر یا سنگسار کردن یا زنده به آتش سوزانیدن یا از بالای بلندی مانند کوه پرتاب کردن با دست و پای بسته، بایستی کشت و انتخاب نوع قتل به نظر حاکم جامع شرایط است.

۱- گناهان کبیره، ج ۱، ص ۲۰۷.

۲- وسائل الشیعه، کتاب النکاح، باب ۱۲۷، ص ۳۰.

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مرویست که: پس از کشتن بدنش را به آتش بسوزانند و این گناه بزرگ مانند زنا به یکی از دو چیز ثابت می‌شود:

یکی اقرار است به اینکه فاعل یا مفعول یا هر دو به این گناه خود چهار مرتبه اقرار کنند و اگر کمتر از چهار مرتبه اقرار کند حد بر او جاری نمی‌شود و تنها تعزیر (تأدیب) می‌شود و بعضی از فقهاء فرموده‌اند: چهار مرتبه اقرار باید در چهار مجلس شود و شرط است در اقرار کننده بلوغ (پس اگر نابالغ باشد تأدیب باید شود) و کمال عقل و حریت و اختیار (پس اگر به اجبار و اکراه بوده حد ندارد).

دوم شهادت چهار مرد عادل بالمعاینه است یعنی بگویند به چشم خود دیدیم که فلان با فلان لواط نموده و اگر گواهی دهندگان کمتر از چهار نفر باشند گواهی آنها رد می‌شود و حد جاری نمی‌گردد، بلکه حد قذف بر آنها باید جاری شود و اگر شخص لاطی پیش از گواهی شهود توبه کند حد بر او جاری نمی‌شود و هر یک از اقرار و گواهی اگر بر دخول بر دُبر باشد حد آن کشتن است و اگر بر تفخیز یعنی دخول در الیه و رانها باشد حد آنها یکصد تازیانه است. (۱)

سؤال دوم: چرا حد لواط قتل است

۱- دو نفری که شرم و حیاء را از دست داده و از عالم انسانیت سقوط کرده و در نتیجه انحراف جنسی در جلو چشم چهار مرد با تقوی با هم جمع

شوند جز جرثومه فساد چیز دیگر نیستند و اگر زنده بمانند جامعه‌ای را آلوده و منحرف - به مانند خود خواهند ساخت چنانچه در قوم لوط در ابتداء شیطان یک نفر را به این گناه آلوده ساخت سپس آن بدبخت دیگران را به این گناه وادار کرد تا جائیکه در برابر چشم یکدیگر مردان به مردان و زنان با زنان جمع می‌شدند و نیز کسی که از چنین گناه بزرگی از کار خود پشیمان نشود و توبه نکند دانسته می‌شود کفر و انکارش به خدا و سرای آخرت و بالجمله چنین شخص جز کشتن و سوختن او چاره دیگری نیست و نیز گوئیم:

۲- برای اینکه این گناه بزرگ در میان مسلمانان شایع نگردد که در اثر اشاعه اهمیت و قبح آن از نظرها محو گردد در دین اسلام، با اینکه برای اثبات هر موضوعی گواهی دو مرد عادل کافی است، لیکن در موضوع اثبات زنا و لواط به گواهی دو نفر یا سه نفر ثابت نمی‌شود بلکه بر آنها جایز نیست گواهی دادن و اگر گواهی دادند بر آنها حد قذف (نسبت زنا یا لواط به مسلمان دادن) جاری می‌شود، بلی اگر چهار مرد عادل به چشم خود ببینند دخول یا تفریح را می‌توانند گواهی دهند و به گواهی آنها ثابت می‌شود و حد فاعل و مفعول جاری می‌گردد به شرط اینکه پیش از گواهی از کردار خود پشیمان و تائب نشوند و الا حد ساقط می‌گردد.

و اما اقرار به اینکه در شرع اسلام هر انسان بالغ عاقل از روی اختیار و عمد به موضوعی که به زیان او است اگر یک مرتبه اقرار و اعتراف صریح کند ثابت می‌شود، لیکن در موضوع زنا و لواط تا سه مرتبه هم ثابت نمی‌شود مگر اینکه چهار مرتبه تکرار کند و احتمال مزاح یا بیماری روانی یا چیز

دیگر داده نشود و این سخت‌گیری برای آنست که از اقرار دست بردارد و حد بر او جاری نشود و دانسته شود که این گناه آن قدر بزرگ و مبغوض است که هیچ مسلمانی به آن آلوده نمی‌گردد و اهمیت آن باقی بماند و از این بیان دانسته می‌شود سر کراهت اقرار توضیح مطلب آنکه اگر مسلمانی به گناه زنا یا لواط آلوده شد فاش کردن کردار ناروای خود و اقرار به آن مکروه است هر چند اگر نزد حاکم شرع چهار مرتبه اقرار کند و حد بر او جاری شود عذاب آخرتی قطعاً ندارد و خداوند عادل جمع نخواهد فرمود بین عقوبت دنیوی و عذاب اخروی و گنه کار پس از اجرای حد بر او قطعاً از آن گناه پاک شده است لیکن بهتر آن است که سر خود را فاش نکند و تنها با پروردگار خود این راز را در میان گذارد و از در توبه و تصریح به سوی او در آید و براستی از کردار خود پشیمان و از شرمساری نزد پروردگار سوخته و گداخته و نالان باشد امید است که خداوند به ناله‌های او ترحم فرموده و از آن آلودگی پاکش فرماید و البته باید تا آخر عمر بین خوف و رجا باشد یعنی هم از عقوبت آخرت بترسد و هم امید به فضل و کرم الهی داشته باشد و به عبارت دیگر نه مغرور و بیدرد و بی‌باک باشد به مانند اینکه کاری نکرده و گناه خود را کوچک شمرده و خود را پاک پنداشته باشد و نه یأس و ناامیدی او را بگیرد و خیال کند گناه او بزرگتر از آن است که آمرزیده شود و از این روی خدا را نخواند و از او طلب آمرزش نکند. (۱)

در اینجا چند روایت ذکر می‌شود:

۱- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اگر سزوار بود که کسی دو بار سنگسار شود هر آینه لواط کننده این چنین سنگساری می... شد.

شریعت‌های آسمانی متفقاً با این خوی نکوهیده به مبارزه پرداخته‌اند؛ زیرا اساس بقدری اجتماع تناسل است و لواط مانع از آن است و در نتیجه این عمل منکر اجتماع را در معرض فساد و زوال قرار می‌دهد به علاوه ارتکاب این عمل موجب آن می‌شود که روح مردانگی کودک از میان برود و سرانجام از قیام به وظائف حیاتی و اجتماع که مستلزم داشتن روح رجولیت حقیقی است عاجز ماند و صدمه‌ای عظیم از این راه متوجه اجتماع شود زیرا برای آنکه تناسل بر اساس صحیح انجام شود لازم است که مرد و زن در جهت رجولیت و انوئیت کامل و صحیح باشند و لواط یا نسل را از میان می‌برد و یا آن را ضعیف می‌سازد.

داستانی زیبا

توبه می‌کند و نمی‌سوزد

در فروع کافی کتاب الحدود از حضرت صادق علیه السلام روایت می‌کند که: روزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در میان جماعت اصحاب بودند مردی آمد و گفت: یا امیرالمؤمنین! با پسری لواط نموده‌ام پاکم کن، (یعنی بر من اجرای حد فرما) حضرت فرمود: برو به خانه‌ات شاید سودایی در طبیعت حرکت کرده باشد (چون به سبب احتمال شبهه، حد ساقط می... شود، لذا فرمود شاید حواست حاضر نیست و اقرار از روی کمال عقل و شعور نیست) روز دیگر آمد و همان اقرار را کرد و خواهش اجرای حد را تکرار نمود.

حضرت ثانیاً فرمود: به منزلت رو، شاید سودایی در طبیعت حرکت کرده و چنین اقراری می‌کنی تا اینکه سه مرتبه باز گشته و همان طور اقرار و سپس خواهشش را تکرار کرد. در مرتبه چهارم حضرت فرمود: که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در این واقعه سه حکم فرموده هر یک را می‌خواهی اختیار کن یکی اینکه دست و پایت را ببندند و از کوه پرتاب کنند یا اینکه با شمشیر ترا بکشند یا با آتش تو را بسوزانند؟

عرض کرد: یا علی! کدامیک از اینها دشوارتر است؟

فرمود: سوزاندن با آتش، گفت: آن را اختیار کردم.

حضرت فرمود: تهیه کار خودت را بکن، گفت چنین خواهم کرد، پس برخاست و دو رکعت نماز خواند سپس گفت: خدایا! گناهی از من سرزده که تو به آن دانایی و من از گناه تو ترسیدم و به نزد وصی رسول تو آمدم و از او خواهش کردم مرا از گناه پاک کند، او مرا بین سه نوع عقوبت مختار فرمود. خداوندا! من آن را که سخت‌تر بود انتخاب کردم از تو می‌خواهم که این عقوبت را کفاره گناهان من گردانی و مرا در آخرت به آتش خود در جهنم نسوزانی پس گریان برخاست و در گودالی پر از آتش که برایش آماده شده بود نشست آتش از اطرافش شعله می‌کشید.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بر حالش رقت فرمود و گریان شد و اصحاب همه به گریه در آمدند، پس از آن، حضرت فرمود: برخیز ای مرد! که ملائکه آسمان و زمین را به گریه در آوردی به درستی که خداوند توبهات را پذیرفت، برخیز و به آن گناهی که کردی نباید برگردی. (۱)

۱- گناهان کبیره، ج ۱، ص ۲۱۰-۲۱۱.

نکته: مشهور بین فقهاء آن است که اگر گنه کار پس از اقرار و حاضر شدن برای اجرای حد، توبه نماید امام مخیر است که حد را اجرا کند یا نکند. چنانچه در حدیث مزبور امام علیه السلام از اجرای حد صرف نظر فرمود و این اختیار اجرای حد مخصوص موردی است که گناه با اقرار گنه کار ثابت شود نه به شهادت شهود که در این صورت توبه گنه کار در اجرا نمودن حد تاثیری نداشته و حتماً باید حد اجرا شود.

یک مسئله

باید دانست که مادر و خواهر و دختر پسری که لواط داده بر لواط کننده حرام همیشگی است، یعنی پس از این عمل زشت دیگر هیچ وقت نمی تواند مادر و دختر و خواهر لواط دهنده را بگیرد. (۱)

بخش سوم: کامجویی بدلی (استثناء و راههای پیشگیری از آن، ازدواج بدون مقدمه)

اشاره

یک نامه و یک مسئله مهم

«می‌خواهم خون گریه کنم، اما قطره اشکی مژگان مرا مرطوب نمی‌کند؟»

می‌خواهم فریاد کشم اما آه هم از سینه بر نمی‌خیزد، می‌خواهم بیندیشم اما به چه چیز؟ به کدام بد بختی و نا فرجامی؟ مگر مغز اندیشمندی هم در برابر این ناملایمات بر جا می‌ماند، بیچاره و تنها، ویلان و سرگردان، هراسناک و بیم ناک از آنچه هستم و خواهم بود، متنفر از همه کس و همه چیز، و از این محیط آلوده و ننگین.

۲۱ ساله هستم، ۱۰ سال تمام از حساسترین ایام عمرم را به تنهایی گذراندم، ناملایمات زندگی و رنگهای زننده و چهرهٔ اجتماع مرا رنج می‌دهد... نفهمیدم چه شد. چند سال قبل که هنگام مطالعه کتابی بی اراده به یک عادت شوم جنسی آشنا شدم، آن موقع گذشت و کسی به من تذکر نداد که جوانی چه دوران حساس و خطرناکی است؟ اندام‌های برهنه^(۱)

زنان و دخترانی که در آتش شهوت می‌سوختند به هیجان درونی من دامن می‌زدند. بلی من عادت کردم و اکنون مریض جسمی هستم و به این عمل نا هنجار استمنا مشغولم و روحم نیز بیمار شده است، دارم به مرحلهٔ جنون پا می‌گذارم. آن قدر ناراحتم که در اندیشه نمی‌گنجد. مرا از طول دادن نامه ببخشید، این ناله‌ها و استغاثه‌ها از من نیست که به

۱- مراجع می‌فرمایند: نگاه کردن به اندام‌های برهنه و لخت زنان و دختران حرام است.

گوش شما می‌رسد می‌دانم که بسیاری از جوانان مثل من بیچاره‌اند. نا گفته نماند دوران جوانی در سنین ۱۶الی ۱۷ سالگی بود که دو مرتبه به خود کشی دست زده‌ام. اما اجازه مردن هم به ما بیچاره‌ها نمی‌دهند. اکنون خیلی ضعیف شده‌ام و مدت کوتاهی است که با کمال معذرت بی اراده از من قطرات منی دفع می‌گردد، اکنون در میان طوفان مرگ بازی به این طرف و آن طرف می‌روم شاید یک سویس نابودی باشد. این بود نامه‌ای از مشهد که یکی از جوانان معتاد به عمل کثیف استمناء و عاقبت آن به انتشارات نسل جوان.

این یک نامه‌ای درد آلود و غم انگیز بود و یکی از صحنه‌های اندوهبار این اجتماع آلوده که برای شما بیان گردید. (۱)

مسئله مهم و اشتباه پزشکان

یکی از اشتباهات بزرگ در این مسئله حساس این است که عده‌ای از پزشکان، در برابر متخصصانی که سال‌ها در این باره مطالعه نموده و آثار شوم این عادت زشت را در کتاب‌های خود نوشته‌اند چنین اظهار می‌کنند که: گاهی می‌گویند این عمل با آمیزش جنسی چندان تفاوت ندارد؟ متأسفانه همین اظهار نظرهای بدون مطالعه در تمام جوانب مسئله، سبب سقوط عده‌ای از جوانان در دام این عادت شوم شده است. پاسخ این را پزشکان مطلع و وارد چنین می‌دهند، این آقایان از یک نکته اساسی در این مسئله غفلت دارند که، به شهادت «مشاهدات فراوان» و «اعتراف

صریح بسیاری از مبتلایان» این عمل، اعتیاد آور است، اعتیاد شدید و مرگبار که افراد را به دنبال خود می کشاند و به این آسانی هم دست بردار نیست. ممکن است یک مرتبه استعمال فلان ماده مخدر ضرر زیادی نداشته باشد، ولی باید توجه داشت خطر اعتیاد در پیش است، اعتیادی که همه چیز انسان ممکن است در آن دفن شود.

همان طور که گفته شد، متخصصان این فن در کتاب هایی که در این زمینه نوشته اند موضوع اعتیاد آور بودن این عمل شوم را صریحا یاد آور شده و جوانان را از آن بر حذر داشته اند. (دقت کنید). (۱)

نکته دیگری که باید به این موضوع اضافه کرد این است که آلوده شدن به این عمل بسیار ساده است، یعنی در حقیقت وسائلی نمی خواهد و در هر گونه شرائطی و در همه حال امکان آن هست و کنترلی هم در آن نیست و بد بختانه چون در دوران «طغیان غریزه جنسی» مخصوصا میان سال های ۱۶ تا ۲۰ به سراغ جوانان می آید خیلی زود ممکن است به صورت یک عادت ریشه دار در آید، در حالی که آمیزش جنسی هرگز چنین ساده نیست و زن و مردی که همسر یکدیگرند در شرایط خاص چنین امکانی را پیدا می کنند.

کسانی که زیانهای آن را دست کم گرفته اند، حتما توجه به مسئله اعتیاد به آن و سایر اوضاع و احوال خاص این مسئله ننموده اند، و گر نه چگونه می توان این حقیقت حسی را انکار کرد که بسیاری از جوانان آلوده تا سر حد مرگ و جنون و ناتوانی مطلق و فلج و از دست دادن همه چیز خود پیش می روند، مگر مشاهدات حسی را می توان منکر شد؟! اتفاقا در

میان این دسته بسیارند، کسانی که می‌گویند: هرگز به زیان این عادت شوم هم آشنا نبودیم و از ضررهای آن آگاهی نداشتیم بنابراین مسئله تلقین هم در اینجا منتفی است. (۱)

فصل اول: تاریخچه استمناء

تاریخچه عمل نکتبار استمناء

یکی از عادات زشت و خطرناک که بین بعضی از جوانان مرسوم است عمل کثیف استمناء در پسران و عمل استشهاء در دختران می‌باشد که خود یک نوع تحریک جنسی برای خود ارضایی با دست است. کلمه خود ارضایی که به کار بردم در مقابل کلمه دیگرست که در زبان فارسی به کار برده می‌شود. نام بین المللی و طبی آن که معمولاً گفته می‌شود و رایج است «اونانیزم» یا «اونانیزم» است که در کتاب‌های طبی نوشته شده و این کلمه از نامی مشتق شده که در تورات به نام «اونان» آمده است.

«یهودا» به پسر خود «اونان» گفت: چون برادرت مرده، تو زن او را به همسری برای خودت بگیر، تا اینکه برای برادرت فرزندان بوجود بیاید، ولی اونان، مایل به گرفتن زن برادر خود نبود و نمی‌خواست که آن زن، از وی فرزند بزاید، برای اینکه می‌دانست فرزندان که از آن به وجود بیاید به طوری که پدرش گفته، فرزندان برادر او محسوب خواهند شد، و بعد از اینکه یهودا، اونان را وادار کرد، که زن برادر متوفی خود را بگیرد، هر دفعه که اونان نزد آن زن می‌رفت نطفه خود را بر زمین می‌ریخت، تا

اینکه آن زن از او باردار نشود و عمل او نان خداوند را ناراضی کرد و خداوند او را به هلاکت رسانید.

از وقتی که این آیه در تورات نوشته شده، از سر پیدایش به وسیله روحانیون و مربیان برای مردان به خصوص نوجوانان خوانه می شد و آنان را می ترسانیدند و می گفتند:

«اگر مبادرت به استمناء کنید خداوند شما را به هلاکت می رساند.»

واقعیت این است که او نان، پسر یهودا مبادرت به استمناء نمی کرد و بلکه می توان گفت: در هزار سال قبل با عمل خود که در تورات نوشته شده، نطفه خود را به زمین می ریخت، برنامه محدود کردن موالید را به موقع به اجراء می گذاشت. قرنهایست که اولیاء و مربیان، استمناء را یکی از معاصی کبیره می دانند، مخصوصاً دین مبین اسلام در این مورد تاکیدات بسیار دارد. (۱)

زمینه های مبتلا شدن

به طور تیتروار زمینه های مبتلا شدن به این عمل را، برای شما عزیزان در زیر آورده شده است، اگر بخواهیم برای آن شرح دهم مثنوی ۷۰ من کاغذ می شود، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل،

(۱) - زیاد روی در مهر ورزیدن؛

(۲) - عدم توجه پدر و مادر به فرزند؛

(۳) - آلودگی های محیط، که عبارتند از:

الف: لباسهای تنگ و چسبان پوشیدن؛

۱- آموزش زنا شویی، صص ۹۵ و ۹۶.

ب: عکسهای مبتذل و سکس؛

ج: مجلات سکس و سوپر؛

د: موسیقی های شهوت انگیز؛

و: وضعیت زنان و دختران بی حجاب؛

۴- نقش مطبوعات در ترویج مفاسد؛

۵- چشم چرانی و ...

خودتان قضاوت کنید

وقتی یک دختر جوان و یا زنی از خانه بیرون می آید در حالی که با بدترین وضع خود را آرایش کرده است و از ادکلن ها و ... استفاده کرده و لباس های مبتذلی می پوشد و ... وقتی یک جوان با چنین صحنه ای روبرو می شود چه حالی به او دست می دهد؟ خود جواب بدهید؟

فصل دوم: شیوع استمناء

اشاره

متأسفانه به واسطه مشکلات بی حد و حساب ازدواج و مجرد جوانان، به قرار مسموع، این مرض خانمان سوز، گناه کبیره شیوع فوق العاده پیدا کرده و دانسته یا نادانسته بسیاری از جوانان عزیز را به انواع و اقسام بیماری مبتلا می سازد، صرف نظر از عقوبت های اخروی که دارد وظیفه پدرها و مادرهاست که فرزندان خود را آگاه سازند و مواظب جوانان خود باشند و هم چنین در مرتبه دوم، وظیفه دبیران و آموزگاران تعلیمات دینی و بهداشت است که جوانان را به عواقب وخیم روحی و جسمی این بلا با خبر سازند.

الف: مضرات جسمی و روحی استمناء

این عمل مبتلایان را به ضعف قوای شهوانی دچار می کند، جنون و بی حال بار می آیند، شهامت و درستی از آنان سلب می ... شود، چه بسا اشخاصی هستند که در عنفوان جوانی در مبتلا شدن به جلق، چنان دچار ضعف قوای روحی و جسمی می شوند که معتادین به تریاک و شیره در مقابل آنان شیر نری به حساب می آیند. عمل غیر طبیعی جنسی یعنی استمناء یا جلق، از لحاظ روابط نزدیکی به قوای پنج گانه دارد در درجه اول در چشم و گوش اثر می گذارد. بدین معنا که دید چشم را ضعیف کرده و حس سامعه را نیز تا اندازه قابل توجهی از کار می اندازد. مبتلایان به جلق مخصوصاً آنهایی که از لحاظ جسمانی ضعیف می ... باشند، غالباً مگسی جلو چشم خود می بینند که به شدت آنها را ناراحت می کند و

حتی وقتی چشم‌های خود را می‌بندند باز نمی‌توانند از آسیب مگس در امان باشند و چون این عمل هر بار چند دقیقه ادامه پیدا می‌کند چشمشان سیاهی رفته و دچار سرگیجه می‌شوند و به زمین می‌افتند، هم چنین به طور مداوم صدای نا هنجاری در گوش خود احساس می‌کنند که بسیار ناراحت کننده است. علاوه بر اینها تحلیل رفتن قوای جسمانی و روحانی، کم شدن خون، پریدگی رنگ، نقصان قوای حافظه، لاغری، ضعف، سستی زیاده از حد، بی‌اشتهایی، کج خلقی، عصبانیت، دوران سر، و هزاران آفت دیگر از بیماریهایی است که گریبان مبتلایان به جلق خواهد گرفت. البته آنهایی که از لحاظ جسمانی قوی هستند ممکن است قدری دیرتر به این بیماری‌ها دچار شوند ولی به هر حال عدم ابتلاء به آنها از محالات است و خواه نا خواه همه باید به چنین مصائبی گرفتار شوند.

از بدبختی‌های مبتلایان به جلق یکی این است که قوه اراده آنان به کلی مختل می‌گردد و لذا وقتی به عمل خود پی می‌برند آنقدر اراده ندارند که به ترک کردن آن اقدام نمایند، پس اینکه می‌گوییم استمناء از لحاظ روحی نیز قوای انسان را فرسوده می‌کند بی‌علت نیست، عمل استمناء علاوه بر مضار جسمی از لحاظ جنسی نیز شخص را فرسوده می‌کند، یعنی غدد مترشحه داخلی را از کار می‌اندازد، از جمله این غدد، غده سازنده منی است که بر اثر جلق رفته رفته کوچک شده و به صورت نخودی در می‌آید و چون در آن صورت قادر به فاعلیت و ساختن منی و یا به قول عربها (ماء الحیاه) یعنی آب زندگانی نیست، شخص مبتلا برای همیشه از لذائد جنسی محروم می‌گردد و اگر به این صورت از مردی نیفتاد، به طور قطع به صورت

دیگری مانند سرعت انزال، کندی انزال، سیلان منی، عدم نعوظ، نعوظ بی دوام و امثال اینها به ناتوانی جنسی مبتلا خواهد شد. چه بسا دیده یا شنیده شده که جوانان معتاد به جلق، در اندک مدتی دچار چنان حالتی گردیده اند که به جای ادرار خون از آنها خارج شده است.

باید دانست که اشخاصی که به این حالت دچار می‌شوند و لو در سنین جوانی باشند، خطر مرگ در انتظار آنهاست. زیرا بدون احساس شهوانی و بدون اینکه لذتی ببرند بلا انقطاع منی از آنها دفع می‌گردد و همین امر باعث می‌شود که در حین راه رفتن، دفعتاً به زمین بخورند و از هوش بروند. (۱)

ب: دیگر زیانهای استمناء

مبتلایان به این عادت زشت بر اثر عوارض روحی و جسمی حاصله، به تدریج تبدیل به افرادی ضعیف البنیه، سر خورده، تنبل و مایوس و دچار عقده‌ها و کمپلکس‌های روانی می‌گردند و نسبت به دیگران نیز بدبین بوده و در نوعی اضطراب و افسردگی به سر می‌برند. بنابراین مضرات استمناء بسیار است این مضرات را به طور اختصار می‌توان به شرح زیر نام برد:

۱- تحریک زیاد هیپوتالاموس و در نتیجه، تحریک افراطی غدد جنسی که سبب پرکاری نامتناسب آنها می‌شود و بلوغ زود رس را به دنبال دارد.

۲- کاهش و تخلیه مکرر، قوای جسمی و روحی را به ضعف عمومی می‌کشاند و بالاخره به پیری زودرس می‌انجامد.

۱- گناهان کبیره، ج ۲، صص ۲۲۳ تا ۲۲۵.

۳- به علت افزایش جریان خون در اعضای تناسلی، مغز و مراکز حساس دیگر دچار کاهش نسبی جریان خون می شود، تخلیه... های مکرر عصبی و عدم ارضای روحی در دراز مدت، موجب ضعف عمومی و عوارض روحی می گردد.

۴- رکود فکری و اختلال و ضعف حافظه و کاهش اراده.

۵- ضعیف شدن بینایی و بی‌اشتهایی، ضعف استخوان و ناراحتی‌های مفصلی.

۶- در مراحل طولانی و شرائط خاص مزاجی، این عارضه به ضعف و لرزش دست و گاه به فلج بعضی از اعضای بدن منجر می شود و حتی ممکن است که سبب فلج تمام اعضای بدن می شود.

۷- ضعف جنسی و انزال زودرس.

۸- به علت این نوع ارضای ناقص و غیر طبیعی و اختلال‌های حاصله بعد از ازدواج نیز غالباً امور زناشویی به طور طبیعی صورت نمی گیرد و گرفتاری‌هایی دیگر از این جهت در روابط بین زن و شوهر پیش می آید که به زندگی مشترک لطمه زده و شکست در زناشویی یکی از عوارض آن است.

۹- گوشه گیری، یاس، بی تفاوتی نسبت به مسائل مهم حیاتی، غم و کدورت روانی از عوارض روحی دیگر آن است که در مراحل شدید حتی به آزار طلبی دیده می شود.

۱۰- پیدایش کم خونی بویژه بر اثر تحریک مصنوعی و مداوم آلت تناسلی.

۱۱- تورم کانال نطفه.

۱۲- تورم قسمت پایانی و عقب کانال ادرار.

۱۳- شل شدن عضلات تناسلی به گونه‌ای که قدرت نگهداری منی یا ادرار از دست می رود.

۱۴- پیدایش سر درد و سرگیجه، سوت کشیدن گوش‌ها.

۱۵- خستگی و فرسودگی دستگاه اعصاب.

۱۶- زود رنجی و حساسیت در کوچکترین برخورد با دیگران. (۱)

ج: آثار وخیم استمناء

یکی از اطباء معروف در کتاب خود که دربارهٔ زیان‌های عادت ننگین استمناء نوشته مشاهدات جمعی از پزشکان را به این شرح نقل می‌کند:

«هوفمان» می‌گوید: جوانی را دیدم که از پانزده سالگی گرفتار این اعتیاد شوم شده بود و تا سن بیست و سه سالگی آنرا ادامه داده بود. او چنان دچار ضعف قوای جسمانی گردید که هنگامی که می‌خواست کتابی را بخواند چشمهایش سیاهی رفته سرش درد می‌گرفت، حالتی شبیه سر سام به او دست داده بود، مانند افراد مست دچار سرگیجه شده بود، حلقه‌های چشم او بیش از حد معمولی گشاده و باز شده و در قعر چشم‌های خود درد شدیدی احساس می‌کرد مشاهدات دکتر «هوچین سون» ثابت می‌کند: عموم ناراحتی‌های مربوط به دستگاه تناسلی از آثار استمناء و ناراحتی‌های فکری و مشیمه از آن سرچشمه می‌گیرند. (دقت کنید). (۲)

نویسنده مزبور اضافه می‌کند:

۱- آنچه یک جوان باید بداند ویژه پسران، پاورقی ص ۶۱ و ۶۲ به نقل از کتاب بلوغ دکتر احمد صبور اردو بادی.

۲- مشکلات جنسی جوانان، ص ۳۹.

«نخستین نتیجه این عادت به این کار شنیع این است که قوت و شفافیت چشم‌ها زائل می‌گردد، صورت رنگ اصلی خود را از دست می‌دهد و پژمرده می‌شود، در نگاه‌های مبتلایان به این کار هوش و ذکاوت اولی دیده نشده و حالت گرفتگی در سیمای آنها ظاهر می‌گردد، چشم‌های آنها به حلقه‌های کبود رنگی احاطه می‌شود. بعد از آن سستی و تنبلی در اعضای مختلف مشاهده می‌شود. نقصان حافظه، خرابی اشتها، مشکل شدن هضم، تنگی نفس، تغییر اخلاق و مزاج به طور غیر قابل توضیح، حسادت، غم و کدورت، مالیخولیا، فکر گوشه‌گیری و تنهایی از نتایج شوم ابتلای به این انحراف جنسی است.

این طبیب در جای دیگر کتاب خود اضافه می‌کند:

این عمل موجب کم‌خونی و ضایع شدن قوای جسمی و روحی می‌گردد و باعث دوران سر، صدای گوش‌ها، کمر درد، سستی و ضعف و لاغری و کم شدن حافظه و سختی نفس و خلاصه عدم اقتدار کلی در بدن می‌شود و بر اثر رابطه نزدیکی که با حواس پنج‌گانه دارد مخصوصاً در چشم و گوش اثر می‌گذارد».

عادت به این انحراف شوم جنسی مخصوصاً نیروی مقاومت بدن را در برابر بیماری‌ها کم می‌کند و به طوری که پزشک مزبور تصریح می‌نماید:

«اشخاصی که به این عادت مذموم مبتلا هستند و به محض گرفتاری به یکی از بیماری‌های وخیم به آسانی نمی‌توانند گریبان خود را از چنگال مرگ نجات دهند».^(۱)

د: عوارض سوء استمناء

عوارضات سوئی که عمل استمناء و استشهائ برای فرزندان خانواده دارد بی شمار است که به چند نمونه آن می‌پردازیم:

سوء هاضمه، رنگ پریدگی، ضعف اعصاب، نوعی لاغری، کم خونی، کم شدن نور چشم، سستی و تنبلی، کمرویی، بی حالی، تنگی نفس، بی‌قیدی، بی‌ارادگی، تند خویی، دوری از مردم، گوشه نشینی، تنهایی، ضعف مزاج و کم اشتها، ناسازگاری با دوستان و خانواده خود، در بعضی از موارد ضربان تند قلب و ضعف قوای جنسی که در اثر اونانسیم بروز می‌کند. (۱)

جواب یک سؤال مهم

سؤال: ممکن است بعضی از اشخاص مبتلای به جلق که به علت قوی الجثه بودن و یا از لحاظ مبتدی بودن در این امر تاکنون بیمار نشده و به مضار عمل ناپسند خود پی نبرده باشند، مطالبی را که ما در مضرات جلق نوشتیم اغراق پنداشته و با خود بگویند: اگر این طور است چرا ما تاکنون به این بیماریها مبتلا نشده‌ایم؟

جواب: در جواب این عده باید گفت: اگر امروز مضار جلق، گریبان شما را نگرفته علتش این است که: قوی الجثه هستید و یا تازه شروع به این کار کرده‌اید و الا چندی دیگر خواه ناخواه به سراغ شما نیز خواهد آمد، وانگهی ما ادعا نکرده‌ایم که هر کس یک هفته مبادرت به استمناء کرد تمام بیماریها یکباره او را احاطه خواهد کرد، زیرا حالات اندرونی

اشخاص فرق می‌کند. مثلاً یک نفر که برای مدتی مبادرت به جلق کرد در وهله اول فقط به سستی اعصاب یا اخلال حواس و حس سامعه یا ضعیف شدن حس باصره، یا سرگیجه مبتلا می‌شود ولی بعداً سایر بیماری‌ها یک یک سراغ او بیایند. (۱)

۱- گناهان کبیره، ج ۲، ص ۳۳۶.

فصل سوم: داستان‌هایی از اشخاص استمناء کننده

اشاره

در این فصل دو داستان از کسانی که مبتلا به این عمل کثیف بوده اند را می‌آوریم که انسان را تا کام مرگ رسانده است و این دو داستان عبارتند از:

الف: تا کام مرگ ؛ ب: تیمارستان تهران.

الف: تا کام مرگ

۱- «دکتر هوچین سون» از قول یکی از نویسندگان نقل می‌کند که:

«جوانی را می‌شناختم که مبتلا به این عادت شوم بود، او گرفتار یکی از بیماری‌های تب دار شد، در روز ششم بیماری که کاملاً ضعیف شده بود باز نتوانست دست از عمل خود بردارد لذا مرگ با تمام وحشت خود بر او ظاهر گشت و او را در کام خود فرو کشید».(۱)

۲- و نیز نقل می‌کند که:

«یکی از مبتلایانی که به یکنوع از عادت شوم، مداومت می‌نمود رفته رفته ضعف شدیدی در خود احساس کرد، بدن او رو به لاغری گذاشت ساق پا و ران‌های او به طور محسوسی کم گوشت شد و کمر درد او را آزار می‌داد، ادامه ی این عمل منتهی به فلج عمومی بدن او گردید و پس از شش ماه بستری شدن که با وضع قابل ترحمی با مرگ دست به گریبان بود در آغوش مرگ فرو رفت».(۲)

۱- مشکلات جنسی جوانان ، ص ۱۴۱.

۲- مشکلات جنسی جوانان، ص ۱۴۲.

مخصوصاً ابتلای به این عمل ننگین برای مجروحین و آنهایی که عمل جراحی در بدنشان شده فوق العاده خطرناک می باشد. کوتاه سخن اینکه به گفته همان پزشک متخصص این انحراف جنسی قبیح که هم از نظر پزشکی و هم از نظر مذهبی منفور است موجب خرابی و نابودی وجود انسان و تزلزل روح می گردد.

ب: تیمارستان تهران

سری به تیمارستان تهران بزنید، از هر ده نفر دیوانه‌ای که در آنجا سکونت دارند نه نفر معتاد به جلق می باشند. یعنی بر اثر ابتلاء به استمناء کارشان به جنون کشیده و به گوشه تیمارستان افتاده‌اند، زیرا عمل مذموم و ناپسند اونانیسم، در قوای دماغی تاثیر زیادی دارد و وقتی قوای دماغی شخص مختل شد، مسلم است که کارش به دیوانگی خواهد کشید بدون اغراق از هر ده نفر بیمار مسلولی که در آسایشگاه خوابیده‌اند، چهار نفر به علت ابتلاء به جلق، به این بیماری خطرناک دچار گردیده‌اند. اینها ادعا نیست بلکه حقیقتی است که علما و دانشمندان با ده‌ها سال تجربه، به درک آن موفق شده‌اند.

دنیای امروز می گوید: خوب بخور، در هیچ امری افراط نکن، قوی باش تا بیمار نشوی، ولی معتادین به عمل جلق چون اشتهای خوب خوردن ندارند و در امور جنسی آن‌هم از راه غیر طبیعی افراط می کنند، ناچار ضعیفند و چون ضعیف هستند برای ابتلاء به هر نوع بیماری مستعد می باشند.

به کرات دیده شده است که بعضی از مبتلایان به استمناء، بر اثر افراط در این عمل به یک نوع بیماری به نام «جنون استمناء» که شباهت زیادی به سادیسزم دارد، مبتلا می‌شوند و آن وقت حتی با دیدن سگ و گربه هم به فکر استمناء می‌افتند و بلافاصله مشغول عمل می‌شوند و چون هیچ مردی حتی پر شهوت‌ترین اشخاص نمی‌توانند بیش از پنج یا شش ماه از نیروی جنسی خود آنهم به صورتی که مورد بحث ما است بهره‌برداری کنند، لذا قوای تناسلی آنان به کلی از کار می‌افتد و یا به وضع دلخراشی به آغوش مرگ پناه می‌برند. (که داستان آن در تا کام مرگ گذشت).^(۱)

۱- گناهان کبیره، ج ۲، ص ۳۳۵ و ۳۳۶.

فصل چهارم: سخنان بزرگان و روان شناسان و پزشکان

اشاره

در این فصل سخنان بزرگانی مانند ابو علی سینا و دکتر تومانیاس مسیحی و غیره را می آوریم تا معلوم شود که از لحاظ بزرگان و روان شناسان و پزشکان، این عمل خیلی مذموم و بد است.

الف: سخنان ابو علی سینا

بدان ای برادر نقل شده که ابوعلی سینا گفته:

« این منی جان است که در رحم زنان ریخته می شود.»

«اقل جماعك ما استطعت فانه ماء الحياه نصيب في الارحام».

این شعر منصوب است به ابو علی سینا:

(کم کن جماع خود را تا می توانی ، چون که این آب، حیات است که می ریزد در رحم ها).

آن وقت این آب حیات به وسیله استمناء بیرون آید چه بر سر انسان می آید و این مثل ازدواج نیست که مقدمات بخواهد هر ساعتی می توان این عمل را انجام داد در نتیجه جوان عادت پیدا می کند و همه روز این کار را انجام می دهد و سرعت انزال او پیدا می شود و منی می شود مثل بول ، و یک عمری نمی تواند از زن لذت ببرد. پس اگر کسی هم اهل آخرت هم نباشد برای

دنیای خود و لذت بردن از زن، این کار را نکند و به علاوه منی که بول نیست، بول فضولات غذاست و اما منی عصاره غذاست و مانند خون است. (۱)

ب: سخنان دکتر تومانیاس مسیحی

دکتر تومانیاس مسیحی در کتاب (بهداشت و اسلام) فلسفه حرمت استمناء را بدین نحو نگاشته: اینک بینیم ضرری که از نقطه نظر و بر اثر عمل کردن و عادت نمودن به این فعل شنیع حاصل می گردد از چه قراری است:

اولاً: معلوم است این حرکت فکر کودکان را از انجام وظایف و تکالیف ایام صباوت که تحصیل و تعلیم و تربیت است به کلی باز می داشته و آنها را به طرف آلت تناسلی راهنمایی می نماید و در نتیجه دوام این حرکت را بطئی و او را ضعیف البنیه و کم خون و کم خوراک خواهد نمود.

ثانیاً: طفل معصوم را بیهوش، بلا اراده، بی حافظه، بی حواس، تبیل و مهمل بار می آورد.

ثالثاً: اعضای تناسلی او را هم از انجام وظیفه طبیعی باز داشته و حتی بعضی اوقات اثر بدماغ و مخ نموده و در نتیجه طفل بیچاره را مجنون و دیوانه می گردانند به طوری که در هنگام بزرگی و رشد تمام آثار فوق‌الذکر در او بروز نموده و او را از زندگانی بیزار می سازد و در نتیجه به دزدی و کارهای نامشروع دیگر وادارش می نماید.

رابعاً: مضرات فوق الذکر به نسل انسان هم سرایت کرده و عامل این عمل را سست و بی فکر و ضعیف البنیه و کم مغز پرورش می‌دهد، برای اینکه اطفال پی به این قسمت نبرده و اشخاص خویشان را به این فعل شنیع عادت ندهند. (۱) در صفحه دیگر از کتاب خود دکتر تومانیاس نوشته:

«... همانطوری که استمناء اعوجاج ستون فقرات و نخاع شوکی مغز حرام است و باعث ضعف اعصاب و گاهی امراض گوناگون می‌شود به همین نسبت در اعصاب دیدگان مؤثر بوده و آنها را ضعیف می‌سازد در اثر ادامه این عمل انسان را کم خون و کم خوراک و ضعیف البنیه می‌کند. بی هوش، بی حواس، تنبل و مهمل می‌گرداند. و دیگر اینکه آلت تناسلی را از انجام وظیفه ی طبیعی باز می‌دارد و حتی بعضی از اوقات اثر آن به دماغ بروز می‌کند و در نتیجه جنون می‌آورد و دیگر این که این عمل به نسل آدمی هم ضرر فراوانی وارد می‌نماید. (۲)»

ج: سخنان دکتر صدر الدین نصیری

این دکتر در کتاب خود نوشته:

«استمناء با دست بدن را برای گرفتاری به مرض «مال دبت» آماده می‌سازد، داستان اشخاص معتاد به استمناء مثل داستان کسی است که رگ حیاتی خود را قطع کند و آن خونی که سبب ادامه زندگی او می‌باشد بمکد، پس در این صورت مرگ بی چاره چه تقصیری دارد.»

۱- فلسفه احکام جدید از نظر علوم جدید پاورقی، صص ۲۰۵ و ۲۰۶.

۲- مسائل عصر جدید، م ۱۲۴، ص ۲۸۶.

و اما راجع به زنها که به دست خود به فرج خود ور برونند نقل است که جمعی از اطباء عقیده بر آن دارند، امراضی که در اثر این عمل عارض می شود بیش از امراضی است که در اثر استمناء ایجاد می گردد. (۱)

د: سخنان دکتر دبس

دبس معتقد است که: استمناء عوارضی دارد از جمله:

پریدگی رنگ، حلقه سیاه به دور چشم، خسته و خواب آلوده بودن، شرم اغراق آمیز و کاذب، گوشه گیری و انزوا و آشفتگی در خواب دیده می شود. استمناء بسیار جوان را خسته می کند و در طبایع حساس تولید وسواس و تردید عجیبی می نماید، به طوری که افراد مبتلا به آن همیشه خجل و شرمسار هستند و خود را مجرم می پندارند. هنگام بررسی امراض ذهنی و فکری و روانی غالباً به این عادت بر می خوریم و در جوانانی که در تحصیل عقب مانده ذهنی هستند این عادت دیده شده است. بی اهمیت شمردن این کامجویی بدلی در جامعه ما، تجویز نوعی انزوا، کناره گیری، فرار از ازدواج، احساس گناه و خود کم بینی و اضطراب است. (۲)

۱- مسائل عصر جدید، م ۱۲۴ ، ص ۲۸۷.

۲- دانستنی های دختران جوان ، ص ۱۰۲ ، به نقل از بلوغ دبس، ص ۶۳.

فصل پنجم: جواز استمناء در بابیت و بهائیت

اشاره

در این فصل تولید نسل از راه استمناء را بیان می‌کنیم که بدانید این کار اشتباه کار بابی‌ها و بهائی‌هاست. و این فرقه باطل این عمل کثیف را جایز می‌دانند نه مسمانان واقعی و شیعیان و محبین.

تولید نسل از راه دیگر

سید محمد علی باب در واحد هشتم، باب ۱۵ بیان فارسی می‌گوید:

«بر هر شخصی واجب شده است که ازدواج کند، تا نسل خداپرست از او باقی بماند و باید در این راه جدیت نماید و اگر مانعی در ایجاد نسل از یکی از طرفین بود جایز است برای هر یک از آنها با اجازه دیگری، به وسیله دیگر ایجاد نسل نماید و با کسی که در دین بیان نیست جایز نمی‌باشد.»

از این عبارت استفاده می‌شود که زن در صورت نداشتن بچه می‌تواند با اجازه شوهرش با دیگری همبستر شده و بچه دار شود. اگر او این دستور را می‌دهد تعجب نکنید، از او چه توقع، که حتی عمل زشت و کثیف و زیان بار استمناء را نیز جایز می‌داند. آنجا که در بیان عربی واحد هشتم باب دهم گوید:

«قد عفی عنکم ما تشهدون فی الرویا او انتم تستمینون»

«بخشیده شده بر شما آنچه را که در خواب مشاهده می کنید (می بینید) احتلام (یعنی جنب شدن) یا با مالیدن به خود استمناء می نمایند. (۱)»

اگر صیغه را حرام نمی کرد کسی زنا نمی کرد

کسانی که نمی توانند ازدواج دائم کنند باید راه حلی باشد که به گناه و زنا نیفتند و دین مبین اسلام می گوید: اگر توان ازدواج دائم ندارید، ازدواج موقت کنید. تنها راه حل برای رهایی از نیروی سرکش جنسی و حفظ گناه است. و اگر خلیفه دوم صیغه را حرام نمی کرد کسی به گناه نمی افتاد مگر انسان شقی.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: اگر عمر، نهی از متعه نمی کرد، هیچ کس زنا نمی کرد مگر شقی. (۲)

بین که حضرت علی علیه السلام راه بسته شدن زنا را متعه فرموده. و شیعه معتقد است که باعث هر عمل زنا، لواط و استمنایی را که از مردم سرزند عمر است و او در گناه آن شریک است؛ زیرا او ازدواج موقت را ممنوع و از انجام آن جلوگیری کرد. چنانکه در روایات آمده: «از آن هنگام که عمر از ازدواج موقت جلوگیری کرد زنا در بین مردم شیوع یافت».

۱- بابی گری و بهایی گری، ص ۱۹۷.

۲- مجمع البیان طبق آیه ۲۹ سوره نساء.

فصل ششم: راه‌های پیشگیری

دستورهای دهگانه

خطرات و زیان‌های استمناء را یاد آور شدیم، اگر چه غیر قابل انکار است؛ زیرا به زودی شکل اعتیاد به خود می‌گیرد، اعتیادی ریشه دار و کشنده تا آنجا که گاه در یک روز چندین بار دامن مرتکبین خود را آلوده می‌سازد و حتی طبق اعتراف صریح بعضی از مبتلایان گاهی کارشان به جایی می‌رسد که تنها با تصور و فکر! بدون هیچگونه عمل دیگر مایع مخصوص از آنها دفع می‌گردد. ولی از آن خطرناکتر یاس و نومیدی از مبارزه با این اعتیاد است، زیرا این نومیدی بزرگترین سد راه نجات مبتلایان خواهد شد و واکنش‌های فوق العاده نامطلوب روحی در آنها ایجاد می‌کند. مبتلایان باید اطمینان کامل داشته باشند که اگر بخواهند می‌توانند در مبارزه با این عادت شوم پیروز گردند و حتی عمده آثار آن را از وجود خود برچینند، خواه دوران این مبارزه کوتاه یا طولانی باشد. آنها هرگز نباید به خود تلقین کنند که این اعتیاد تا آخر عمر از آنها دست بردار نیست و یا آثار آن همچنان باقی خواهد ماند. منتهی باید با هوشیاری کامل و تصمیم قاطع و به کار بستن دستورهای آینده به مبارزه پی‌گیری برخیزند. کسانی که از چنگال این عادت شوم نجات یافته‌اند باید قدر پاکی خود را بدانند و در حفظ آن نهایت مراقبت را بنمایند، از هرگونه وسوسه شیطنی در این راه بپرهیزند، و با هیچ قیمتی سرنوشت خود را به دست افراد گمراه و معاشران منحرف نسپارند. و شرط پیروزی قطعی در مبارزه با هر نوع اعتیاد غلط - اعم از

اعتیادهای خطرناک جنسی یا اعتیادهای دیگر - پس از «امیدواری و اطمینان به پیروزی» داشتن تصمیم قاطع است. تصمیمی آهنین و محکم و متکی به ایمان و شخصیت و شرافت و وجدان، تصمیمی راسخ و غیر قابل عدول. حتی اگر به عللی این تصمیم ده بار هم شکسته شد مجدداً، بلکه قاطع تر و راسخ تر باید تصمیم بگیرند و با همان امیدواری و ایمان تصمیم خود را تجدید کنند. زیرا سرانجام آثار این تصمیم ها در ناخود آگاه آنها اثر گذارده و هنگامی که روی هم متراکم شد تاثیر خود را خواهد بخشید. اما مسلماً و بدون تردید اگر تصمیم شکسته نشود خیلی زودتر آثار این عادت شوم از روح و جسم آنها برچیده خواهد شد. بدیهی است این گونه افراد اگر رابطه و پیوند نزدیکی با خدای خود برقرار سازند و با تمام ذرات وجود خود از ساحت مقدس او استمداد جویند و به لطف او امیدوار و دلگرم باشند در پرتو ایمان مذهبی، خیلی زودتر نتیجه خواهد گرفت. اکنون که این مراحل پیموده شد باید امور زیر را دقیقاً به کار بندند. ممکن است این امور در نظر بعضی ساده جلوه کند، ولی هنگام عمل روشن می شود که اثر معجزه آسایی دارد. (۱)

راه‌های درمان استمناء

اشاره

حضرت علی علیه السلام فرموده اند: گناه نکردن بهتر از توبه کردن است. و پزشکان و روان شناسان می گویند که: پیشگیری بهتر از درمان است. ما در این جزوه مختصر ده راه حل مهم و مفید و تجربه شده را ذکر می

کنیم و به شما عزیزان و جوانان می‌گوییم که کسانی که مبتلا به این عمل خانمانسوز استمناء هستند، آنها را بی اطلاع از این مطالب نگذارید. و دوست خوب کسی است که عیوب برادرش را به او بگوید. زیرا امام صادق علیه السلام می‌فرماید که: بهترین برادران من کسانی هستند که عیوب مرا به من هدیه دهند. و کتابی که مهم و سودمند است برای هدیه دادن به دوست هم خیلی خوب و موثر است. اما اول به طور فهرست وار راه‌های پیشگیری را می‌آوریم و بعد به توضیحات آن می‌پردازیم. و آنها عبارتند از: ۱- اجتناب از هرگونه تحریک مصنوعی؛ ۲- تهیه برنامه فشرده و منظم؛ ۳- توجه مخصوص به ورزش؛ ۴- باید عادت‌های جانبدارانه‌ی گرده؛ ۵- پرهیز مطلق از تنهایی؛ ۶- ازدواج در نخستین فرصت؛ ۷- تلقین و تقویت اراده؛ ۸- پرهیز کامل؛ ۹- تقویت عمومی و رژیم غذایی؛ ۱۰- استمداد از نیروی ایمان و عقائد مذهبی.

قبل از توضیح این ده دستور نکته‌ای بسیار مهم و قابل توجه است و آن اینکه: کسی که می‌خواهد این عمل را ترک کند باید تصمیمی قاطع و جدی و محکم بگیرد و با افرادی که بسیار آلوده اند معاشرت نکند، و این دو نکته را پزشکان عموماً معتقدند برای ترک هر نوع اعتیاد.

۱- اجتناب از هرگونه تحریک مصنوعی

اگر جوانان انتظار داشته باشند که هر شب در سینماها در برابر تلویزیون ناظر صحنه‌های هوس آلود فیلم‌های سکسی باشند، و همه روز قسمتی مهم از وقت گرانبهای خود را صرف مطالعه «رمانهای عشقی» و تماشای

«عکس‌های مبتذل و شهوت‌انگیز» مجلات فاسد و بیهوده بگذرانند، و در کوچه و خیابان با ولع تمام اندام برهنه زنان و دختران را ورانداز کنند، و با اینهمه باز هیچ‌گونه آلودگی پیدا نکنند سخت در اشتباهند. این‌گونه تحریکات مصنوعی که هیچ‌گونه ضرورتی هم ندارد مسیر فکر هر جوانی را از مسائل اصولی زندگی تغییر می‌دهد و به سوی مسائل جنسی، آنهم به صورت حاد و طغیانگر می‌کشاند.

شب و روز آنها را در یک حال اضطراب دائمی عصبی که آثار نامطلوب آن بر تمام وجود آنان سایه خواهد افکند نگه می‌دارد. ادامه این تحریکات دائمی بهترین فصول زندگی (یعنی دوران جوانی) را بر باد می‌دهد، و اعصاب جوانان را در هم می‌کوبد. همه جوانان عزیز مخصوصاً آنهایی که دارای پاره‌ای از عادت‌های غلط جنسی هستند باید بشدت از این‌گونه امور پرهیزند، از دیدن این فیلم‌ها و مطالعه آن رمان‌ها و هرگونه چشم‌چرانی عمدی اجتناب ورزند، آرامش و فکر خود را بی‌جهت بر هم نزنند و اعصاب نیرومند خود را با هیجان‌های دائمی تضعیف نکنند. برای موفقیت در این قسمت لازم است سرگرمی‌های سالم و برای اوقات فراغت خود انتخاب نمایند و به کمک دوستان برنامه‌های صحیحی برای این اوقات تنظیم کنند. این سرگرمی‌ها ممکن است: ورزش‌های فردی و دسته‌جمعی، پیاده روی در هوای آزاد، مطالعه کتب سودمند و مفید، پرورش گل در منزل و به طور کلی کارهای کشاورزی و کارهای دستی، جمع‌آوری اشعار، تهیه کلکسیون‌های عکس و تمبر و مانند اینها، شرکت در انجمن‌های گوناگون و کنفرانس‌های علمی یا اخلاقی باشد.

۲- تهیه برنامه فشرده و مهم

جوانان باید به طور حتم برای تمام شبانه روز خود برنامه تنظیم کنند به طوری که یک ساعت وقت بیکار بدون برنامه نداشته باشند. نمی‌گوییم مرتباً درس بخوانند یا کار کنند، بلکه می‌گوییم اگر تفریح یا ورزش هم دارند برنامه داشته باشند و یک ساعت خالی از برنامه نباشد.

جوانان باید بدانند بزرگترین بدبختی برای یک جوان این است که وقت‌های خالی از هرگونه برنامه داشته باشند. ممکن است جوانی بیکار باشد و جویای کار، اما در عین حال برای شب و روز خود برنامه‌ای تهیه کند، اعم از مطالعه و تفریح و استراحت و مانند آن. حتی اگر جوانان بتوانند برنامه روزانه خود را کمی بیش از مقدار وقتشان تنظیم کنند به طوری که فکر آنها حتی یک لحظه بیکار به معنی واقعی نباشد بهتر است؛ زیرا اشتغالات فراوان فکری اثر عمیقی در انصراف فکر از آن عادت شوم دارد.

بسیار دیده شده که افراد معتاد به سیگار در روزهای تعطیلی چند برابر روزهایی که مشغول کار هستند سیگار دود می‌کنند، این تفاوت فاحش اثر همان اشتغال فکر و اعصاب و بدن به کارهای مثبت و انصراف از کارهای بیهوده یا زیان آور در ایام غیر تعطیلی است. خلاصه افرادی که گرفتار اعتیادهای غلط جنسی هستند اگر برنامه مشغول کننده‌ای برای تمام وقت خود نداشته باشند به آسانی نمی‌توانند این عادت را از سر خود دور کنند، و تهیه چنین برنامه‌ای از مؤثرترین عوامل ترک اعتیاد است، و مطمئناً با تهیه چنین برنامه‌ای قسمت مهمی از مشکلات ترک این اعتیاد را پشت سر خود خواهند گذاشت.

۳- توجه مخصوص به ورزش

معروف است ورزشکاران نسبت به مسائل جنسی کم علاقه هستند، چون ورزش مقدار فراوانی از انرژی‌های بدنی و فکری آنها را به خود اختصاص می‌دهد، و طبعاً از مسائل دیگر کم می‌کند. بهمین دلیل برای جلوگیری از تحریکات زیاد جنسی لازم است جوانان برنامه‌های وسیع و متنوع ورزشی انتخاب کنند.

مبتلایان به این عادت شوم غالباً افرادی گوشه‌گیر، منزوی، کم‌تحرك و خمود هستند، و همین گوشه‌گیری و انزوا و عدم تحریک وضع آنها را تشدید می‌کند و اگر از این وضع به کلی در آیند و زندگی خود را با تحریک زیاد بیامیزند اثر عمیقی در بهبود حال آنها و ترک عادتشان خواهد بخشید. اینگونه افراد معمولاً اعصاب ضعیف و ناتوانی دارند و ورزش‌های متنوع و مناسب در تقویت اعصاب آنها فوق‌العاده مؤثر است.

این افراد هر چه وقت اضافی و خالی از برنامه دارند باید به بازی‌های گوناگون ورزشی و یا پیاده روی در هوای آزاد تخصیص دهند تا هم سلامت از دست رفته خود را باز یابند و هم قسمتی از انرژی‌های جسمی و فکری آنها متوجه این قسمت گردد. به همان اندازه که تحرك و ورزش‌های فردی و دسته جمعی برای آنها مفید است، انزوا و گوشه‌ای خزیدن و در فکر فرو رفتن برای این قبیل افراد سم مهلك است که باید به هر قیمتی شده از آن دوری گزینند.

این توصیه را فراموش نکنید و آثار معجزه آسای آنرا ببینید، در روز آن قدر ورزش کنید که خسته شوید و شب هنگام به محض اینکه در بستر

آرمیدید در خواب عمیقی فرو خواهید رفت و از شر بسیاری از خیالات و افکار مضر و کشنده که در این موقع به سراغ جوانان می آید در امان خواهید بود.

۴- باید عادت‌های جانشین عادت‌های گردد

روان شناسان می گویند: برای تحرک یک عادت باید حتماً سراغ عادت خوب رفت و آنرا جانشین عادت بد نمود. مثلاً کسانی که عادت به قمار دارند، و با اینکه تمام زیان‌های آنرا می بینند و حس می کنند، باز حاضر نیستند آنرا ترک گویند و به گفته خودشان وقت قمار که می رسد نمی فهمند چه نیرویی آنها را مانند یک اسیر و برده به سوی این عمل که عقل و وجدانشان آنرا محکوم ساخته می کشاند. چنین کسانی برای اینکه بر این عادت غلط پیروز شوند حتماً باید در همان ساعات، بازی صحیحی را (مانند یک مسابقه ورزشی سالم) جانشین بازی قمار کنند تا این عادت بد به اصطلاح از سر آنها بپرد. و عبارت دیگر انرژی خاصی که تحت تاثیر انگیزه عادت در آن حال تحریک می گردد باین سمت کشیده شود و مصرف گردد بدون اینکه هیچ گونه واکنش نامطلوبی داشته باشد. (دقت گردد).

در مورد عادات بد جنسی باید درست همان ساعاتی که انگیزه آن در مبتلایان تولید می شود به سراغ برنامه خاصی که برای چنین ساعتی قبل پیش بینی کرده اند بروند، و بسراغ مسابقه علمی، ورزشی، مسابقه هوش، مطالعه یک اثر جالب، یک ورزش مورد علاقه مانند کوهنوردی، اسب سواری و ... این کار را آن قدر ادامه دهند که جانشین عادت بد سابق گردد.

۵- پرهیز مطلق از تنهایی

اینگونه افراد باید حتماً و بدون هیچ گونه قید و شرط از تنها ماندن بشدت اجتناب کنند. هرگز تنها نباشند، در خانه تنها نمانند، شب در اطاق تنها برای مطالعه به نقاط خلوت نروند. و به محض اینکه در

محیطی احساس کردند تنها هستند از آن محیط بیرون بروند. اینگونه افراد مخصوصاً باید این نکته را فراموش نکنند که به مجرد اینکه نخستین تحریک را در خود حس می کنند بلافاصله برخیزند و سرگرم کار دیگری شوند، فراموش کردن این تذکر غالباً گران تمام می شود. تنهایی، محیط کاملاً مساعدی است برای پرورش میکرب، این اعتیاد در فکر هر جوان و تمام جوانانی که می خواهند خوشبخت و سالم و از خطرات عظیم استمناء در امان باشند باید از تنهایی پرهیزند.

۶- ازدواج در نخستین فرصت

این افراد اگر امکاناتشان اجازه می دهد باید در نخستین فرصت ازدواج کنند، حتی اگر امکانات آنها تنها برای انتخاب نامزد (البته نامزد مشروع که عقد شرعی آن اجرا شده باشد) فراهم است باید این فرصت را نیز از دست ندهند.

خلاصه ازدواج تاثیر قابل توجهی در مبارزه با این انحراف جنسی دارد و در صورتی که دامنه توقعات را کوتاه و تشریفات زائد و بی جا را از آن حذف کنند کاری است بسیار سهل و ساده و آسان. ولی متأسفانه یک

سلسله اوهام و قيود غلط، دست و پای غالب طبقات را - اعم از تحصیل کرده و بی سواد - در این قسمت بسته است. بعضی از جوانان معتاد از ازدواج وحشت دارند، ولی این وحشت کاملاً بی اساس است زیرا با به کار بستن دستور ها هم ترک این اعتیاد آسان است و هم پیروزی در تمام مراحل ازدواج و زنا شویی.

۷- تلقین و تقویت اراده

«تلقین» نیز در مبارزه با این عادت رل مهمی را بازی می کند. افراد معتاد باید مرتباً بخود تلقین کنند که به خوبی قادر هستند این عادت زشت را ترک گویند. برای اینکه تلقین در آنها اثر قوی و سریع ببخشد آن طور که یکی از اطبای روان شناس «دکتر ویکتور بوشه فرانسوی» می گوید: باید تلقین را به صورت زیر چندین روز پشت سر هم ادامه دهند - همه روز در محل آرامی که چیزی فکر آنها را بخود مشغول نسازد. فکر خود را متمرکز ساخته و با کلمات شمرده و محکم این جمله را تکرار کنند: «من به خوبی قادر هستم این عادت بد را از خود دور کنم، من قادرم» تکرار این تلقین ساده اثر عجیبی در تقویت روحیه و ترک اعتیاد و هر عادت بدی دارد (می توانید آزمایش کنید).

علاوه بر این باید برای تقویت اراده از مطالعه کتاب های روانی که برای تحکیم و رشد شخصیت و تقویت اراده نوشته شده است غفلت نوزند؛ زیرا همان طور که دانستیم و همه معتادانی که موفق به ترک این عادت بد

و سایر اعتیادهای ناپسند شده‌اند اعتراف دارند نخستین گام در این راه «اراده و تصمیم» است.

۸- پرهیز کامل

از معاشرت و همنشینی با افراد منحرف و مبتلا- به این عادت بد، در همه اوقات مخصوصا دوران مبارزه باید به طور مطلق دوری جست، همان‌طور که از مبتلایان به وبا فرار می‌کنند. علاوه بر این باید زیان‌ها و عواقب دردناک و مرگبار این عمل را هرگز از خاطر خود دور ندارند و هرگز گوش به سخنان وسوسه انگیز این و آن ندهند. نقش معاشران بد و فاسد در ابتلای به این انحراف و ادامه آن بسیار عجیب است آنها برای اینکه کمتر احساس گناه و بدبختی کنند سعی دارند افراد دیگری را نیز مبتلا سازند. و به سرنوشت غم انگیز خود گرفتار نمایند.

لذا همواره می‌کوشند با سخنان وسوسه انگیز این عمل شوم و زشت را لذت بخش و کم ضرر جلوه دهند. ولی جوانان بیدار هرگز در دام وسوسه‌های شیطانی آنها نمی‌افتند.

۹- تقویت عمومی و رژیم غذایی

داشتن یک رژیم غذایی کامل و سالم که موجب تقویت عمومی بدن گردد، نیز در مبارزه با این عادت بسیاری از مواقع از ضعف اعصاب سرچشمه می‌گیرد و یا خود عامل ضعف اعصاب است تاثیر قابل توجهی دارد. استحمام با آب سرد (البته در مواقعی که وضع هوا اجازه می‌دهد) و

سپس ماساژ دادن بدن با حوله نیز کمک مؤثری به این گونه افراد می‌تواند بنماید. (۱) هم‌چنین این گونه افراد باید به شدت از پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان که عامل مؤثری برای تحریک مصنوعی است پرهیزند. (۲) اینگونه لباس‌ها اصولاً برای همه جوانان زیانبخش و حتی گاهی خطرناک است هم به نمو رشد طبیعی جسم آنها صدمه می‌زند و هم وسوسه انگیز و تحریک آمیز است.

۱۰- استمداد از نیروی ایمان و عقائد مذهبی

نیروی ایمان و عقیده مذهبی می‌تواند بزرگترین کمک را به این مبتلایان کند و آنها را بزودی از چنگال این عادت زشت و بد نجات بخشد. این گونه افراد هرگز نباید خود را یک فرد نفرین شده و مطرود درگاه خداوند بدانند. بلکه باید به لطف خداوند بزرگ کاملاً امیدوار باشند و هنگام نماز و پس از نماز سر به سجده گذاشته و با آفریننده مهربان و بخشنده خود راز

-
- ۱- مؤلف گوید: پسران جوانی که غریزه جنسی آنها تحریک شده، ولی هنوز امکانات ازدواج برایشان مهیا نیست باید با روزه گرفتن و کمتر غذا خوردن خصوصاً غذاهای شهوت انگیز، هیجان شهوت را در خود آرام کنند و نیز با سرگرم کردن خویش به ورزش و مطالعه و حضور در مجالس سوگواری اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام علی الخصوص سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین ۷ از شدت این غریزه بکاهند.
 - ۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند: سه چیز موجب رشد بدن است: ۱- عطر زدن ۲- خوردن عسل؛ ۳- پوشیدن لباسهای نرم (نه لباس‌های تنگ و چسبان). (طب النبوی، ص ۳۷)

و نیاز می‌کنند با تمام دل و جان و با تمام ذرات وجود خویش از او بخواهند که آنها را در ترک این عادت زشت یاری کند و از چنگال آن برهاند و مطمئناً هرگاه با جان و دل توجه نمایند، لطف خداوند مهربان بیاری آنها خواهد شتافت و در این مبارزه حیاتی پیروز خواهند شد.

و نیز باید در همه جا و در همه حال خدا را حاضر و ناظر بدانند و هرگز بخود اجازه ندهند در پیشگاه مقدس او دست به چنین کار خلافی بزنند. ما اطمینان کامل داریم اگر مبتلایان دستورهای بالا را دقیقاً برای فقط برای یک ماه به کار بندند از شر این انحراف‌رهایی خواهند یافت. و چون اغلب اختلافات خانوادگی گرچه ظاهراً بر سر جزئیات زندگی است ولی اساس آن را باید در عدم سازگارهای زناشویی و معاشرتها جستجو کرد. بنابراین اونانیسم یکی از عوامل متزلزل کننده پایه‌های خانوادگی و اجتماعی است و پدران و مادران باید به این مسئله توجه بیشتری داشته باشند و در تربیت فرزند خود مراقبت بیشتری نمایند و راهی را انتخاب کنند که نگذارند جوانان به این عمل زشت و خانه برانداز عادت کنند چون ترک آن بسیار مشکل خواهد بود.

برای پیشگیری از این عمل ناشایست، ما ده راه مهم را توصیه کردیم که می‌توان به نحو احسن از آنها بهره‌گیری نموده و به کار بست. و این نکته باید قابل توجه باشد که، تربیت و راهنمایی صحیح فرزند توسط پدر و مادر، پایبند به اعتقادات مذهبی، ایمانی، تعلیم و تربیت توسط معلمان و مربیان خوب و با ایمان روابط دوستی و نزدیکی خانوادگی، معاشرتهای

سالم دوستان با هم، مطالعه کتاب‌های مهم و مفید و ... همه مؤثر است و باعث جلوگیری از این عمل ناپسند است. (۱)

اما از فصل هفتم به بعد در این جزوه در مورد قرآن و روایات است که این عمل را حرام می‌داند و عملی که حرام باشد باعث دخول در آتش جهنم است علی‌الخصوص عمل حرامی که به جسم و روح انسان ضرر بزند.

۱- مشکلات جنسی جوانان، صص ۱۶۰ تا ۱۷۵.

فصل هفتم: آیات قرآن درباره استمناء

در قرآن کریم صریحاً نام استمناء به کار نرفته است، ولی اگر به تفاسیر آیات، آن هم از لسان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و می‌بینیم که آیاتی در قرآن آمده است که دال بر استمناء و حرام بودن آن است. البته هر آیه‌ای از قرآن هفتاد بطن و معنا دارد.

الف: «لا تلقوا بأيديكم الى التهلكه»

(خودتان را به دست خودتان به هلاکت نیندازید). (۱)

ب: «فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك هم العادون».

(هر کس با غیر از همسرش شهوتش را دفع کند ایشان از تجاوز کارانند). (۲)

۱- بقره / ۱۹۵.

۲- مؤمنون / ۷.

فصل هشتم: روایات پیرامون استمناء

اشاره

استمناء یعنی بیرون کردن منی خود است از راه غیر طبیعی، مانند مالیدن بدست یا سایر اعضاء خود یا به سایر اعضاء دیگری غیر از همسر.

روایات

سئل الصادق علیه السلام عن الخضخضه؟ فقال: اثم عظیم قد نهی الله عنه فی کتابه و فاعله کناکح نفسه و لو علمت بمن یفعله ما اکت معه. فقال السائل بین لی یا رسول الله من کتاب الله نهیه؟

فقال قول الله تعالی: «فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك هم العادون» و هو وراء ذلك. (۱)

از حضرت امام صادق علیه السلام راجع به استمناء با دست سؤال شد؟

فرمود: گناهی است عظیم. خداوند در کتابش از آن نهی کرده است و اگر من بفهمم کسی این کار را کرده با او غذا نمی... خورم. سائل سؤال کرد این نهی در کجای قرآن است؟

فرمود: هر کس با غیر از همسرش شهوتش را دفع کند ایشان تجاوزکارانند. و استمناء از وراء ذلك است.

۲- فی خبر احمد بن عیسی سئل الصادق علیه السلام عن الخضخضه؟ فقال اثم عظیم. قد نهی الله عنه فی کتابه و فاعله کناکح نفسه و لو علمت بمن یفعله ما اکت معه. فقال السائل بین لی یا رسول الله من کتاب الله فیہ؟

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۰؛ مسائل عصر جدید، م ۱۲۴، ص ۲۸۶.

فقال قول الله تعالى: «فمن ابتغى وراء ذلك فأولئك هم العادون» و هو فما وراء ذلك. فقال: الرجل ای اکبر الطنا او هی؟ فقال علیه السلام: هو ذنب عظیم. (۱)

از حضرت امام صادق علیه السلام از حکم استمناء پرسیده شد؟

حضرت فرمود: (گناه بزرگی است که خداوند در قرآن مجید از آن نهی فرموده است و استمناء کننده مثل این است که به خودش نکاح کرده و اگر کسی را که چنین کاری می کند بشناسم با او هم خوراک نخواهم شد. راوی پرسید: از کجای قرآن حکم آن فهمیده می شود؟ حضرت فرمود: از آیه (هر کس با غیر از همسرش شهوتش را دفع کند ایشان تجاوز کارانند). راوی پرسید: گناه زنا بزرگتر است یا استمناء؟ حضرت فرمود: استمناء گناه بزرگی است.

سؤال مهم

شاید کسی بگوید: بعضی از گناهان آسان تر و کوچک تر از بعضی دیگرند، در حالی که (این گونه نیست و) همه آنها نزد خدا بزرگند، زیرا همه آنها سرکشی اند و به یقین خداوند سرکشی را از جانب بدن خود دوست نمی دارد و از آن نهی کرده چون از کارهای شیطان است. همانا خداوند فرموده است: «لا تعبدوا الشیطان». (شیطان را نپرستید). (۲)

و «ان الشیطان لکم عدو فاتخذوه عدواً انما یدعو حزبه لیكونوا من اصحاب السعیر».

۱- جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۵۴۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۷۵.

۲- یس/۶۰.

(البته شیطان دشمن شماسست، پس او را دشمن بدانید، او فقط حزبش را به این دعوت می کند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند). (۱).

۳- سألته عن الخضخضه؟ فقال: هي الفواحش. (۲).

از امام علیه السلام حکم استمناء را می پرسند؟

می فرماید: از گناهان بزرگ و بسیار زشت است.

۴- و فی الموثق فی الرجل ینکح البهیمه او یدلک؟ فقال علیه السلام کل ما انزل الرجل مائه من هذا و شبهه فهو زنا. (۳).

و از حکم کسی که با حیوانی جمع شود یا به وسیله مالیدن شهوتش را دفع کند پرسیدند. حضرت فرمود: هر کس شهوتش را به این وسیله و مانند آن دفع کند در حکم زنا کردن است یعنی با گناه زنا برابر است.

۵- قال الصادق علیه السلام: (ثلاثه یکلمهم الله تعالی و لا ینظر الیهم و لا یزکیهم و لهم عذاب الیم النائف شبیه و الناکح نفسه و المنکوح فی دبره). (۴).

حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید: سه دسته اند که خداوند با ایشان سخن نمی گوید و به نظر رحمت به ایشان نمی نگرد و پاکشان نفرموده و بر ایشان عذاب دردناکی است. ۱- کسی که موی سفیدش را بکند (تا

۱- فاطر / ۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۶۷.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۶۵.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۶۵.

نمایش دهد که جوان است) ۲- و کسی که به وسیله عضو خودش شهوتش را خارج کند ۳- و کسی که با او لواط کرده شود.

۶- قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: «ناكح الكف ملعون» (۱).

رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم فرموده‌اند: هر کس با دستش شهوتش را بیرون کند ملعون است.

۷- قال المعصوم عليه السلام: «اياكم و الاستمناء فانه يورث الدعوى يجرکم الى النار» (۲).

پرهیزید از جلق زدن و استمناء کردن، زیرا این عمل تولید مرض می‌کند و شما را به آتش جهنم می‌کشاند.

۸- از امام صادق علیه السلام روایت شده که مردی با آلتش بازی کرده بود. او را نزد امیرالمؤمنین علی علیه السلام آوردند آن حضرت (تنها) به قدری با تازیانه بر دستش زد که سرخ شد. سپس به هزینه بیت المال او را تزویج نمودند (۳).

۹- در روایتی آمده است که در عهد امیرالمؤمنین علیه السلام مردی استمناء کرد و خبرش به گوش ایشان رسید. ایشان دستور دادند که (تنها) به قدری با تازیانه بر دستش بزنند که سرخ شود. سپس از او پرسید که متاهل است یا مجرد؟ و چون دانست که مجرد است به او دستور ازدواج داد، اما او به خاطر فقری که دچارش بود گفت: که توان ازدواج ندارد. حضرت او را از

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۶۸.

۲- مستدرک الوسائل، باب نکاح، ص ۵۷۰؛ گناهان کبیره، ج ۲، ص ۳۳۳.

۳- فلسفه احکام جدید از نظر علوم جدید، ص ۲۰۷.

کرده خویش توبه داد و سپس بی درنگ تزویجش نمود و مهر زنش را نیز از بیت المال پرداخت. (۱)

۱۰- قال علی علیه السلام: الاستمء بالید ذلک الواد الخفی.

استمء با دست همان زنده به گور کردن است. (۲)

۱- الاستبصار، ج ۴، ص ۲۲۶، ح ۱؛ تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۶۴، ب ۴، ح ۱۶.

۲- شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۸۹.

فصل نهم: سخنان فقهاء و صاحب جواهر الکلام

اشاره

صاحب جواهر می‌فرماید: پس از معنای استمناء (که تعریف آن در فصل هشتم گذشت) مستفاد از ادله جواز استمناء با زوجه و کنیز است، لکن اولی ترک آن است و در مسالک نیز قریب به همین را ذکر فرموده، لیکن طریق احتیاط ترک آن است.

در آخر جواهر کتاب حدود آمده است که: هر کس به دستش یا عضو دیگرش استمناء کند باید تعزیر شود. چون کار حرامی بلکه کبیره‌ای را مرتکب شده است. (۱)

مراجع تقلید و فقهاء در رساله‌های عملیه اشان درباره استمناء سخنانی را ایراد فرموده‌اند که عبارتند از:

الف: استمناء در حج

اگر کسی در حج استمناء کند بر او واجب است که یک شتر قربانی کند و این کفاره گناهش می‌باشد. و در روایتی آمده است که در سال آینده حج کند. (۲)

ب: استمناء در ماه مبارک رمضان

یکی از مبطلات روزه این عمل کثیف می‌باشد، کسی که این کار را انجام دهد باید کفاره دهد و کفاره‌اش این است که: یک

بنده آزاد کند و اگر نتوانست دو ماه پی در پی روزه بگیرد که باید سی و یک روز آن پشت سر هم باشد و باید در این ۳۱ روز، روزه حرام در بین آن نباشد (مثل روزه

۱- گناهان کبیره، ج ۲، ص ۳۳۲.

۲- مختصر النافع، مبحث حج، ص ۱۱۰.

عید فطر و عید قربان) و مابقی بیست و نه روز دیگر آن اگر پشت سر هم نباشد اشکالی ندارد. و اگر نتوانست شصت فقیر را اطعام کند. (۱)

۱- توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مبحث مبطلات روزه.

فصل دهم: استمناء کننده باید تعزیر شود

تعزیر یعنی مجازاتی که برای گناه به صلاح دید حاکم برای مجرمین معین می‌شود. و تعزیر یعنی تازیانه خوردن.

کسی که این عمل کثیف و آلوده و خانمانسوز را انجام دهد به هر مقدار که امام (در زمان غیبت یعنی حاکم شرع) صلاح بداند تعزیر می‌شود.

استمناء با شهادت دو عادل یا دو بار اقرار ثابت می‌شود و یکبار اقرار نیکوست و کافی است. (۱)

شهید در کتاب مسالک روایت کرده که حضرت علی علیه السلام آنقدر به کف دست مردی که استمناء کرده بود زد که قرمز شد. که روایات آن در باب روایات استمناء گذشت.

نتیجه گیری

تردید نیست که خدای حکیم غریزه زناشویی را به منظور بقاء نسل در اصلااب بشر نهاده، نه فقط برای استماع لذت بردن. بنابراین اشخاصی که استمناء کنند:

اولاً: با خداوند مخالفت کرده‌اند. چه آن که استمناء مطلقاً موجب قطع نسل می‌شود.

ثانیاً: با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اولی الامر مخالفت ورزیده‌اند؛ زیرا که در کتاب مسالک و بحار و غیره از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده‌اند

که: «انه لعن الناکح کفه؛ یعنی خداوند لعنت کرده کسی را که با خود نکاح کند»، یعنی با دست خود کاری کند که انزال منی شود.

ثالثاً: باقرآن مخالفت نموده‌اند. طبق آیه ۱۹۵ سوره بقره: «خودتان را به هلاکت نیندازید». و طبق سوره مؤمنون آیه ۷ «هر کس با غیر از همسرش شهوتش را دفع کند ایشان تجاوز کارانند».

رابعاً: عمل استمناء موجب تعزیر (یعنی تازیانه خوردن) خواهد بود. طبق آنچه که در این جزوه گذشت.

خامساً: با حفظ الصحه خود مخالفت کرده؛ زیرا که عمل استمناء بسیار با حفظ الصحه (چنان چه به شرح رفت) مخالف را حرام دانسته و مردم را اکیدا از این حرکت نهی فرموده است. (طبق حدیث ۷ از همین جزوه).

سادساً: امراضی که انسان دچار می‌شود (طبق زیان‌های استمناء که گفته شد). ثابت شد از حکم به آیات قرآن و روایات وارده از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و سخنان پزشکان و روان‌شناسان و فتاوی مراجع تقلید دامت برکاتهم که این عمل کثیف و آلوده و خانمانسوز و اعتیاد آور و منقطع کننده نسل، که این فعل حرام و خلاف شرع مقدس اسلام است.

و هم از نظر عرفی و به طور خلاصه از تمامی جهات حرام و ناپسند است.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

الاستبصار، شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۹۰ق.

انتخاب هسمر، ابراهیم امینی، ناشر: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ هفدهم، سال ۱۳۸۰ش.

آموزش زنا شویی برای همسران جوان، نصرالله فرمایش، انتشارات باربد، چاپ چهارم، ۱۳۷۷ش.

آنچه یک جوان باید بداند (ویژه پسران)، رضا فرهادیان.

بابی گری و بهایی گری، محمد محمدی اشتهاردی، ناشر کتاب آشنا، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.

بحار الانوار، علامه مجلسی، موسسه الطبع و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

و انتشارات: اسلامیه، چاپ اول.

بلوغ، موریس دبس، ترجمه اسحاق لاله زاری، انتشارات تهران.

بیماری‌های آمیزشی و ناتوانی‌های جنسی، مجتبی رستمی و علی اصیلان، انتشارات هنرهای زیبا، چاپ اول سال ۱۳۸۴ش.

پرسش‌های مردم و پاسخ‌های امام محمد باقر علیه السلام، احمد قاضی زاهدی، مترجم: محمد حسین رحیمیان، نشر حاذق، چاپ اول، بهمن ۱۳۸۱ش.

تربیت جنسی در اسلام، حافظ ثابت، ناشر: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ سوم، تابستان ۱۳۸۶ش.

تفسیر المیزان، علامه طباطبائی

تفسیر کوثر، یعقوب جعفری، انتشارات هجرت، چاپ اول، بهار ۱۳۸۶ش.

تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و هفتم، سال ۱۳۸۲ش.

توضیح المسائل، آیت الله فاضل لنکرانی قدس سره.

توضیح المسائل مراجع، سید محسن بنی هاشمی خمینی، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.

تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

جامعه شناسی روابط جنسی، مؤلف: آندره مورالی دانیو، مترجم: حسن پویان، انتشارات توس، چاپ اول، ۱۳۸۳ش، چاپ
حیدری

جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، موسسه دائره المعارف اسلامی بر مذاهب اهل البیت علیهم السلام، چاپ اول،
۱۴۲۱ق.

داستان های شنیدنی و آموزنده از کیفر گناهکاران، سید جواد رضوی، ناشر: گلستان ادب/چاپ اول، زمستان ۱۳۷۹ش.

دانستی های دختران جوان، لطیف راشدی، نشر مصطفی، چاپ اول، بهار ۱۳۷۷ش.

شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید معتزلی.

طب النبی و طب الصادق علیهما السلام، ابوالعباس مستغفری.

علل الشرایع، شیخ صدوق، مترجم: سید محمد جواد ذهنی تهرانی، انتشارات مؤمنین، چاپ دوم، ۱۳۸۱ش.

عين الحيوه، محمد باقر مجلسی، انتشارات كتابفروشی اسلامیه، چاپ سوم، زمستان ۱۳۷۷ش.

فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفی، احمد رحمانی همدانی، مترجم: دکتر سید حسن افتخارزاده، چاپ چهارم، بهار ۱۳۸۱ش.

گناهان کبیره، عبدالحسین دستغیب، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوازدهم، تابستان ۱۳۸۷ش.

مجله عصر پزشکی، اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۰ش.

مختصر النافع، محقق حلی، موسسه المطبوعات الدینیه، چاپ ششم، ۱۴۱۸ق.

مسائل عصر جدید، سید مهدی غضنفری، ناشر مولف، چاپ اول، ۱۳۷۲ش.

مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، طبع دوم، ۱۴۰۹ قمری.

مشکلات جنسی جوانان، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات نسل جوان، چاپ اول، ۱۳۶۸ش.

المقنعه، شیخ مفید، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، انتشارات دارالحدیث، چاپ سوم، سال ۱۳۸۱ش.

وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، موسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

